

ماه عسل آسمانی‌ها

شبہات عاشورایی

به رسم وستم

جنگ



چطور اسیر دنیای مجازی نشویم؟

جشنواره‌ای برای سینمای جنگ

خانه تکنانی الکترونیکی

۸. مدال به نیت امام هشتم

روزهایی برای علم آموزی ...

در جستجوی دانش...

بی بی جان،
دل ما سوخته ی حسین دوست ...





جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۳۴ مهر ماه ۱۳۹۵

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: نادر دقیقی
مدیر اجرایی: سیده فاطمه رضایی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح گرافیک و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده
حروفچین: ویدا امیدی

امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعراء
بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

آدرس الکترونیکی: Email:javan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ / ۳۶ سال پس از آن روز
یادداشت: ۵ / گام اول مهر
برداشت آزاد: ۶ / به رسم رستم
دخترانه، پسرانه: ۸ / ماه عسل آسمانی ها
مادرانه، پدرانه: ۱۰ / خزان کودکانه
اجتماع: ۱۲ / زنانی که مردانه کار می کنند
حماسه آفرین: ۱۴ / میثم تمار علی... مدافع دخت نبی
راه و چاه: ۱۶ / جرایم اینترنتی و سایبری
مهارت: ۱۸ / چطور اسیر دنیای مجازی نشویم؟
مطبخ: ۱۹ / قیمة نجفی
لبخند: ۲۰ / افضل ساعات
جدول: ۲۱ / جدول
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / زندگی در کنار توپ و تانک
سرچشمه: ۲۴ / شبهات عاشورایی
عافیت: ۲۶ / نذری بهداشتی
سلامت: ۲۸ / روی ناخوش جنگ
خانه دوست: ۳۰ / قروه، نماد وحدت و انسجام کردستان
نور و نقره: ۳۲ / امکانی هراسناک، رنج آور و امکان یک فاجعه
نور و نقره: ۳۴ / برای درآوردن بسیاری از صحنه ها نیازمند سکوت لحظه ای هستم
نقد و نظر: ۳۶ / جشنواره ای برای سینمای جنگ
علمی: ۳۸ / دستاوردهای ایران زمین
روبه رو: ۴۰ / حاکم قلب ها که باشی، خدم و حشم نمی خواهی!
یک، دو، سه: ۴۲ / ۸ مدال به نیت امام هشتم
حرکت: ۴۴ / قهرمانانی ابدی با مدالی از جنس خون
بین الملل: ۴۶ / تقلای عربستان برای نجات از باتلاق یمن
دریچه: ۴۸ / خانه تکانی الکترونیکی
داستان: ۵۰ / جشن ناتمام
شعر: ۵۲
بازار کتاب: ۵۳
باشگاه مهربانی: ۵۴
تفال: ۵۶
انگلیسی: ۵۸



۳۶ سال پس از آن روز

وروزگار یادمان برود حالا که در اولین روز اولین ماه پاییز، کوچه‌ها پر از هیاهوی بچه دبستانی‌هاست، سی و شش سال پیشتر، کوچه‌ها و خیابان‌ها و خانه‌های ده‌ها شهر در چند استان کشورمان، پر از صدای بمب و توپ و هواپیما و باروت بود. و بعد به خاطر دفع شر دیوانه‌ای از غرب آمده، مردها کمر همت بستند و زن‌ها کنارشان حضور پیدا کردند و به فاصله‌ای نه چندان کوتاه چنان تاریخی را به رشته‌ی تحریر درآوردند که برای همیشه‌ی تاریخ یک کشور کافی است.

ما هر سال در اولین روز مهر، مرام و مردانگی و غیرت زنان و مردان سرتاسر جغرافیای این مرز و بوم را مرور می‌کنیم و افتخاراتشان را تا ابد در حافظه‌ی تاریخی خود ثبت خواهیم کرد. مهرشان ابدی و ماندگار.

سردبیر

جغرافیای وسیع این کشور، بخواهند خودشان را به دل حادثه برسانند. خودشان را و عزمشان را و غیرتشان را. فرقی هم نمی‌کرد که آن ساک‌ها و آن کوله‌ها محتویاتشان چه باشد؛ چند دست لباس و همین فرقی نمی‌کرد که دست‌های آن مردها در هر سنی و از هر کجا خالی از اسلحه باشد.

باید رفت و خود را به دل حادثه رساند. حادثه‌ای که فکر می‌کردیم مثل پاییز سر رسیده و به زودی از سر خواهیم گذراندش. اما به مدت هشت سال، حادثه ادامه داشت و هشت سالی که آنقدر اتفاقات تلخ و شیرین در جریان آن رخ دادن که از سر گذراندنش برای هر ملتی و هر قومی می‌تواند خواندنی، ماندنی و مایه‌ی افتخار باشد.

سی و ششمین مهر را در حالی ورود می‌کنیم که هنوز آنقدر فاصله نگرفته‌ایم که در فراموشی روز و

۳۶ سال از عصر غمگین و آزاردهنده و پر حادثه‌ی آخرین روز شهریور ۵۹ گذشت. شبی که با دلهره و هزار و یک فکر مختلف سپری شد و آینده‌ی مبهم و روزه‌ای در پیش بدون اینکه هیچ تصور درست و روشنی برای آنها وجود داشته باشد.

اما صبح اول مهر و هنوز ۲۴ ساعت نگذشته، به جای اینکه شهرها و کوچه‌ها و خیابان‌ها پر از کودکان شادمانه‌ی هر سال با کیف‌ها و کوله‌های پر از کتاب و دفتر و مداد باشد، پر شد از مردانی که عزم رفتن داشتند، با ساک‌ها و کوله‌هایی که پر بودند از عزم رفتن و رسیدن به نزدیکترین مرزی که می‌توانستند.

فرقی نمی‌کرد که این مرز در جنوب‌غربی کشور باشد یا در غرب. چند هزار کیلومتر در معرض تهاجم و حمله بود. و همین کافی بود که کسانی از هر کجای



گام اول مهر

نشست تا درخت دانش بار و بر تازه‌ای به خود بگیرد و برگی تازه بر دفتر دانش‌آموزی و دانش‌جویی این آب و خاک دیرین اضافه شود.

جهاد علمی؛ تاکید موکد بزرگان دینی و مذهبی و ملی ما بوده و آغاز راهی تازه در مسیر این جهاد و پیوستن جمعی تازه نفس و خواهان علم و طالب پیشرفت و آبادانی ملک و مملکت را به این جمع تبریک می‌گوئیم. مهرتان همیشگی و گام‌هایتان استوار در راهی که نه آغازی داشته و نه پایانی خواهد داشت.

نتیجه‌ی آن محققان و اندیشمندان و مخترعان و مبتکرانی است که حاصل تلاششان باعث فخر و سربلندی و خوشحالی و برکت و تکامل این کشور بوده و خواهد بود. حرکت مستمر و چرخه‌ای که از هزاران سال پیش تا به همین امروز و در هر دوره به شکلی و در قالبی بوده و خواهد بود.

چند میلیون دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی با همراهی و همدلی معلمان و اساتید و اولیای امر و خانواده‌ها از نخستین روزهای مهر پشت نیمکت‌ها و میزها و صندلی‌های آشنای همیشگی خواهند

تابستان که به انتها رسید، مهر فصل خرمین برداشتن کسانی است که گام‌های خود را در تابستان و بهار و پیش‌تر از آن برداشته‌اند و حالا نه اینکه به مقصد رسیده‌اند که راهی تازه و مسیری نو برای آنها آغاز شده است. دانه را جویندگان دانش و دانایی سال‌ها و ماه‌های پیش کاشته‌اند و درست که در شهریور به بار می‌نشیند اما این تازه آغاز حرکت دانه به سوی کمال و تکثیر و جوانه زدن مجدد است.

مهرماه آغاز گام برداشتن چند میلیون دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی در مسیر هر ساله‌ای است که

اهدای مدال،

به رسم رستم

● ایلیا حسینی

یک هفته از شروع المپیک ۲۰۱۶ گذشته بود و ورزشکاران ما یک به یک به میدان می آمدند و بی هیچ بهره ای از مدال، صحنه را ترک می کردند. در جدول مدال ها هیچ عددی مقابل نام کشورمان ثبت نشده بود تا بامداد ۲۳ مرداد که کیانوش رستمی در حالی که ۳ هفته پیشتر ۲۵ ساله شده بود و در عین حال با تجربه ی المپیک قبلی و نقره ای که در آن کسب کرده بود به عنوان امید کاروان ایران روی تخته رفت.

کیانوش رستمی وزنه بردار تیم ملی ایران در یکضرب رقابتی پا به پا با رقیب چینی داشت و در نهایت با ۱۷۹ کیلوگرم به کارش پایان داد. در دو ضرب اما کیانوش با مهار وزنه ۲۱۷ کیلوگرمی در حرکت دو ضرب ضمن جا به جایی رکورد المپیک به مدال طلا دست یافت.

مهم تر از شادمانی قهرمانی کیانوش رستمی و شیرین کامی قهرمانی این بود که او مرتب نام ائمه اطهار و نام پرطنین ایران را فریاد می زد و بر پرچم سه رنگ ایران بوسه زد. کیانوش شب رویایی

کیانوش رستمی در ادامه دلآوری هایش و در برگشت به ایران ضمن زیارت حرم حضرت معصومه (س) در این دیدار نشان خادمی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را از آیت الله سعیدی، تولیت آستان مقدس دریافت کرد و گفت: یقیناً مدال نوکری کریمه

اهل بیت از مدال المپیک برای من با ارزش تر است و انرژی من را در طی مسیر قهرمانی مضاعف خواهد کرد.

حکایت دلاور کرمانشاه، جوانی که ۲ سال پس از پایان جنگ به دنیا آمده بود اما به واسطه ی زیستن و زادن در اسلاآباد غرب تا به همین امروز از روایت دلیری و دلاوری مردان و زنان

ایرانی را با یک حرکت دیگر تکمیل کرد و آن هم گفتگویی بود که او پس از این قهرمانی انجام داد. کیانوش رستمی پس از تاریخ سازی در المپیک ریو ۲۰۱۶ و کسب مدال طلا گفت: خدا را شکر هیچ وقت اجازه نمی دهیم خون شهیدان پایمال شود و این مدال را به شهدای مدافع حرم تقدیم می کنم.

او پس از گرفتن مدال و پائین آمدن از سکو، در نخستین مصاحبه اش با داود عابدی گفت این مدال را به شهدای مدافع حرم تقدیم می کنم. رستمی در پیامش به زبان کردی هم گفت: مثل همه کردها اجازه هیچ غلطی علیه ایران را نخواهد داد. حرکت کیانوش رستمی جدا از اینکه یک قهرمانی ورزشی که حرکتی فرهنگی و تاثیرگذار بود.

SCHEDULE





حرم می باشد که
موجب گشته است
بار دگر، استواری و
صلابت نسل های
سوم و چهارم ایران
اسلامی و جوانان غیور
عراق و سوریه و افغانستان
و لبنان و... به دنیا نمایان شود
که این نسل همان نسل غیرتمند انقلابی است
و برای این نسل، میدان جنگ یا صحنه ورزش
قهرمانی یکی است.

آنگونه که قهرمان بسیجی و پهلوان دلاور وزنه
برداری کیانوش رستمی با نام خداوند سبحان
مقابل دوربین های زنده دنیا ظاهر شده و پس از
قهرمانی نیز با سجده الهی، مدال طلای خویش را
به همت همسنگران خویش در دفاع از حریم امن
زینبی (س) تقدیم نمود.
جای دارد به نیابت از شهدای عزیزمان به این
قهرمان نام آور تبریک و خداقت گفته و به پاس
اهدای این مدال ارزشمند به شهدای عزیز مدافع
حرم تشکر نماییم.

آری قهرمانانی که کربلاییان زمان را نام می برند،
کاری زینبی می کنند که موجب ماندگاری عنوان
قهرمانی شان گردیده و پهلوانی را لایق و شایسته
می گردند.

۲۴ مرداد ۱۳۹۵ همسران شهدای مدافع حرم،
واکنش به این حرکت ارزشی محدود به این نامه
نشد و تعداد زیادی نامه و تقدیر و تشکر به پهلوان
و قهرمان جوان کشور ارسال شد که عمدتاً از سوی
فرزندان و بستگان شهدای مدافع حرم و شهدای
دوران دفاع مقدس بود تا ما را به این باور برساند
که حکایت عشق تا ابد در این آب و خاک به گوش
خواهد رسید و کسانی هستند که قدران همه‌ی
آن رشادت‌ها و قهرمانی‌ها هستند.



با
وفاداری
مردم ایران قرین
و عجین شده و این حکایت دلیری و دلاوری هیچ
وقت رنگ و بوی کهنگی به خود نخواهد گرفت.
در قدردانی این حرکت کیانوش رستمی، تعدادی
از همسران شهدای مدافع حرم در نامه‌ای از این
حرکت او تقدیر و تشکر کردند. متن نامه همسران
شهدای مدافعان حرم به شرح زیر است:

بسم رب الشهداء و الصدیقین
سلام و درود خدا به امام راحل عظیم الشان و
شهدای گرانقدر دفاع مقدس که آزادی و جمهوری
اسلامی را به معنای حقیقی کلمه برای همه نسل
های انقلاب به ارمغان آورده و میراث ارزشمند
اسلام ناب را با محور «ولایت» نزد جاماندگان به
امانت نهادند.

ارادت قلبی محضر امام خامنه ای عزیز که همواره
با هوشیاری معمقانه و آگاهی هوشمندانه شان،
نقاط عطف این انقلاب و انقلاب های بشریت در
سراسر گیتی را راهبری می نمایند و توفیقات
امروز جهان اسلام در جبهه مقاومت مرهون معظم
له و لبیک شهدا و جانبازان و رزمندگان مدافع



کشور ش
غافل نبود. او که با هر
دم و بازدم نام کشورش را روی
صحنه‌ی بزرگترین آوردگاه ورزشی
دنیا فریاد زد و در فرود از این صحنه،
بی هیچ دیکته‌ای و از صمیم قلب
مدالش را به کسانی اهدا کرد که پا جای
پای مردان دهه ۶۰ گذاشته بودند.

در چنین روزهایی همچنین کیمیا علیزاده
به عنوان اولین بانوی مدال آور کشورمان در
آوردگاه المپیک بر سر مزار شهید گمنام ۱۸
ساله دفن شده در فدراسیون تکواندو کشور
حاضر شد و مدالش را به جوانی اهدا کرد
که درست در سن خودش و در دیماه
سردی در سال ۱۳۶۵ در جریان عملیات
کربلای ۴ و در جزیره ام الرصاص به
شهادت رسید. شهید گمنامی که درست
در حوالی المپیک و در نهم مرداد ۹۵ پس
از ۳۰ سال دوری از خاک میهن به کشور
بازگشت و در محوطه فدراسیون تکواندو به
آرامش ابدی رسید.

حرکت دو جوان ورزشکار و افتخارآفرین ایرانی در
تجلیل و تقدیر از قهرمانان دیرین و همیشگی این
آب و خاک نشان از وفاداری مردم کشور در همه‌ی
اقشار و سنین دارد. اینکه فداکاری شهدا و ایثارگران

ماه عسل آسمانی‌ها

فریده چابک



« ماه عسل به مقصد جماران

فخری افتخاری، همسر شهید غلامرضا جوکار می‌گوید:

ما وقتی عقد کردیم تنها ۲۰ یا ۳۰ مهمان داشتیم. عروسی هم نگرفتیم و به جایش قرار شد به تهران برویم و خدمت امام برسیم. آن هم چون ایام دهه فجر بود، میسر نشد و با ساده‌ترین شرایط و کمترین امکانات زندگی‌مان را شروع کردیم.

« ماه عسل در بین‌الحرمین

همسر شهید «حسن دانش» قاری بین‌المللی قرآن کریم که در جریان فاجعه منا به شهادت رسید می‌گوید:

۱۴ تیر ۱۳۸۸ آغاز زندگی مشترکمان بود و زندگیمان به همین منوال می‌گذشت تا اینکه تصمیم گرفتیم برای ماه عسل به سفر کربلا برویم. به لطف خدا مقدمات سفر فراهم شد و ۸ آبان ماه ۱۳۸۸ که تاریخ به یادماندنی برایم است، بین‌الحرمین بودیم. یادم هست، میلاد امام رضا(ع) بود که آغاز پیوند زناشویی‌مان را در کربلا جشن گرفتیم و با خرید و توزیع شیرینی بین زوار اولین سالگرد پیوند مشترکمان را در بین‌الحرمین جشن گرفتیم به واقع این سفر برای من و همسر یک خاطره به یادماندنی بود.

این روزها در تمام آژانس‌های مسافرتی، سایت‌های تشریفات ازدواج و ... پر است از تبلیغات سفرهایی به یادماندنی برای ماه عسل. ماه عسل در سواحل دریای فلان، ماه عسل در جنگل‌های بهمان و ... خلاصه بازار مکاره‌ای است که زوج‌های جوان را تشویق می‌کنند به یک ماه عسل پر خاطره و به یادماندنی. متأسفانه گاهی به دلیل چشم و هم چشمی برخی زوج‌های جوان متحمل خسارات اقتصادی می‌شوند که آن هزینه می‌توانست مشکلات مهم‌تری در زندگیشان را رفع و رجوع کند. اما نه خیلی دور، نه خیلی نزدیک در همین حوالی بودند کسانی که به جای ماه عسل در کنار سواحل آرامش به خط مقدم جبهه سفر کردند تا ماه عسلشان آسمانی باشد.

« ماه عسل در منطقه

آزاده دلاور سید ابوالفضل حسینی که ۳۰۰۰ روز از عمر با عزتش را در زندان‌های رژیم بعث گذرانده یکی از آن مردان بزرگی است که ماه عسل خود را در جبهه گذرانده، ایشان در خاطراتش می‌گوید: ما فقط ۵ روز بود که ازدواج کرده بودیم که پس از مرخصی برای شرکت در عملیات رمضان به منطقه رفتیم، ۳ روز بود وارد منطقه شده بودم که از خانه با من تماس گرفته و گفتند که همسر

به منطقه جنوب آمده است. باورش برایم سخت بود، اما آنقدر هیجان زده بودم که نمی‌دانستم چه کار کنم، سرانجام با مشخصات مکانی که از اعزام ایشان توسط سپاه داده بودند به پرس و جو پرداخته و خلاصه محل حضور ایشان را که بسیج خواهران اهواز بود پیدا کرده و به دیدارشان رفتیم. همسر با سایر خواهران برای کمک‌رسانی و درمان مجروحین آمده بودند. من پس از دیدن ایشان مجدداً به منطقه برگشته و قرار گذاشتیم که دو روز دیگر، یعنی دوشنبه مجدداً به دیدار ایشان بروم که فردای آن روز به اسارت دشمنان در آمده و تا زمان آزادی او را ندیدم. در واقع حضور ما در مقطع زمانی فوق در جبهه‌ها، جنبه گذراندن ایام ماه عسل مان بود که به اسارت من انجامید.





یا سعید دهقان، که در سال ۹۳ دانشجوی سال آخر دندانپزشکی بوده است به اتفاق همسر دندانپزشکش، ماه عسل خود را به روستاهای محروم سیستان و بلوچستان می‌رود تا با ویزیت نزدیک به ۱۰۰۰ نفر، یک ماه عسل بی‌نظیر و به یادماندنی برای خود رقم بزنند.

«« ماه عسل به مقصد بهشت

خیلی‌ها بودند که تازه عروس خود را گذاشتند تا برای دفاع از حریم وطن راهی جبهه شوند و مقصدشان بهشت ابدی باشد. یکی مثل شهید سیدنجم موسوی که فقط هفده روز زندگی مشترک داشت و بعد راهی خط مقدم شد که پس از سه ماه جنازه غرق خوش را به عروس جوانش تحویل دهند و ماه عسل او سرانجامی بهشتی داشته باشد.



نیاید جوانان امروز را دست کم بگیریم، هی سرشان غر یزنیم، هی متهم‌شان کنیم به دور شدن از ارزش‌ها. چرا که در بین این جوانان هستند کسانی که هنوز بوی خوش معنویتشان دنیا را عطر آگین کرده است. جوانانی که ماه عسل خود را در اردوهای جهادی حضور پیدا می‌کنند تا بهترین بهره را از لحظه‌لحظه زندگیشان ببرند

«« ماه عسل جهادی

نباید جوانان امروز را دست کم بگیریم، هی سرشان غر یزنیم، هی متهم‌شان کنیم به دور شدن از ارزش‌ها. چرا که در بین این جوانان هستند کسانی که هنوز بوی خوش معنویتشان دنیا را عطر آگین کرده است. جوانانی که ماه عسل خود را در اردوهای جهادی حضور پیدا می‌کنند تا بهترین بهره را از لحظه‌لحظه زندگیشان ببرند. یکی از این جوانان جواد سلمانی است که سه روز پس از عقد ماه عسل را همراه همسرش به اردوی جهادی مناطق محروم شهرستان جاجرم از توابع خراسان شمالی رفت.

«« ماه عسل در سرزمین نور

خیلی از جوانان امروزی هستند که دلشان می‌خواهد به سبک شهدا زندگی کنند، مراسم عروسی‌شان را در مسجد، بهشت زهرا(س)، فرهنگسرا و حتی در مناطق جنگی برگزار می‌کنند. یکی از این جوانان آقای کیشی‌زاده است که مراسم عروسی خود را در فرهنگسرای خاوران برگزار کرده و ماشین عروس هم یک جیب بود که با گل و پفیه و پلاک و گونی کنفی تزئین شده بود. اما این زوج ماه عسل خود را چگونه گذراندند؟ کیشی‌زاده می‌گوید: ما با کمک مؤسسه فرهنگی طلایه‌داران نور سفر بازدید از مناطق عملیاتی غرب کشور را برنامه‌ریزی کردیم و به عنوان سفر ماه عسل با یک دستگاه اتوبوس به همراه تعدادی از اقوام که اکثراً جوان هم هستند راهی این سفر معنوی شدیم.



سندرم انارژن در موطلائی ها

● نستر و لیزاده

شاید باور نکنید، یا باورش سخت باشد، اما واقعیت دارد و ریزش مو تنها در بزرگسالان اتفاق نمی افتد. بلکه برخی کودکان هم دچار ریزش مو می شوند. البته جای نگرانی نیست، این ریزش مو تحت نظر پزشک درمان می شود. این نکته هم فراموش نشود که هر نوزاد کم مو با کله براق را دیدید فکر نکنید که نی نی دچار ریزش مو است. دکتر زهرا جمشیدی می گوید: به ریزش مو در کودکان سندرم آنارژن گفته می شود که از حدود ۶ ماهگی تا ۶ سالگی ممکن است اتفاق بیفتد. موهای کودک دسته ای و خیلی راحت کنده می شوند، کودک هیچ دردی را حس نمی کند و البته پوست هم شکل طبیعی خودش را دارد. این عارضه در کودکان مو بور و طلائی بیشتر دیده می شود.

آمدن یک خواهر یا برادر جدید ممکن است کودک دچار ریزش مو شود که در آن صورت ریزش مو در این کودکان به صورت تکه تکه و موهای شکسته شده با طول های متفاوت است.

آیا کودک دچار طاسی می شود؟
نه. این مشکل قابل درمان است.

چطور تشخیص بدهیم که کودک دچار ریزش مو است؟

موها در قسمت پشت سر رشد نکرده اند و مانند بیماری تریکوتیلومانیا و ریزش سکه ای مو به نظر می رسد. ریزش مو منطقه ای است.

درمان دارد؟

بله - حتما باید کودک زیر نظر متخصص پوست دوره درمان را طی کند و درمان هم قطعی است.

خانم دکتر منشاء این عارضه از کجاست؟

در بزرگسالان معمولا منشاء ریزش مو فشارهای ناشی از مشکلات روزمره و استرس است، اما این درباره کودکی که از هفت دولت آزاد است صدق نمی کند و بیشتر منشاء آن به وضعیت جسمی کودک بر می گردد. البته یک زمانی به دلیل طلاق

والدین، سوگ والدین، به دنیا

چند نکته درباره ریزش مو در کودکان

خزان کودکان

«عفونت قارچی:»

عفونت قارچی یا تینه کپیتیس، بیماری قارچی است که با عفونت سطح پوست سر، ابرو و مژه ها همراه است. کودکان مبتلا به این بیماری معمولا ریزش موهای تکراری یا موهای خرد شده در بالای سطح سر را دارند. قسمت ها و تکه های بدون مو معمولا گرد یا بیضی و اغلب نامنظم هستند. گاهی اوقات دیده می شود که موها دقیقا روی پوست خرد می شوند و به شکل نقاط سیاهی روی پوست سر به نظر می آیند.

«تشخیص:»

تشخیص این بیماری در درجه اول براساس ظاهر پوست سر است. این بیماری کودکان زیر سن بلوغ را بیشتر درگیر می کند و بر اساس نوع قارچ درجه التهاب، عفونت و پوسته ریزی متفاوت خواهد بود. اگر پزشک به این نوع ریزش مو در کودک مشکوک شود، آزمایش های میکروسکوپی تجویز می کند تا به تشخیص خود مطمئن شود.

«درمان:»

این بیماری با یک داروی ضد قارچ به مدت هشت هفته به علاوه شامپوی مخصوص قابل درمان است. این شامپو دو تا سه بار در هفته باید استفاده



در بزرگسالان معمولاً منشاء ریزش مو فشارهای ناشی از مشکلات روزمره و استرس است، اما این درباره کودکانی که از هفت دولت آزاد است صدق نمی‌کند و بیشتر منشاء آن به وضعیت جسمی کودک بر می‌گردد. البته یک زمانی به دلیل طلاق والدین، سوگ والدین، به دنیا آمدن یک خواهر یا برادر جدید ممکن است کودک دچار ریزش مو شود

درمان:

اولین قدم در درمان این نوع ریزش مو، مراجعه به روانپزشک یا مشاور و درمان استرس کودک است.

آلوپسی

بروز ناگهانی تکه‌های گرد و بیضی طاسی روی سر به نام آلوپسی معروف است. این تکه‌ها کاملاً صاف و بدون مو و بدون التهاب و پوسته هستند. این بیماری معمولاً ظرف یک شب یا حداکثر چند روز ظاهر می‌شود. در آلوپسی سیستم ایمنی بدن به فولیکول مو حمله می‌کند.

تشخیص:

حدود پنج درصد از کودکان مبتلا به آلوپسی آره تا فرم پیشرفته‌تری از بیماری را نشان می‌دهند که شامل از دست رفتن همه موهای سر است. برای تشخیص این بیماری آزمایش خاصی وجود ندارد و متخصصان پوست اغلب این بیماری را با رد سایر علل طاسی و بررسی تکه‌های طاسی از نزدیک تشخیص می‌دهند. البته آزمایش کشیدن موها در اطراف ضایعه کمک کننده است.

اگر موها به راحتی کنده شود، نشان می‌دهد ضایعه فعال بوده و باید منتظر ادامه طاسی بود اما به طور کلی درمان مشخصی برای این بیماری وجود ندارد. هر چند از برخی داروها برای رویش مجدد مو استفاده می‌شود اما این داروها از ایجاد ضایعات جدید جلوگیری نمی‌کند.

درمان:

اگر ریزش مو در حد یکی دو تکه کوچک باشد و تکه‌ها به هم متصل نشده و ناحیه وسیعی را در برنگرفته باشند، به راحتی قابل درمان است اما در صورتی که این ریزش منتشر شده باشد و موهای ابرو و مژه و بدن را نیز درگیر کرده باشد، درمان به سختی انجام می‌شود اما به طور کلی با درمان مناسب درصد بالایی از بیماران تمامی موهای از دست رفته خود را ظرف مدت یک سال باز می‌یابند. البته در برخی بیماران این بازگشت زودتر اتفاق می‌افتد. این کودکان باید فقط و فقط تحت نظر متخصص پوست درمان شوند.

اختلال وسواسی جبری

از حدود ۱۲-۱۰ سالگی ممکن است کودک به طور ناخودآگاه اقدام به کندن موهای خود کند. مناطق ریزش نامنظم با حدود مشخص همراه با شکستگی یا ساییدگی تنه مو و خراشیدگی پوست سر است. اختلال وسواسی جبری در این کودکان یکی از علل این عارضه است که با تعدیل رفتار و مشاوره روانپزشکی بهبود می‌یابد. ضایعات تکه‌ای و به صورت موهای خرد شده در اندازه‌های مختلف در سطح آن است. برخی کودکان مبتلا به تریکوتیلوماینا، دچار تریکوفژی نیز می‌شوند، که عبارت است از کندن موها و سپس خوردن آنها که پس از مدتی گلوله‌های مو در معده این کودکان انباشته می‌شود. چنانچه این آسیب‌ها طولانی نباشد، با درمان، موها قابل برگشت خواهد بود.

تشخیص:

پیش آگهی این نوع ریزش مو در کودکان خوب است. چون در اغلب موارد کودک تحت یک استرس روحی - روانی است یا مبتلا به بیماری‌های روانپزشکی مثل وسواس، افسردگی و... است.

شود. این بیماری متأسفانه مسری است، بنابراین کودک بدون درمان نمی‌تواند به مدرسه یا مهد کودک وارد شود. اگر کودک به مدرسه می‌رود و البته تحت درمان دارویی قرار دارد، نیازی به ممانعت از ورود او به مدرسه نیست.

اختلالات هورمونی:

کودکانی که از اختلال عملکرد تیروئید رنج می‌برند، اغلب به ریزش مو دچار می‌شوند. وقتی که غده تیروئید کودک پرکار یا کم‌کار است، سوخت و ساز بدن نامنظم می‌شود.

تشخیص:

با یک آزمایش خون ساده می‌توان اختلال عملکرد تیروئید را تشخیص داد. توجه داشته باشید که به طور کلی موهای نوزادان پس از تولد دچار ریزش می‌شود و موهای جدیدی جایگزین آن می‌شود و این امر کاملاً طبیعی است. بیش از حد شانه زدن یا شستن موها نیز موجب شکستگی و تضعیف ریشه موها می‌شود.

درمان:

هرگاه کودک شما دچار ریزش مو شد وحشت نکنید چرا که در اکثر موارد این شرایط موقتی خواهد بود و پس از مدت کوتاهی برطرف می‌شود. فقط کافی است پیگیر باشید و البته اصول اولیه بهداشت را به کودکان خود بیاموزید.



بدیهی است زن و مرد از لحاظ نیروی جسمی و قابلیت‌های روحی و روانی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها به معنی برتری یا کهنتری یک جنس بر جنس دیگر نیست، اما متأسفانه در جوامع مدرن، تفاوت‌های جنسیتی به صورت معضل در آمده و زنان برای اثبات لیاقت خود به کارهای مردانه پرداخته‌اند.

جابه جایی نقش‌ها و آثار آن بر جامعه

زنانی که مردانه کار می‌کنند و مردانی که کار نمی‌کنند و به زن‌ها متکی می‌شوند

● مونا قائمی

بسیاری از زنان شاغل پس از خستگی ناشی از کار بیرون، تازه باید به کارهای خانه هم بپردازند و در نتیجه بخش اعظم شبانه‌روز آنان به کار می‌گذرد و عملاً فرصتی برای استراحت و تعامل با اعضای خانواده یا مشارکت در تفریحات و امور اجتماعی پیدا نمی‌کنند. آنان عملاً باید یک شیفت در اداره و یک شیفت در خانه کار کنند و دچار استرس‌های شغلی از قبیل اضطراب، آشفتگی، افسردگی، خستگی و بیماری‌های جسمی از قبیل فشار خون، افزایش ضربان قلب، بیماری‌های قلبی و عروقی و... خواهند شد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زنان شاغل نسبت به مردان شاغل، بیشتر در معرض بیماری‌هایی چون وسواس، نگرانی، اضطراب شدید، روان‌رنجوری و امثال اینها هستند، زیرا از یک طرف وظیفه سنگین مدیریت خانه، فرزندآوری، تربیت فرزندان و... به عهده آنهاست و از سوی دیگر باید شغل خود را در بازار پر رقابت اقتصادی حفظ کنند. این شرایط در واقع زن را به دو نیمه تقسیم می‌کند که در هیچ جا آرام و قرار ندارد.

اشتغال زنان در خارج از خانه و واگذار کردن وظیفه دشوار اداره مالی خانواده به آنان، آسیب جدی دیگری را نیز پدید آورده است که در صورتی که به آن توجه جدی نشود، جامعه ضرباتی به مراتب شدیدتر از آنچه که تا به حال دیده است، خواهد دید و آن پیدا شدن پدیده نامیمون و غیرطبیعی وابستگی مالی مردان به زنان - اعم از مادر یا همسر - است.

جابه‌جایی نقش زن و مرد سبب شده است مردان جوان وظیفه اصلی خود را که همانا تأمین نفقه زن و فرزند و مدیریت مالی خانواده است به فراموشی بسپارند و در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی، مادر یا همسر خود را پیش‌بیندازند. طبیعی است این مردان جوان از زندگی خود لذت نمی‌برند و به دلیل احساس ناتوانی، همواره مورد ملامت خود و جامعه قرار می‌گیرند.

متأسفانه جابه‌جایی نقش‌ها سبب گردیده که دختران زیر بار تکالیف چند وجهی نروند و در عین حال برای تأمین آتیه خود نتوانند به مردان جوان اعتماد کنند. این روابط غیرطبیعی متأسفانه سن ازدواج را در جامعه ما بسیار بالا برده است و کلاً ازدواج چندان هم صورت نمی‌گیرد، زیرا زنان به این نتیجه رسیده‌اند که به جای قبول مسئولیت سنگین اداره امور اقتصادی خانواده در کنار وظیفه دشوار همسری و مادری، دست‌کم با درآمد خود زندگی بی‌دردتری را سپری خواهند کرد.

نیازهای اقتصادی تا حد زیادی می‌تواند انگیزه ازدواج و تشکیل خانواده باشد. بدیهی است جامعه‌ای که به شکل صحیح به فکر تأسیس خانواده‌های جدید نیست، از آسیب‌های فراوانی لطمه خواهد دید، تعادل روانی افراد آن به هم خواهد خورد و جرایم، انحرافات، افسردگی و سردرگمی شیوع پیدا می‌کنند.

متفاوتی را برای زنان و مردان تعریف می‌کند. ساختار بدنی زنان آنان را برای انجام کارهای سبک‌تر، ظریف‌تر، دقیق‌تر و دور از فشارهای عصبی و روانی مستعد ساخته است و مرد به‌طور طبیعی به دنبال فعالیت‌های سنگین‌تر و شدیدتر است. زنان به دلیل احساس مادر و دلسوزی نسبت به دیگران، طبیعتاً در خانه نقش اول را به عهده دارند که اگر آن را به‌درستی ایفا کنند، بسیار کارآمدتر و مؤثرتر از اشتغال به کارهای بی‌ارزش در خارج خانه است.

بدیهی است ایفای نقش کدبانوگری و همسری و مادری نه تنها با کسب معلومات و تحصیلات عالی در تناقض نیست، بلکه زنان برای ایفای بهتر این وظایف سنگین باید به سلاح دانش و مهارت‌های ذکر شده مجهز باشند، لکن زن برای آنکه بتواند از پس وظایف سنگین کدبانوگری، همسری و مادری برآید، طبیعتاً نمی‌تواند وظیفه دشوار و پر از چالش تأمین منابع اقتصادی برای خانواده را هم به عهده بگیرد و این مهم در درجه اول به عهده مردان است.

به عهده گرفتن چند نقش دشوار به شکل همزمان، در عین حال که انرژی و نشاط زنان را از بین می‌برد، خانه‌های پر از تنش و نگرانی‌ای را نیز پدید می‌آورد که نه برای خود آنها و نه برای شوهر و فرزندان‌شان مکان مناسبی برای کسب آرامش و تبادل عشق و عاطفه نیست. زنانی که همزمان مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی را به عهده می‌گیرند، با کمبود انرژی و ناتوانی دست به گریبان می‌شوند و عملاً نه از زندگی لذت می‌برند و نه می‌توانند محیط لذت‌بخشی را برای خانواده خود فراهم کنند.

قبول اشتغال بیرون از خانه برای زنان در واقع پذیرش مسئولیت مضاعف و به عهده گرفتن نقش‌های متعدد و غالباً متعارض است، زیرا زن بر اساس فطرت خود نمی‌تواند نقش مادری را به فراموشی بسپارد و هنگامی که با اشتغال در خارج از خانه و تحمل فشارهای روانی محیط‌های کاری، انرژی خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند وظایف مادری خود را به‌خوبی انجام دهد، دچار عذاب وجدان و تنش درونی و در نتیجه فرسودگی جسمی و روانی می‌شود.

ارتقای سطح تحصیلی زنان و گرایش آنان به اشتغال، در عین حال که به خودی خود پدیده جالبی است که می‌تواند به پیشرفت جامعه منجر شود، ولی متأسفانه در جامعه ما به دلیل مدیریت غلط به صورت یک مشکل و عارضه جدی در آمده و کیان خانواده را در معرض تهدید قرار داده است. زنان علاوه بر شغل همسری و به‌ویژه مادری، نان‌آور هم شده‌اند و در نتیجه نمی‌توانند هیچ یک از این نقش‌ها را به‌درستی به سرانجام برسانند و فرسودگی و افسردگی در بین زنان تحصیلکرده و کارمند رو به افزایش است.

بدیهی است زن و مرد از لحاظ نیروی جسمی و قابلیت‌های روحی و روانی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها به معنی برتری یا کهنتری یک جنس بر جنس دیگر نیست، اما متأسفانه در جوامع مدرن، تفاوت‌های جنسیتی به صورت معضل در آمده و زنان برای اثبات لیاقت خود به کارهای مردانه پرداخته‌اند.

تفاوت‌های روانی و روحی زنان و مردان، همچون تفاوت‌های جسمی و فیزیولوژیک آنها غیر قابل انکارند و نمی‌توان آنها را برخلاف آنچه که فمینیست‌ها سعی در القای آن دارند، تنها زاده تربیت و محیط دانست. تلقین تحمیلی زیستن با شیوه‌های مردانه به زنان که در دستور کار فمینیست‌های افراطی قرار دارد، نهایتاً به نابودی جسم و روان زنان می‌انجامد و استعدادهای آنان را به انحراف می‌کشاند.

زنان اساساً به زیبایی، روابط اجتماعی و اعتقادات دینی تمایل بیشتری دارند و گرایش مردان بیشتر به سمت سیاست و مسائل نظری است. زنان بیش از مردان پایبند اخلاق هستند و مردان به امور مادی و اقتصادی گرایش بیشتری دارند. زنان از مردان عاطفی‌تر و هیجانی‌ترند و مردان جسارت بیشتری دارند و پرخاشگرترند. حس همدردی و دلبستگی در زنان بیشتر است و از نظر ذوقی حساس‌تر و دقیق‌ترند. مردان به کارهای بزرگ و فعالیت در هوای آزاد و کارهایی که مستلزم کوشش بدنی بیشتر است تمایل نشان می‌دهند و زنان به کارهای خانه، مراقبت از کودکان و کارهای ذوقی و هنری گرایش بیشتری دارند.

وجود این تفاوت‌ها ناگزیر وظایف و نقش‌های

زن مدیر خانه و مسئول گرمی کانون خانواده و ایجاد زمینه برای آسایش خود، شوهر و فرزندان است. درگیر کردن زن با مسائل اقتصادی نهایتاً منجر به خانه سردی می‌شود

مادران باید به دور از غوغای جامعه و در وضعیتی طبیعی فرزندان خود را بزرگ کنند. یک مادر مضطرب گیریم که بتواند با درآمد ناشی از کار، همه نیازهای مادی فرزندش را تأمین کند، اما قادر به بخشیدن مهر و محبت که مهم‌ترین نعمت برای رشد عاطفی و روانی و حتی جسمی فرزند است، نخواهد بود.

مادر تندرست، شاداب و با تحرک، قطعاً فرزندان با همین ویژگی‌ها را خواهد پروراند، ولی مادر غمگین و مضطرب آثار نامطلوبی بر روح و روان فرزندانش به جا خواهد گذاشت.

در اسلام وظیفه تأمین معاش خانواده به عهده مرد است. البته کسب درآمد توسط زن به شرط آنکه لطمه‌ای به فضای خانه و خانواده نخورد، منع نشده، اما وظیفه او نیست. زنان می‌توانند در جامعه نقش مثبت و سازنده‌ای داشته باشند، اما سرپرستی مالی خانواده با مرد است و زن حتی اگر درآمدی هم داشته باشد، متعلق به خود اوست و هیچ وظیفه‌ای در مورد هزینه کردن آن برای خانواده ندارد. هنگامی که زن مدیریت اقتصادی خانه را به دست می‌گیرد، دیگر مرد کانون اقتدار خانواده و سرپرست آن نیست، تعادل خانواده به هم می‌ریزد و کشمکش‌های خانوادگی بیشتر می‌شوند.

زن مدیر خانه و مسئول گرمی کانون خانواده و ایجاد زمینه برای آسایش خود، شوهر و فرزندان است. درگیر کردن زن با مسائل اقتصادی نهایتاً منجر به خانه سردی می‌شود. قطع وابستگی اقتصادی زن به شوهر و کم شدن احساس نیاز مرد به تلاش و کوشش اقتصادی، در عین حال که آستانه تحمل‌پذیری زن را پائین می‌آورد، میل به جدایی را هم در او بالا می‌برد و زن به محض مواجه شدن با کوچک‌ترین مشکلی ترجیح می‌دهد طلاق بگیرد. آمارها نشان می‌دهند میزان طلاق در میان زنان شاغل چهار برابر زنانی است که شغل ندارند.

از آنجا که کودک، به‌ویژه در دو سال اول زندگی دلبستگی و نیاز خاصی به مادر دارد، اشتغال زنان در این دوره از زندگی کودک و سپردن او به مهدکودک‌ها یا ننه‌های خانگی آثار سوء بسیاری بر آینده کودک خواهد داشت و او را از ایجاد رابطه سالم در بزرگسالی محروم خواهد کرد. در خاتمه ذکر این نکته را ضروری می‌دانم با توجه به شبکه‌های گسترده ارتباطی، امروزه زنان می‌توانند در عین حال که به وظیفه همسررداری و مادری خود می‌پردازند، در محیط خانه نیز به کار اشتغال داشته باشند و کسب درآمد کنند. البته همه اینها به این برمی‌گردد که جایگاه زن به عنوان همسر و مادر، به شکلی برجسته مطرح و مادری بار دیگر به پرافتخارترین منزلت زنان ما تبدیل شود.



تولد میثم

زندگی حاج محمد و اکرم در دومین ماه بهار جوانه داد و میثم در دهمین روز اردیبهشت سال ۱۳۶۷ در ورامین به دنیا آمد. فرزندی قانع بود و هیچ وقت تقاضای بی‌موردی از ما نداشت. حتی پول تو جیبی از ما دریافت نمی‌کرد. هنوز به سن تکلیف نرسیده بود که راهش به مسجد محله باز شد و نماز خواندنش شروع شد.

مادرش می‌گفت:

وقتی من نماز امام زمان (عج) را می‌خواندم میثم شنیده و یاد گرفته بود. حدوداً ۹ ساله بود که این نماز را در مسجد خوانده بود و یکی از نمازگزاران مسجد که مرد مسنی بود، فکر می‌کرده میثم فقط خم و راست می‌شود و الکی این نماز را می‌خواند ولی خوب که دقت کرده بود، متوجه شده با وجود سن کم، تمام نماز را صحیح می‌خواند. بعد از تمام شدن نماز، او را بغل کرده، بوسیده و گفته بود: «تو با این سن و سال، نماز امام زمان (عج) را درست خوانده‌ای، ولی بعضی‌ها که سنشان هم زیاد است، این نماز را بلد نیستند.» بعد از آن ماجرا یک روز دختر همان آقا که منزلشان هم روبروی مسجد بود، به منزل ما آمد و گفت: «اکرم خانم خوش به سعادت، پسر تو با این سن، نماز امام زمان (عج) می‌خواند.»

نوجوانی

وقتی زحمات پدر را دید تصمیم گرفت هم‌پایش کار کند. در کار کردن رضایت صاحب‌کار برایش خیلی مهم بود سعی می‌کرد حق صاحب‌کار ضایع نشود و تلاشش را می‌کرد که کار را تمام و کمال انجام دهد. از همان دوران هم عضو بسیج دانش‌آموزی شد. میثم بیشتر از سنش زحمت می‌کشید و خانواده را درک می‌کرد. در کنار صلابت مردانه‌اش همیشه خنده بر لب داشت و همانطور که پدر را تنها نمی‌گذاشت کمک حال مادر هم بود. به سن تکلیف که رسید تازه به عمق اعتقاداتش پی‌بردیم. ایمانش بسیار قوی بود و غسل جمعه را ترک نمی‌کرد. و با روضه‌های حاج منصور در مسجد ارک بزرگ شد. جمکران هم زیاد می‌رفت. دیپلم گرفت و به عضویت سپاه درآمد. وقتی علت آمدنش به سپاه را پرسیده بودند گفته بود که مادرم، مشوق من بوده است.

ازدواج

میثم با ورودش به سپاه، اعلام کرد که می‌خواهم ازدواج کنم. به دلیل فصلی بودن شغل پدر و کم سن و سال بودن میثم، خانواده سعی کردند که میثم را متقاعد کنند که هنوز برای ازدواج زود است اما میثم در برابر اصرار خانواده گفت: «ازدواج امر خدا و سنت رسول الله (ص) است، وقتی ازدواج می‌کنی، خداوند همه چیز را فراهم می‌کند، من هم به خدا توکل می‌کنم و نمی‌ترسم، چون خدا همه کارها را جور می‌کند.»

خانواده با صحبت‌های میثم متقاعد شدند. میثم گفته بود اگر دختر خوب و نجیبی که با اخلاق و شرایط کاری من سازگار باشد سراغ دارید، پا جلو بگذارید و من تمام شرایط را به او می‌گویم.

با معیارهای میثم یکی از دختران فامیل را به او معرفی



گذری بر زندگی شهید پاسدار مدافع حرم میثم نجفی

میثم تمار علی... مدافع دخت‌نبی

○ سید زینب اسکندریان

شهید! اتفاقی به درجه شهادت نرسیدند. همیشه شرایطی باید باشد که باعث جوانه زدن ایمان در دل باشد. گاه وجود پدری زحمتکش که با عرق جبین و نان حلال شکم خانواده‌اش را سیر می‌کرد یا مادری که با روضه‌های امام حسین (ع) فرزندش را شیر می‌داد. میثم در چنین خانواده‌ای به دنیا آمد. حاج محمد کارگری ساده بود که با خلوص و ایمانش توانست فرزند تربیت کند که نامش در زمره شهدای مدافع حرم قرار گیرد. و مادری که مهم‌ترین مشوق حضور میثم در صحنه‌های ایثار بود. در این شماره گذری داریم بر زندگی شهید پاسدار مدافع حرم میثم نجفی.

«دوست دارم معلومات بچه من بالا باشد. ما مسلمان ها وقتی به دنیا می آییم، امام حسین (ع) را راحت و همین جوری قبول داریم ولی در دوره جدید بچه ها مفاهیم را این طور قبول نمی کنند و باید با دلیل برایشان توضیح دهیم. دوست دارم با علت و دلیل به فرزندم بگویم خدا و امام حسین (ع) چگونه اند.»

عروسم به منزل ما آمدند. روحانی را که دیدم، فکر کردم چون میثم سوریه است برای احوالپرسی آمده اند. می خواستم پذیرایی کنم که روحانی گفت: «ما چند دقیقه با شما کار داریم و رفع زحمت می کنیم و راضی به زحمت شما نیستیم.»

حاج آقا شروع به صحبت کرد و از من پرسید: «میثم چه جور بچه ای بوده و شما از او راضی هستید؟» گفتم: «ما از میثم خیلی راضی هستیم، می توانید حتی از دوستان و همسایه ها درباره اخلاق او بپرسید، چون به قدری خوب است که من نمی توانم تعریف کنم.» دوباره پرسید: «الان که رفته سوریه، چه حالی دارید، ناراحت نیستید؟» گفتم: «میثم که یکی است، اگر ده تا دیگر هم داشتیم، دوست داشتم در راه دین و اسلام برود و فدای حضرت زینب (س) باشد.» حاج آقا گفت: «حاج خانم، ما همان را که می خواستیم از شما بشنویم، شنیدیم،



شهادت میثم مبارک باشد.» همان لحظه دلم کنده شد و گفتم: «میثم جان، مامان جان، شهادت مبارک، شیرم حالات، به آرزویت رسیدی» و سجده شکر کردم. پسرم خسته دنیا بود و به آرامش کامل رسید.

« تولد درانه میثم از زبان مادر

حلمای ۱۷ روز بعد از شهادت پدرش به دنیا آمد. میثم قبل از شهادتش یک روز از سوریه زنگ زد و با هم صحبت کردیم. من اواخر دوره بارداری ام بود و روزهای سختی را می گذراندم. به او گفتم: «خسته شدم، زودتر بیسا خانه» گفت: «زهره جان! سپردمتان به حضرت زینب (س) و از خانم خواسته ام به شما سر بزنند.» وقتی حلمای خواست به دنیا بیاید فقط از حضرت زینب (س) کمک خواستیم. فقط ائمه و حضرت زهر (س) را صدا می زدم. این ها بودند که به من آرامش دادند.

« توصیه های میثم

می گفت: «دوست دارم معلومات بچه من بالا باشد. ما مسلمان ها وقتی به دنیا می آییم، امام حسین (ع) را راحت و همین جوری قبول داریم ولی در دوره جدید بچه ها مفاهیم را این طور قبول نمی کنند و باید با دلیل برایشان توضیح دهیم. دوست دارم با علت و دلیل به فرزندم بگویم خدا و امام حسین (ع) چگونه اند. دوست دارم کتابخوان شود و کتابخوانش می کنم و از این طریق به او یاد می دهم که خدا را بشناسد. دوست ندارم زیاد تلویزیون نگاه کند.» گاهی هم به شوخی به من می گفت: «زهره اگر بچه ما تلویزیونی شود، من ازت راضی نیستم.»

« شهادت

«میثم نجفی» مدافع حرم حضرت زینب (س) که در شهر حلب سوریه مجروح شده بود، پس از چند روز کما در ۱۳ آذر ۹۳ به شهادت رسید.

هستند، چرا داوطلبان از ایران برای دفاع می روند؟» در جواب میثم گفت: «پدر جان، اگر مدافعان حرم نروند، دشمنان کم کم جلو می آیند، همان طور که عراق را گرفتند و همین بلایی که سر مردم سوریه آمده است، سر ما هم می آید. ما باید از حرم حضرت زینب (س) دفاع کنیم.»

« احساس مسئولیت

از روزی که متوجه شد می خواهد پدر شود احساس مسئولیتش بیشتر شد. برای اینکه از لحاظ مالی همه چیز را برای آمدن فرزند مهیا کند رفت سر کار و شغل دوم پیدا کرد. به دلیل نبودن میثم در خانه، همسرش تا شب خانه پدر بود وقتی به میثم گفت: «آقا میثم! در خانه بمان. من دوست ندارم مرد خانه دیر برگردد.» میثم پاسخ داد: «بالاخره باید روزی برسد که نبودن ها



را تحمل کنی.» دوست نداشت خانه بماند و یا به خاطر بحث مالی دستش را جلوی کسی دراز کند. می گفت: «بچه روزی می خواهد. باید به فکر آینده او باشم.»

« عشق به فرزند با شهادت؟

خیلی مشتاق بود بچه به دنیا بیاید و او را ببیند و همیشه می گفت: «پس این بچه کی به دنیا می آید؟» خیلی دوست داشت دخترش را ببیند ولی عشقش به حضرت زینب (س) بیشتر بود. اگر بیشتر نبود اول صبر می کرد بچه اش به دنیا می آمد و بعد می رفت. اما دیگر هیچ چیز نمی توانست جلوی او را بگیرد.

« خبر شهادت از زبان مادر

میثم قبل از شهادت، مجروح شده و به کما رفته بود ولی همه غیر از من، اطلاع داشتند. به مجالس روضه که می رفتم، برای مدافعان حرمی که سوریه بودند دعا می کردم. یکی از همان روزهایی که بعدا فهمیدم میثم در کما بوده، وقتی روضه حضرت زهر (س) خوانده شد، به شدت متقلب شده، خانم را صدا زدم و از حال رفتم. به خدا می گفتم که چرا من بی تاب هستم؟ یکی دو روز بعد از اربعین بود که چون امام جماعت مسجد به کربلا رفته بود، نماز را در خانه خواندم. نماز مغرب که تمام شد، یک لحظه احساس کردم تمام جانم از پاهایم خارج و زانوهایم شل شد. نتوانستم نماز عشاء را بخوانم. پیش خودم گفتم خدایا من چرا اینطور شده ام، حالم که خوب بود. نمی دانستم که پسرم شهید شده است. همان طور نشسته بودم تا جانی تازه پیدا کرده و نماز را ادامه دهم که تلفن خانه به صدا درآمد. همسرم گوشی را برداشت و متوجه شدم برادر عروسم بود و می خواستند به منزل ما بیایند. پیش خودم گفتم وقتی میثم و زهره نیستند چه کاری دارند، حتما چون مریض بوده ام، برای ملاقات می خواهند بیایند. خیلی طول نکشید که یک روحانی با مادر، پدر و برادر

کردند و بعد از چندبار دید و بازدید در مهر ماه سال ۸۸ صیغه عقد بین میثم و زهره جاری شد و بعد از ماجرا فتنه ۸۸، زندگی مشترکشان را آغاز کردند. میثم وقتی می خواست ازدواج کند فقط یک موتور و ۵۰۰ هزار تومان پول داشت که آن مقدار را هم، برای سفر مکه کنار گذاشته بود. او دوست داشت قبل از ازدواج، حج عمره برود. ولی زمان ازدواج، آن را برای مراسم عقد خرج کرد و خدا همه شرایط را فراهم کرد.

« زندگی شیرین تر از عسل

اعتقاد میثم این بود که اگر ایمان قوی باشد، همه چیز درست می شود. سرزنده و شاداب بود. خانه شادابی اش را از وجود میثم وام می گرفت. همسرش می گفت: خیلی شوخ طبع بود و سر به سر همه می گذاشت. خیلی شلوغ بود و همیشه در منزل شعر و آواز می خواند. یادم



هست یکبار که می خواستم نماز بخوانم، گفتم: «چقدر سر و صدا می کنی! کمی آرام باش.» با خنده گفت: «زهره! روزی بیاید آنقدر خانه ساکت باشد که بگویی ای کاش سر و صداهای میثم بود.»

« دغدغه میثم

میثم اهل ظاهر سازی نبود. تنها دغدغه اش بی عدالتی بود. و هر وقت ریاکاری و یا بی عدالتی می دید خیلی ناراحت می شد و حرص می خورد.

« زمزمه های رفتن، اولین اعزام

از همان جلسه اول خواستگاری گفته بود که به جهاد علاقه دارد و اگر هر جا درگیری باشد برای دفاع از اسلام می رود.

سال ۹۳ اولین بار که داوطلبانه برای دفاع از حرم به عراق رفته بود، به کسی نگفت کجا می خواهد برود. شب آخر ماه صفر بود با مادر تماس گرفت و گفت: «مامان، من را حلال کن، می خواهم همین اطراف به ماموریت بروم» در جواب گریه مادر گفت: «مامان چرا گریه می کنی؟ ای کاش اصلا نگفته بودم.»

بعد از صحبت میثم مادر گفت: «هر کجا هستی زیر سایه آقا امام زمان (عج) باشی و خدا پشت و پناهت باشد، میثم من از تو خیلی راضی هستم و خوبی های تو را به حضرت زهر (س) و ائمه اطهار سپردم که ان شاء الله عوض خیر به تو بدهند، تو برای من بهترین هستی و کاری نکردی که تو را حلال نکنم، تو باید من را حلال کنی که نتوانستم مادر خوبی برایت باشم.» چند روز قبل از آمدنش همسرش گفت که میثم عراق بوده و چند روز دیگر می آید.

« اگر مدافعان نروند دشمنان می آیند

درباره جهاد و دفاع از حرم خیلی با عشق و شجاعت حرف می زد. پدر به میثم گفت: «خود مردم سوریه



بررسی مفهوم شناسی جرایم رایانه‌ای،

جرایم اینترنتی و جرایم سایبری

جرم رایانه‌ای بدین ترتیب تعریف شده: هرگونه رفتار غیرقانونی، غیراخلاقی یا غیرمجاز که مشتمل بر داده‌پردازی اتوماتیک یا انتقال داده‌ها باشد. مطالعات جدید مفاهیم وسیع‌تر و پیشرفته‌تری را از مجرمیت داده‌ها، یا جرم اطلاعاتی ارائه می‌کند. برخی معتقدند گوناگونی تعاریف ارائه شده از جرم رایانه‌ای ناشی از اختلاف در دیدگاه‌هاست. برخی آن را ناشی از تفاوت در میزان دانش و آگاهی صاحب نظران می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد مشکلات موجود در تعریف جرم رایانه‌ای بیشتر از ماهیت این جرم ناشی می‌شود چگونه می‌توان تعریفی جامع و کامل از جرمی ارائه کرد که طیف وسیعی از اعمال، از نوشتن یک نامه توسط کارمند در رایانه‌ای گرفته تا بهره‌برداری از رایانه برای اختلاس میلیون‌ها دلار، را دربرگیرد.

تعریف گسترده جرایم رایانه‌ای

و جرایم اینترنتی و جرایم سایبری

تاکنون تعاریف گوناگونی از جرم رایانه‌ای از سوی سازمان‌ها و متخصصان ارائه شده که وجود تفاوت بیانگر ابهامات موجود در ماهیت و تعریف این نوع از جرایم است. جرم رایانه‌ای یا جرم در فضای مجازی دارای دو معنی است.

جرم رایانه‌ای عبارت از جرایمی است که در فضای سایبر رخ می‌دهد. و در تعریف گسترده:

هر فعل یا ترک فعلی که از طریق یا به کمک رایانه یا از طریق اتصال به اینترنت، چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم رخ می‌دهد و توسط قانون ممنوع گردیده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است، جرم رایانه‌ای نامیده می‌شود.

با توجه به این تعریف جرایم رایانه‌ای را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: جرایمی هستند که در آنها کامپیوتر و تجهیزات جانبی آن موضوع جرم واقع می‌شود. مانند: سرقت، تخریب و....

دسته دوم: جرایمی هستند که در آنها کامپیوتر به عنوان ابزار ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شود که معمولاً از طریق شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت رخ می‌دهد. مثل کلاهبرداری، جعل و سرقت رایانه‌ای و....

دسته سوم: جرایمی هستند که می‌توان آنها را جرایم سایبری نامید که در فضای مجازی به وقوع می‌پیوندد اما آثار آنها در دنیای واقعی ظاهر می‌شود. مانند نفوذ غیرمجاز، شنود غیرمجاز، انتشار ویروس، کرم‌های رایانه‌ای و..

سیر تبیین اصطلاحات حقوق رایانه‌ای،

حقوق اینترنتی و حقوق سایبر

۱- اصطلاح حقوق رایانه و جرایم رایانه‌ای

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی که سال‌های تولید ابر کامپیوترها و ورود آنها در شرکت‌های بزرگ به منظور انجام امور حسابداری، توزیع کالا و نگهداری حساب‌ها بود. اولین جرم رایانه‌ای در این دهه توسط رویس که حسابداری یک شرکت

شروع می‌شود تحت عنوان جرائم سایبر یا جرائم در محیط سایبر معروف گردید.

تعریف فضای سایبر (Cyber space)

فضای سایبر عبارتی است که در دنیای اینترنت، رسانه و ارتباطات بسیار شنیده می‌شود. و بهترین معادل فارسی آن فضای مجازی است.

واژه فضای سایبر نخستین بار ویلیام گیbson William Gibson نویسنده داستان علمی تخیلی در کتاب نورومنسر Neuromancer در سال ۱۹۸۴ به کار برده است.

فضای سایبر در معنا به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود.

یک سیستم آنلاین با یک تلفن همراه یا یک دستگاه خودپرداز نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

تعریف جرایم رایانه‌ای (computer crime)

پروفسور اولریش زیبر یکی از صاحب‌نظران معروف حقوق جزای رایانه معتقد است امروزه اجماع بین‌المللی بر این است که جرم رایانه‌ای باید به طور کامل تعریف شود.

بنابراین تعریف کامل پذیرفته شده توسط گروه متخصصان oecd در سال ۱۹۸۳ میلادی اصطلاح

آنچه امروز تحت عنوان جرائم رایانه‌ای، جرایم اینترنتی و جرایم فضای سایبری نام برده می‌شود، مجموعه‌ای از همین تخلفات و بزهکاری‌هاست که از طریق رایانه و ابزارهای الکترونیکی یا موثر بر رایانه واقع می‌شود و مصادیق متعددی از آن نیز در ذهن ما نقش بسته است.

اما نکته قابل تأمل این است که در بسیاری از محافل علمی و پژوهش‌های تخصصی در رابطه با اینگونه جرایم اصطلاح جرایم رایانه‌ای، اینترنتی و سایبری به طور مشترک بکار می‌رود و حتی در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۸۸ کشورمان نیز از واژه جرایم رایانه‌ای استفاده شده است.

با ورود رایانه، اینترنت و فضای سایبر، جرائم رایانه‌ای و اینترنتی و سایبری نیز بوجود آمد. که می‌توان این جرایم را به سه نسل طبقه‌بندی نمود. نسل اول با عنوان جرایم رایانه‌ای که تا اواخر دهه ۱۹۸۰ می‌باشد شامل سرقت و کپی‌برداری از برنامه‌ها و جرائم علیه حریم خصوصی اشخاص مانند سرقت از آثار و تحقیقات افراد بود.

نسل دوم که تحت عنوان جرائم اینترنتی یا جرایم علیه داده‌ها نامیده می‌شود تا اواخر دهه ۱۹۹۰ ادامه داشته است. در این دهه تمامی جرائم علیه تکنولوژی اطلاعاتی، ارتباطاتی، کامپیوتری، ماهواره‌ای و شبکه‌های بین-المللی تحت عنوان جرائم علیه داده‌ها اطلاق می‌شود. نسل سوم که از اواسط دهه ۱۹۹۰



حقیقی

این واژه‌ها

بود. چون در اکثر محافل علمی-الخصوص حقوق دانان هنوز تفاوتی برای این واژگان قائل نبوده و به اشتباه هر سه مورد را در جاهای مختلف به صورت یکسان بکار می‌گیرند. با تعاریفی که از جرایم رایانه‌ای، اینترنتی و سایبری مطرح شد. مشخص گردید این سه واژه به نوعی با هم متفاوت هستند و وجه مشترک هر سه وجود نقش سیستم‌های رایانه‌ای می‌باشد. و فقط ارتباط این واژگان در کاربرد رایانه در همه موارد است اما در نوع جرایم و ادله دیجیتال متفاوت هستند و به نوعی جرایم اینترنتی و سایبری نوع تکامل یافته جرایم رایانه‌ای هستند. علی‌احمال با تعریفی که از جرم رایانه‌ای داریم به آن دسته از اعمال مجرمانه‌ای که صرفاً در رایانه‌های غیر متصل به شبکه‌ها صورت می‌گیرد جرایم رایانه‌ای و به جرایمی که از طریق اتصال رایانه‌ها به هم و از طریق اتصال به شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت صورت می‌گیرد. جرایم رایانه‌ای و در نهایت به عمده جرایمی که به وسیله ابزارهای الکترونیکی و سیستم‌های رایانه‌ای مبتنی بر زیرساخت مخابراتی با قابلیت شبیه‌سازی مجازی رخ می‌دهند جرایم سایبری گفته می‌شود.

و به احتمال زیاد منشا انتخاب عنوان قانون جرایم رایانه‌ای برای قانون مصوب مجلس در سال ۱۳۸۸ همین مساله بوده است. که با توجه به وجود جرایم سایبری و اینترنتی در این قانون، عنوان انتخابی قانون جرایم رایانه‌ای می‌باشد. همین مسئله است که رایانه وجه مشترک و منشا هر سه نسل جرایم بوده است.

منبع: ایسنا

سرانجام پس از سال‌ها بحث و بررسی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم-افزارهای رایانه‌ای، در دی ماه ۱۳۷۹ تصویب شد که آئین‌نامه اول آن نیز در ۷۰ ماده تهیه و در اواخر سال ۱۳۸۰ جهت بررسی و تصویب به هیات وزیران ارسال شد.

و در سال ۱۳۸۱ نیز طرح قانون تجارت الکترونیکی تهیه که نهایتاً متن آن در سال ۱۳۸۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. از جمله موارد مهمی که می‌توان به آنها اشاره نمود عبارتند از: جرم‌انگاری جعل، کلاهبرداری کامپیوتری، حمایت کیفری از حقوق مصرف‌کننده، حمایت از داده‌ها و کپی‌رایت.

براساس اطلاعات موجود اولین جرم اینترنتی در ایران در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۷۸ به وقوع پیوست. که در آن یک کارگر چاپخانه و یک دانشجوی کامپیوتر در کرمان اقدام به جعل چک‌های تضمینی مسافرتی کردند و چون تفاوت و تمایز چندانی بین جرم کامپیوتری و جرم اینترنتی وجود ندارد، عمل آنها به عنوان جرم اینترنتی محسوب می‌شود.

بعد از این بود که گروه‌های هکر جرم‌های دیگری را مرتکب می‌شدند، مواردی چون جعل اسکناس، اسناد و بلیط‌های شرکت‌های اتوبوسرانی، جعل اسناد دولتی از قبیل گواهینامه، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی و جعل چک‌های مسافرتی و عادی بخشی از این جرایم اینترنتی هستند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ما در مورد مفهوم سه واژه جرایم رایانه‌ای، جرایم اینترنتی و جرایم سایبری، چگونگی بوجود آمدن این جرم‌ها، تعاریف و سیرتئبیک مباحث حقوق رایانه، حقوق شبکه و اینترنت و حقوق سایبر بحث کردیم. هدف ما از طرح این مباحث آشنایی با مفهوم

عمده‌فروش میوه و سبزی بود رخ داد. او با نوشتن یک برنامه و تغییر در داده‌ها مبالغی را در حسابی جدا واریز می‌کرد و در زمان‌های خاص با صدور چک مبلغ را به نفع خود از حساب شرکت خارج می‌نمود.

در این دهه کامپیوترهای کوچکتر با توان محاسباتی بیشتر تولید شد و علم برنامه‌نویسی پیشرفته‌تر شد و در این دهه اکثر شرکت‌ها کلیه برنامه‌ها و محاسبات مالی خود را با رایانه انجام می‌دادند.

در دهه ۱۹۷۰ جرایم کلاهبرداری، جعل و جاسوسی رایانه‌ای اتفاق افتاد و حقوق جزا به سمت رشته جدید حقوق کیفری اطلاعاتی رفت و اصطلاح حقوق رایانه، حقوق تکنولوژی اطلاعات و تبعاً جرایم رایانه‌ای و جرایم علیه تکنولوژی اطلاعات از اواخر همین دهه مطرح شد.

۲- اصطلاح جدید حقوق شبکه و حقوق اینترنت
در این دهه ۱۹۸۰ نرم‌افزارها تولید شدند و کلیه پرداخت‌های الکترونیکی و امور اداری ادارات توسط رایانه به شکل ساده انجام می‌شد. در این دهه سازمان توسعه اقتصادی اروپا برای اولین بار لیستی ۵ گانه از جرایم رایانه‌ای ارائه کرد.

همچنین این دهه آغاز شروع به کار شبکه‌ها، پایگاه‌های داده و تا حدودی اینترنت بود و جرایمی مانند کپی‌رایت نرم‌افزار، نفوذ به حریم خصوصی، مالکیت اطلاعات و... مورد بحث قرار گرفت. در این دهه دو اصطلاح جدید حقوق شبکه و حقوق اینترنت و در پی آن جرایم شبکه‌ای و جرایم اینترنتی مورد توجه حقوقدانان قرار گرفت.

۳- اصطلاح حقوق سایبر و جرایم سایبری
در دهه ۱۹۹۰ تکنولوژی اطلاعات در زمینه بانکداری، امور اداری و مالی به صورت پیشرفته و همچنین امور تولید و آموزش و... به شدت افزایش یافت. و در سال ۱۹۹۴ اصطلاح و فضای مجازی یا سایبر اسپیس و حقوق سایبر و جرایم سایبری مطرح شد.

شورای اروپا می‌گوید: منظور از فضای سایبر در مباحث حقوقی ترکیبی از عناصر زیر می‌باشد. کامپیوتر + مودم + مخابرات (ماهواره) + ویژگی شبیه‌سازی و مجازی

تاریخچه جرایم رایانه‌ای در ایران

در خصوص تاریخ وقوع جرم رایانه‌ای در ایران، نمی‌توان وقوع آن را با سال ۱۳۴۱ که رایانه وارد ایران شد هم‌زمان دانست. کار برد رایانه در سال‌های اولیه بسیار محدود بوده و در دهه ۵۰ و ۶۰ کم‌کم بر تعداد رایانه‌های موجود در ایران و همچنین وسعت برنامه‌های رایانه‌ای افزوده شد به دلیل عدم وجود قانون مدون و آمار دقیق از جرائم و سوءاستفاده از رایانه نمی‌توان تاریخچه‌ای مشخص بیان نمود.

با توجه به گسترش رایانه و تکنولوژی اطلاعات در ایران با گسترش تخلفات مرتبط با کپی و تکثیر غیر مجاز نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای



روزگاری جمع‌های خانوادگی و فامیلی جای رد و بدل کردن عقاید و عواطف بودند و صله ارحام معنا داشت، در نتیجه افراد احساس تنهایی نمی‌کردند و عواطف آنها به این شدت و سرعت در معرض آسیب نبود. این روزها ابزارهای الکترونیک مجال رابطه ملموس و رخ به رخ را از افراد سلب و آنان را به جزایر پراکنده‌ای که از حال یکدیگر خبر ندارند تبدیل کرده است.

چطور اسیر دنیای مجازی نشویم؟

● شیدا حسن بخشیان

باشند، زیرا یک روح مسموم به فرض برخورداری از تمام مواهب مادی هم نمی‌تواند به شادی و خوشبختی دست یابد. والدین همان طور که از دادن غذای مسموم به فرزندان خود پرهیز می‌کنند، باید متوجه این نکته باشند که هر وسیله‌ای را نباید آسان در اختیار کودکان و نوجوانان قرار داد، زیرا ذهن بی‌تجربه آنان خیلی زود تحت تأثیر انحرافات قرار می‌گیرد و گاه آسیب‌های غیر قابل جبرانی می‌بینند.

جوانان باید آموزش ببینند که روابط فضای مجازی را به دنیای واقعی تعمیم ندهند و با کسانی که سابقه آشنایی در دنیای واقعی را ندارند، ارتباط برقرار نکنند، زیرا کوچک‌ترین اشتباه در این زمینه می‌تواند آینده آنان را یکسره به تباهی بکشاند. مخصوصاً دختران جوان باید در این زمینه هوشیاری بیشتری داشته باشند، زیرا بیش از پسران در معرض انحراف و آسیب هستند.

نوجوانان و جوانان باید آموزش ببینند که عکس‌ها و تصاویر و فیلم‌های شخصی خود را در فضای مجازی منتشر نکنند و نسبت به حفظ اسرار خود و خانواده‌شان حساس باشند. جای آدرس منزل، محل کار والدین و نشانی مدرسه و دانشگاه و شماره تلفن و امثال این اطلاعات در فضای مجازی نیست. خانواده‌ها باید به فرزندان خود آموزش بدهند انتشار این نوع اطلاعات گاهی پیامدهای غیر قابل جبرانی دارند.

واقعیت این است که سلطه فضای مجازی در کشورهای مختلف مرزهای جغرافیایی را از میان برداشته و در عین حال که فرصت‌های مثبت فراوانی را فرا روی انسان قرار داده، ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها و مشکلات را هم بیشتر کرده است. اینترنت معنا و شکل ارتباطات را تغییر داده و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای زندگی تبدیل شده است.

اینترنت به همان اندازه که بسیاری از مسائل را تسهیل و تسریع و دسترسی به مراکز علمی و

پراکنده‌ای که از حال یکدیگر خبر ندارند تبدیل کرده است.

از این ابزار باید در ساعات معین و برای اهداف مشخصی استفاده کرد. حتی اگر ضرورت ایجاد کند، لازم است اعضای خانواده برای مدتی استفاده از این ابزار را محدود یا منع کنند تا روابط به صورت عادی و طبیعی خود برگردند.

برای اصلاح این وضعیت و استفاده صحیح از فضای مجازی ابتدا باید از محیط خانواده شروع کرد. فضای صمیمی در خانواده و همراهی پدر و مادر با فرزندان و بالعکس، فضای مناسبی را برای آموزش مهارت‌های لازم در استفاده از فضای مجازی به نسل جوان فراهم می‌آورد. چنانچه بین والدین و فرزندان اعتماد وجود داشته باشد، فرزندان از فضای واقعی به فضای مجازی پناه نمی‌برند و اسرار خانوادگی و مشکلات خود را در آنجا مطرح نمی‌سازند.

آشنا کردن نسل جوان با آسیب‌های فضای مجازی و استفاده درست از آن می‌تواند جلوی بسیاری از مشکلات و مضرات و یله شدن در این فضای بی‌مرز را بگیرد.

پدر و مادر نباید فقط به فکر تغذیه جسمی کودکان خود باشند، بلکه باید به روح آنها توجه بیشتری داشته باشند.

در این نکته تردیدی نیست آنچه رابطه‌ها را مستحکم و با ثبات نگه می‌دارد، عاطفه و محبت است و این دقیقاً همان چیزی است که با استفاده افراطی از فضای مجازی به شدت مورد تهاجم قرار گرفته است. این روزها همه به جای حرف زدن با یکدیگر با دستگاه بی‌روح و در عین حال لجام گسیخته‌ای به اسم تلفن همراه یا اینترنت سر و کار دارند و در نتیجه کمتر می‌رسند رخ به رخ با یکدیگر سخن بگویند و گرمای وجود یکدیگر را درک کنند.

اعتیاد به فضای مجازی اینک به صورت یک معضل جدی در آمده و افراد را از خانواده و اجتماع دور و به فضای سرد و بی‌روح و دروغین مجازی پرتاب کرده است. دور شدن فرزندان از والدین و طلاق‌های عاطفی روزافزون در جوامعی که فضای مجازی را مدیریت صحیح نکرده‌اند، به صورت بلای خانمانسوزی نهاد خانواده را که در واقع بنیان اصلی جامعه است در معرض خطر قرار داده است. طلاق‌های عاطفی منشأ مشکلات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیاری هستند و فرزندی که به شکل عاطفی از خانواده خود می‌برد، می‌تواند به هر دامی بیفتد و به انحراف کشیده شود.

به نظر می‌رسد تلفن همراه و اینترنت که باید وسیله‌ای برای تسریع کارها و ارتباطات کاری و اجتماعی مفید باشد، افراد جامعه را به نوعی وقت‌کشی مخرب و اعتیاد به فضای مجازی به جای فضای واقعی مبتلا کرده است. مضاف بر اینکه بسیاری از شبکه‌های مجازی حاوی مطالب و محتوای بسیار خطرناکی هستند و زمینه‌های فساد و لابی‌گری را فراهم می‌سازند.

روزگاری جمع‌های خانوادگی و فامیلی جای رد و بدل کردن عقاید و عواطف بودند و صله ارحام معنا داشت، در نتیجه افراد احساس تنهایی نمی‌کردند و عواطف آنها به این شدت و سرعت در معرض آسیب نبود. این روزها ابزارهای الکترونیک مجال رابطه ملموس و رخ به رخ را از افراد سلب و آنان را به جزایر



طرز تهیه قیمه نجفی



غذاهای نذری ماه محرم سنتی است که با عزاداری‌های این ایام عجین شده است. در این شماره به معرفی قیمه نجفی که یکی از معروف‌ترین غذاهای نذری این ایام است می‌پردازیم.

مواد لازم	
گوشت گوسفندی (خورشتی بدون استخوان)	۲۰۰ گرم
پیاز (خرد شده)	۲ عدد
نخود (خیس خورده)	۲۰۰ گرم
رب گوجه فرنگی	۳ قاشق سوپخوری
زعفران	۳ قاشق سوپخوری
روغن	جهت سرخ کردن
پودر لیمو	به میزان لازم
دارچین	۱ قاشق غذاخوری
نمک	به میزان لازم
زردچوبه	۱ قاشق

مطبخ...



طرز تهیه:

نخودها را ۲۴ ساعت قبل خیس می‌کنیم و هر چند ساعت یکبار آبش را تعویض می‌کنیم. یکی از پیازها را با مقداری روغن سرخ می‌کنیم و به آن تکه‌های گوشت را اضافه کرده و تفت می‌دهیم و پس از آن نخودهای خیس خورده را بدون آب اضافه می‌کنیم و با کمی زردچوبه اجازه می‌دهیم تفت بخورد. به آن ۶ لیوان آب اضافه می‌کنیم و اجازه می‌دهیم با حرارت مناسب پخته شود. پس از آن که از پخته شدن گوشت و نخود مطمئن شدید، در آبکش آب آن را جدا می‌کنیم و کناری می‌گذاریم. با گوشت کوب نخود و گوشت را می‌کوبیم. حالا پیاز دیگر را در قابلمه تفت می‌دهیم و پس از طلایی شدن آن، ۳ قاشق سوپخوری رب را نیز اضافه کرده و تفت می‌دهیم تا خوش‌رنگ شود و ادویه‌ها شامل زردچوبه و فلفل را اضافه می‌کنیم و مایه کوبیده شده را اضافه می‌کنیم. آب خورش را که از پیش جدا کرده‌ایم به مواد اضافه کرده و نمک و پودر لیمو، دارچین و زعفران آب کرده را اضافه می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که ادویه‌ها به خورد موادمان برود. اگر علاقمند بودید زیره و یا پودر هل می‌توانید به آن اضافه کنید. این خورش با پلو سرو می‌شود و یکی از غذاهای نذری عرب‌ها به شمار می‌رود.

نکات:

۱. در صورت تمایل به جای خیس کردن نخود آن را ۲ بار جوشانده و آب آن را خالی کنید.
۲. می‌توانید مقداری گلاب هم به خورش اضافه کنید.
۳. بهتر است به جای روغن از کره استفاده کنید تا غذا خوشمزه‌تر شود.

اطلاع‌رسانی را قول‌العاده آسان کرده است، به همان میزان هم دستمایه سوء استفاده‌های زیادی شده و آن را به چاقوی دو لبه‌ای تبدیل کرده است. یکی از راه‌های استفاده صحیح از اینترنت و اجتناب از آسیب‌های آن تقویت پایه‌های اعتقادی افراد و تربیت آنها در مسیر خودسازی است. انسان هدفمند و مؤمن از این وسیله نیز در جهت تقویت آگاهی و ایمان خود استفاده می‌کند و به دام شبکه‌های منحرف و مفسد نمی‌افتد.

اینترنت امکان دسترسی به شبکه‌های اطلاع‌رسانی متعدد را فراهم می‌آورد و انسان هدفمند می‌تواند از امکانات نامحدود آن به بهترین نحو استفاده کند، به کتابخانه‌ها و مراکز علمی سراسر دنیا سر بزند و حتی در دانشگاه‌های بزرگ مجازی ثبت‌نام و تحصیل کند. می‌تواند با دوستان و آشنایانی که در اقصی نقاط دنیا دارد به صورت آنلاین گفتگو و فایل‌های متنی، صوتی و تصویری خود را با آنها مبادله کند.

با اینترنت تجارت سریع و آسان نیز ممکن شده است و فعالیت‌هایی که پیش از این وقت و انرژی زیادی صرف آنها می‌شد، از این طریق به‌آسانی و با کمترین هزینه انجام می‌شود. اینترنت در صورت استفاده صحیح حقیقتاً زندگی را بسیار آسان‌تر کرده است، اما مثل هر پدیده دیگری استفاده ناصحیح و افراطی از آن به بیماری‌های جسمی و روانی گاه غیرقابل جبرانی منجر می‌شود.

استفاده افراطی از فضای مجازی بر اعصاب، بینایی و ستون فقرات آثای منفی زیادی می‌گذارد و گاه فرد را دچار سردردهای شدید و مستمر می‌سازد. از لحاظ روانی هم استفاده افراطی از فضای مجازی منجر به انزواطلبی و جامعه‌گریزی نوجوانان و جوانان می‌شود و روابط فردی و اجتماعی آنها را به‌شدت در معرض آسیب قرار می‌دهد.

استفاده مدیریت نشده از فضای مجازی آثار ضد اخلاقی مخرب و گاه غیرقابل جبرانی را به همراه می‌آورد، به‌طوری که بسیاری از کشورها در پی کنترل فضای مجازی بر آمده‌اند تا جامعه خود را از آسیب‌های آن محافظت کنند.

و سرانجام اینکه اینترنت انحصار انتشار خبر را از دست چند بنگاه خبرپرانی خاص بیرون آورد و امکان دسترسی همگان را به اخبار واقعی فراهم آورده است. بنابراین در دنیای کنونی هیچ کشوری نمی‌تواند حقایق را برای مدتی طولانی از مردم خود مخفی کند و به مدد این شبکه گسترده، خیلی زود آفتاب حقیقت از پشت ابرها بیرون می‌آید.



افضل الساعات

(بهترین ساعت‌ها) کدام است؟»
 پچ بچه‌ها بلند شد. به هم نگاه می‌کردند. سؤال خیلی جدی بود، یکی از بچه‌ها گفت: «قبل از اذان، دل نیمه شب، برای نماز شب.»
 با لبخندی گفت: «غلطه، ای غلطه، اشتباه فرمودین.»
 دیگری گفت: «می‌بخشین، به نظر من اذان صبح وقت نماز و ...!»
 گفت: «بِه، اینم غلطه!»
 هر کدام ساعتی خاص را براساس ادراکات، اطلاعات و برداشت‌های خود گفتند. نیم ساعتی از شروع بحث گذشته بود، هر کسی چیزی می‌گفت و جواب او همچنان «نه» بود.
 همه متحیر با کمی دلخوری گفتند: «آقا حالگیری می‌کنی، ما نمی‌دونیم.»
 و او با لبخندی زیبا گفت: «از نظر بنده بهترین ساعت‌ها، ساعتی است که ساخت وطن باشد و دست کوارتز و سیتی‌زن و سیکوپنج رو از پشت ببند!»
 با خنده از جا بلند شد و رفت تا خودش را برای نماز ظهر آماده کند.
 به نقل از رضا فدافی

داخل چادر، همه بچه‌ها جمع بودند. می‌گفتند و می‌خندیدند. هر کسی چیزی می‌گفت و به نحوی بچه‌ها را شاد می‌کرد. فقط یکی از بچه‌ها به قول معروف رفته بود تو لاک خودش! ساکت گوشه‌ای به کوله پشتی‌اش تکیه داده بود و فکوره‌ای به خود گرفته بود. گویی در بحر تفکر غرق شده بود! هرکس چیزی می‌گفت و او را آماج کنایه‌ها و شوخی‌های خود قرار می‌داد! اما او بی‌خیال آنچه می‌گفتیم، نشسته بود.
 یکباره رو به جمع کرد و گفت: «بسه دیگه، شوخی بسه! اگه خیلی حال دارین به سؤال من جواب بدین.»

همه جا خوردند. از آن آدم ساکت این نوع صحبت کردن بعید بود. همه متوجه او شدند.
 گفت: «هر کی جواب درست بده بهش جایزه می‌دم.»
 بچه‌ها هنوز گیج بودند و به هم نگاه می‌کردند که گفت: «آقایون افضل الساعات

۲۰

به احترام پدرم

سلام می‌کردم. پیرمرد دو سه بار جواب سلامم را داد اما بار آخر کفری شد و گفت: «تو پت شده سلام می‌کنی؟ یکبار سلام می‌کنند.»
 گفتم: «راستش به پدرم سلام می‌کنم.»
 پیرمرد دست از کار کشید و با حیرت گفت: «چی؟ به پدرت سلام می‌کنی؟ کو پدرت؟»
 اشک چشمانم را گرفت و گفتم: «هر بار که شما با ماشین‌تان موهایم را می‌کنید، پدرم جلوی چشمم می‌آید و من به احترام بزرگ‌تر بودنش سلام می‌کنم!»
 پیرمرد اول چیزی نگفت. اما بعد پس گردنی جانانه‌ای خرجم کرد و گفت: «بشکنه این دست که نمک نداره ...»
 مجبوری نشستم و سیصد، چهارصد بار دیگر به آقا جانم سلام کردم تا کارم تمام شد.

نزدیک عملیات بود و موهای سرم بلند شده بود باید کوتاهش می‌کردم مانده بودم معطل توی آن برهوت که سلمانی از کجا پیدا کنم. تا اینکه خبردار شدم که یکی از پیرمردهای گردان یک ماشین سلمانی دارد و صلواتی موها را اصلاح می‌کند.
 رفتم سراغش دیدم کسی زیر دستش نیست طمع کردم و جلدی با چرب زبانی قربان صدقه‌اش رفتم و نشستم زیر دستش. اما کاش نمی‌نشستم. چشم‌تان روز بد نبیند با هر حرکت ماشین بی‌اختیار از زور درد از جا می‌پریدم.
 ماشین نگو تراکتور بگو. به جای پریدن موها، غلفتی از ریشه و پیاز می‌کنندشان! از بار چهارم هر بار که از جا می‌پریدم با چشمان پر از اشک

والکثافه من الشیطان

«تا بچه‌ها در عین ناباوری‌اش بگویند: «حاج آقا والکثافه من الشیطان.» فکر می‌کرد لابد می‌گویند حاج آقا «وال» ندارد، یا حاج و واج می‌مانند و او با قیافه حکیمانه‌ای می‌گوید: «ای بی‌سوادها بقیه ندارد. حدیث همین است.»
 با این وصف حاجی کم نیاورد و گفت: «حالا اگر گفتید این حدیث مال کیه؟»
 بچه‌ها فی الفور گفتند: «نصفش حدیث نبوی است، نصف دیگرش از قیس بن اکبر سیاه»

روحانی گردانمان بود. روشش این بود که بعد از نماز حدیثی از معصومین نقل می‌کرد و درباره‌ی آن توضیح می‌داد. پیدا بود این اولین باری است که به صورت تبلیغی رزمی به جبهه آمده است والا شاید بی‌گدار به آب نمی‌زد و هوس نمی‌کرد بچه‌ها را امتحان کند؛ آن هم بچه‌های این گردان را که تبعیدگاه بود؛ نمی‌آمد بگوید: «بچه‌ها! النظافه من الایمان و

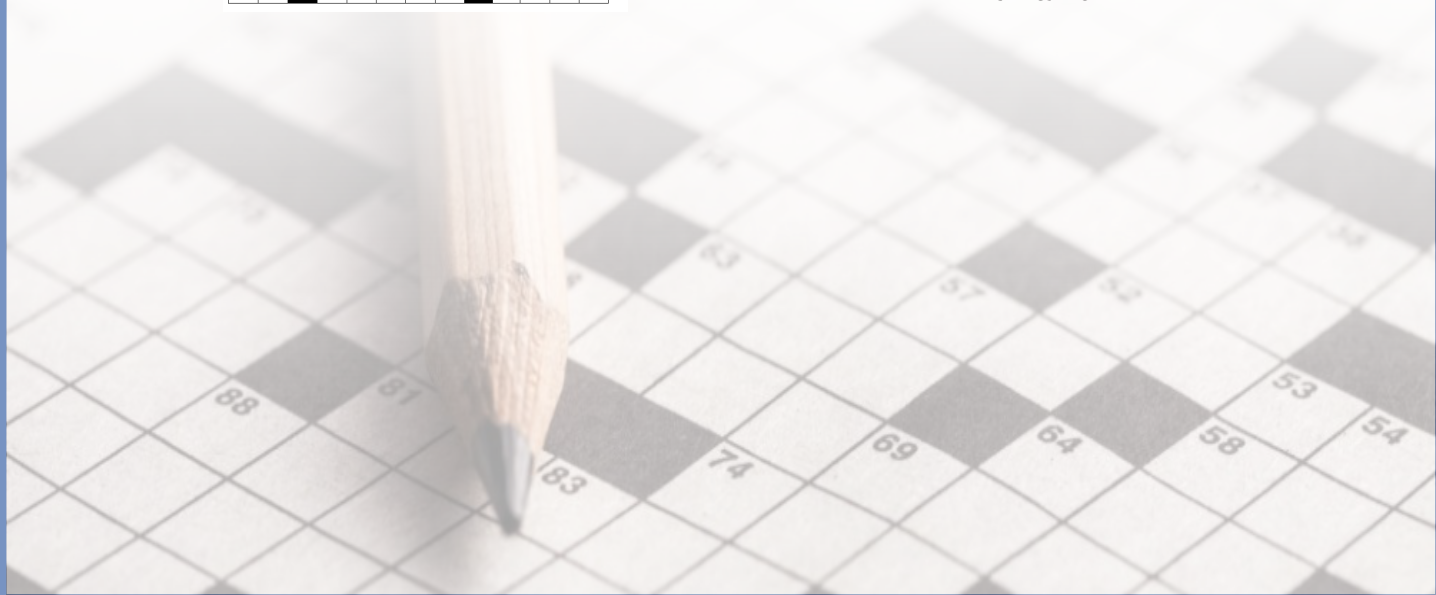
[illegible]

- ۱- فرمانده شهید نیروی زمینی
- ۲- جایگاه - هدیه - خراسان قدیم
- ۳- کاسبها - رشوه - عدد روستا!
- ۴- ملی پوش فقید فوتبال کامرون - تا این که - نژاد خودمانی!
- ۵- قلب قرآن - از سور قرآن کریم - خوراک بیمار!
- ۶- گل نامیدی - نوعی کشت - از اجرام آسمانی
- ۷- شهر استان مرکزی - مقتل شهیدآوینی - عملیاتی در هورالهوریزه و جزایر مجنون
- ۸- وزیر فرعون - سالن منزل - نوعی کونگ فو
- ۹- سالک - واحد توان - از ویتامین ها
- ۱۰- بی خبر از پیاده - آیین ها - پایتخت ایتالیا
- ۱۱- نشانه مفعول - ترس - جانشین
- ۱۲- کوه اروپا - فدراسیون جهانی بسکتبال - ذو حیات
- ۱۳- فرمانده قیام مردمی تنگستان بوشهر علیه متجاوزان

- ۱- عموی عرب - کتابی با موضوع مهدویت از حسین کریمی
- ۲- پاک‌کن خودکار - ناب و خالص - استاندارد قدیم
- ۳- سوره احسن القصص - محل غیبت ولی عصر(عج) - عدد دایره
- ۴- سوغات مراغه - مرکز مصر
- ۵- عدد قرن - جنس مذکر - برطرف کردن
- ۶- آسیب - مبارز - آلات
- ۷- ورزش تمرکز و نشانه‌گیری - شهر قبله - از انواع محارم
- ۸- رنجه‌ها - کوبنده مطبخ - اسم آذری
- ۹- ذره‌ی باردار - رکن - نت منطقی!
- ۱۰- معلم انسان‌ها - الت توزین
- ۱۱- عزیز عرب - نقل خبر - آبگینه
- ۱۲- یرقان - جمع رب - اولین غزوه
- ۱۳- ملی پوش فقید فوتبال هلند - ضمیر عربی

حل جدول شماره گذشته:

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
م	ص	ر	ن	ا	ص	ر	ن	ا	ص	ر	ن	ا	۱
ح	ب	م	ج	د	ج	د	ج	د	ج	د	ج	د	۲
و	ا	ن	ل	ی	ا	و	ا	ن	ل	ی	ا	و	۳
د	ن	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	۴
ن	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	۵
ک	م	ا	ن	ل	ی	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	۶
ب	م	ج	د	ج	د	ج	د	ج	د	ج	د	ج	۷
ا	م	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	۸
ز	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	۹
ی	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	۱۰
ک	م	ا	ن	ل	ی	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	۱۱
ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	و	ر	۱۲
چ	و	ا	ن	ل	ی	ا	و	ر	ا	و	ر	ا	۱۳



جوان امروز اگر در میدان‌های علمی، ورزشی و فرهنگی به مبارزه بپردازد و تلاش کند که از میان این همه مدعی، راهی به سکوی قهرمانی بیابد، طبیعتاً چه از لحاظ توان روحی و جسمی و چه از نظر تأثیرگذاری اجتماعی و بین‌المللی چیزی کم از جوان انقلابی و رزمنده دیروز ندارد؛ منتهی وظیفه او به تناسب شرایط زمانه تغییر کرده است.

سبک زندگی مردم در دوران جنگ

زندگی کنار توپ و تانک

تهمین مهربانی

این همه مدعی، راهی به سکوی قهرمانی بیابد، طبیعتاً چه از لحاظ توان روحی و جسمی و چه از نظر تأثیرگذاری اجتماعی و بین‌المللی چیزی کم از جوان انقلابی و رزمنده دیروز ندارد؛ منتهی وظیفه او به تناسب شرایط زمانه تغییر کرده است. امروز هم با برنامه‌ریزی‌های درست می‌توان جامعه را از فاصله طبقاتی نجات داد و اشرافی‌گری را از میان برداشت، تنها به اراده ملی همچون دوران انقلاب و دفاع مقدس نیاز هست. امروز هم می‌توان گریبان نسل جوان را از اعتیاد به فضای مجازی و ماهواره‌ها رها کرد، منتهی این کار با ارائه شیوه‌های سلبی و اجبار و زور ممکن نیست، زیرا تجربه ثابت کرده است این روش‌ها نتیجه عکس می‌دهند. با یک حساب سرانگشتی می‌توان به‌خوبی دریافت جوانی که ذهن و زندگیش درگیر دستیابی به قله‌های بالای علمی، ورزشی و فرهنگی است و دغدغه‌ای جز پیشرفت سریع در این عرصه‌ها ندارد، اساساً میل و فرصت درگیر شدن با هیچ فضا و رابطه مجازی‌ای را ندارد.

آیا جوانان تلاشگری که این روزها با دستیابی به قله‌های افتخار در المپیک برای خود و کشورشان سرافرازی به دست آورده‌اند، اساساً فرصت، میل و رغبتی به ساعت‌ها در فضای مجازی گشتن و وقت تلف کردن دارند؟ آیا دچار مصرف‌زدگی و

سبک زندگی مردم به‌گونه دیگری بود یاد می‌شود، غافل از اینکه هر شرایطی واکنش‌های اجتماعی متناسب با خود را می‌طلبد

و اما انتقاد بزرگی که می‌توان به متولیان امر و مسئولین فرهنگی وارد کرد این است که چرا نتوانستند از دستاوردهای آن دو دهه درخشان که جامعه از نظر مادی بسیار عقب‌مانده‌تر از اکنون، اما به لحاظ تعالی اخلاقی و انسانی فوق‌العاده بالاتر بود، برای سازندگی واقعی کشور بهره بگیرند. جوان امروز اگر در میدان‌های علمی، ورزشی و فرهنگی به مبارزه بپردازد و تلاش کند که از میان

ملت‌ها در برهه‌های بحرانی تاریخ خود معمولاً شیوه‌های رفتاری متفاوتی را از خود بروز می‌دهند که در سایر مقاطع در آنها دیده نمی‌شود، از جمله شور و هیجان تغییر نظام یک کشور یا انقلاب و نیز درگیر شدن کشور با جنگ یا بحران‌های عمیق و گسترده اقتصادی، برنامه‌ریزی‌ها و هدف‌گذاری‌های متفاوتی را می‌طلبد و به تبع آن سبک زندگی افراد تغییر می‌کند.

در بسیاری از موارد از دهه ۵۰ که منتهی به انقلاب اسلامی شد و نیز دهه ۶۰ که دوران دفاع مقدس بود به عنوان دهه‌های آرمانی که در آن رفتار و



زندگی زمانی معنا می‌یابد که هدف آن متعالی و دستیابی به آن مستلزم عرق ریختن جسم و روح باشد. بودجه و امکانات مالی شرط لازم هست، اما به هیچ‌وجه کافی نیست، وگرنه در انقلاب و دفاع مقدس باید می‌نشستیم تا از جایی غیر از ناحیه خدا مددی برسد.

به حداقل امکانات را نداشته باشند، برای تحصیل فرزندانشان عزا بگیرند و بیمارانشان روی دستشان بمانند و هر روز شاهد رژه کسانی باشند که حتی یک بار هم هشدار قرآن در باره تکاثر را نشنیده‌اند، استعدادهای فراوان نسل جوان از بین خواهد رفت.

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان بافت جامعه ایرانی مبتنی بر آموزه‌های دینی و اخلاقی است. مردم ما در برهه‌های مختلف تاریخی نشان داده‌اند که تحمل قحطی، یورش بیگانگان، فقر و دشواری‌ها را دارند، اما فاصله طبقاتی و عزیز پرورده بودن عده‌ای از متولیان امر به هزینه محرومیت اکثریت جامعه را تحمل نمی‌کنند. آنچه امروز سبک زندگی ما را نسبت به دوره انقلاب و دفاع مقدس متفاوت ساخته، این تمایزها و تشخیص‌های ناشی از روابط غلط و رانت‌خواری‌های کلان است. آنچه که استعدادهای فراوان انسانی، اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی ما را معطل نگه داشته است، نوعی سبک زندگی رفاه زده و فارغ از تلاش و تولید و شوق و ایثار است، والا نسل فعلی حتی تصور محرومیت‌های نسل دهه‌های ۵۰ و ۶۰ را نمی‌تواند بکند. نسلی که شاید از مال دنیا چیز زیادی نداشت، اما امید، تلاش و ایثار را می‌شناخت و زندگیش بر مدار معنا می‌گشت.

نیست. ملت‌های اروپایی پس از جنگ‌های خانمانسوز جهانی اول و دوم دورانی چنان اسفبار و دشوار را از سر گذراندند که حتی در تصور ما هم نمی‌گنجد. ژاپن پس از بمباران اتمی توسط آمریکا و حتی فاجعه سونامی چند سال پیش دچار چنان فقر، ویرانی و رکودی بود که کمتر کسی تصورش را می‌کرد بتواند دو باره روی پای خود بایستد، اما ایستاد و در زمره یکی از کشورهای مهم صنعتی دنیا در آمد.

کشور و مردم ما پتانسیل انجام هر ناممکنی را دارند، اما متأسفانه به دلیل سهل‌انگاری‌ها و جهالت‌های برنامه‌ریزان اقتصادی و فرهنگی گرفتار سبکی از زندگی شده است که با هیچ نظام تعریف‌شده‌ای در دنیا قابل تطبیق نیست. ما از طرفی هنوز در زمینه سلامت، آموزش و پرورش و... گرفتار معضلات جدی و ریشه‌ای هستیم و از سوی دیگر هرازگاهی خبر کلاه‌برداری‌ها و اختلاس‌های نجومی به گوش می‌رسد. از یک طرف اکثریت جامعه برای دوا و درمان بیمارانشان باید به دعا و نذر متوسل شوند و از سوی دیگر شاهد بریز و بپاش‌های دردناکی در بخشی از جامعه هستیم.

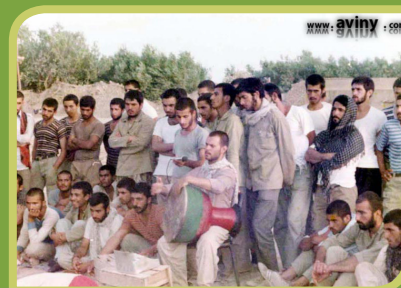
بدیهی است اگر فکر عاجلی برای تعدیل ثروت در جامعه نشود و همه مردم امکان دسترسی

اشرافی‌گری هستند؟ با نگاهی گذرا به زندگی جوانان موفق در می‌یابیم چنین تمایلاتی در آنان نزدیک به صفر است، زیرا آنها به قله‌های بالاتری می‌اندیشند.

زندگی سالم، ساده، پرنشاط و مؤثر چیز غیرقابل دسترسی نیست، به شرط آنکه متولیان امر دست از تفکر «حد ما همین است»، «عقب هستیم»، «نمی‌توانیم» و امثال اینها بردارند و راه را برای نسل جوانی که همواره اثبات کرده است که با حداقل امکانات، توان انجام کارهای بزرگی را دارد باز کنند. با اندیشه «نمی‌توانم»، «جهان سوم»، «همین حد هم چیزی از ارزش‌های ما کم نمی‌کند» و امثال اینها در جهانی که تغییرات و پیشرفت‌ها در آن به هفته و ماه که هیچ به روز هم نمی‌کشد و صحبت از ساعت‌ها و ثانیه‌هاست، جز شکست و ناکامی ثمری ندارد.

زندگی زمانی معنا می‌یابد که هدف آن متعالی و دستیابی به آن مستلزم عرق ریختن جسم و روح باشد. بودجه و امکانات مالی شرط لازم هست، اما به هیچ‌وجه کافی نیست، وگرنه در انقلاب و دفاع مقدس باید می‌نشستیم تا از جایی غیر از ناحیه خدا مددی برسد.

کشور ما حتی در دوره تحریم هم کشور فقیری



شبهات عاشورایی

○ سیده زینب اسکندریان

عطش در کربلا

کیفیت عطش و تشنگی در کربلا چگونه بوده است؟

از گزارش‌های معتبر تاریخی، به دست می‌آید که سه روز قبل از شهادت اباعبدالله علیه‌السلام (روز هفتم محرم) دستوری از عبیدالله بن زیاد از این قرار به عمر بن سعد ابلاغ شده است که: «ای حسین علیه‌السلام و آب فاصله بینداز و عدالت را مگذار که قطره‌ای از آن بنوشند» و این عمل رلی و مگذار نوعی انتقام در مقابل پستنی آب بر عثمان تلقی می‌شد که اتفاقاً حسنین علیهما السلام از طرف امیرالمؤمنین علیه‌السلام مامور رساندن آب به عثمان محاصره شده توسط مردم خشمگین بودند. ابن سعد هم به مجرد شنیدن دستور، دست به کار شد و به طور قطع، از روز هفتم تا عاشورا، آب فرات بر روی امام حسین علیه‌السلام و سپاه و خانواده ایشان بسته شد. البته در این سه روز، امام و یارانش از طرق مختلف سعی در دسترسی به آب داشتند زیرا سه روز بدون هیچ دسترسی به آب واقعاً توانایی ادامه حیات و رمق برای جنگ‌های روز عاشورا را در آن بیابان سوزان نمی‌گذاشت. یعنی می‌خواهم بگویم که این چنین نبود که به هیچ وجه قطره آبی به خیام اباعبدالله علیه‌السلام در این سه روز نرسیده باشد.

در برخی گزارش‌ها چنین آمده است که امام حسین(ع) در محدوده اردوگاه خود اقدام به حفر چاه‌هایی کرده بود؛ اما وقتی گزارش آن به ابن زیاد رسید، دستور شدت عمل بیشتر و ممانعت از حفر چاه را ابن سعد ابلاغ کرد.

همچنین گزارشی از حمله شبانه حضرت عباس علیه‌السلام به همراه سی‌سوار و بیست پیاده به پرچمداری نافع بن هلال به فرات در منابع معتبر

نقل شده است. آنان پس از درگیری با گروه عمرو بن حجاج، موفق به پر کردن بیست مشک آب می‌شوند. بنابراین دسترسی به آب در این سه روز بسیار محدود بوده است و صبح عاشورا دیگر تمام سهمیه آب سپاه اباعبدالله به پایان می‌رسد. علامه مجلسی روایتی را نقل می‌کند که مضمون آن درخواست عباس برای مبارزه و مبارزه و آرا آوردن آب برای اطفال و کودکان حرم می‌باشد. البته عباس علیه‌السلام موفق به آوردن آب نشد و در راه بازگشت به شهادت رسید.

یک مسأله‌ای مشهور شده است که صبح عاشورا امام حسین علیه‌السلام غسل شهادت کردند در حالی که خانواده و فرزندان ایشان در معرض تشنگی بودند. شما می‌دانید که اگر خوف تشنگی حتی یک حیوان هم باشد باید به جای غسل واجب، تیمم کرد چه به آنکه غسل مستحبی انجام بدهد! واقعیت این است که اگر چنین کاری را اباعبدالله علیه‌السلام انجام می‌داد باید فقها بر اساس آن فتوا می‌دادند اما هیچ کدام از فقها نگفته است که آب محدود که خوف تشنگی است را می‌توان به مصرف غسل مستحبی شهادت رساند.

بله در روایات ما اشاره شده است که امام حسین صبح عاشورا غسل کرد یا دستور داد که خیمه‌ای به پا کنند که حضرت در آن نوره استعمال کردند و بدن مطهرشان را تنظیف کردند و اصحاب هم به ایشان اقتدا کردند، اما نکته این است که محققینی که در این مسأله مفصل تحقیق کرده‌اند به واسطه قرائنی به این نظر رسیدند که آن آب از آب‌های قابل شرب نبوده است تا از غسل کردن به واسطه آن آب آشامیدنی از بین برود. به هر حال آن چه قطعی

و مسلم است، این است که اصحاب اباعبدالله و خود ایشان با تشنگی مفرط به شهادت رسیدند. کما اینکه علی‌اکبر به پدر عرض کرد: «یا ابتاه قد قتلنی العطش» و با همین وضع به شهادت رسید.

ازدواج حضرت قاسم بن الحسن علیه‌السلام در کربلا

اقوال متعارضی پیرامون ازدواج کردن حضرت قاسم علیه‌السلام در روز عاشورا با حضرت سکینه، دختر امام حسین علیه‌السلام مطرح است، آیا این مطلب صحت دارد؟

مسأله شکل‌گیری چنین ازدواجی در مصادر معتبره نقل نشده است و نهایت آن چه ذکر شده است، علامه در بندگی در کتاب اکسیرالشهادات این مسأله را مطرح کرده است. اما با در نظر گرفتن یک سلسله قرائن، این احتمال بسیار کم به نظر می‌رسد. از جمله این که سکینه دختر امام حسین علیه‌السلام با پسرعموی خود قبلاً ازدواج کرده بود که شوهر او قبل از قاسم در کربلا به شهادت رسید. یعنی سه تن از پسران امام مجتبی علیه‌السلام در کربلا به شهادت رسیدند. فاطمه کبری هم همسر حسن بن حسن معروف به حسن مثنی بود که در کربلا مجروح شد و بعداً هم سلامتی‌اش را به دست آورد، فاطمه صغری هم که به دلیل بیماری با امام همراه نبود و ایشان را مدینه گذاشتند. حضرت رقیه(س) هم که سه سال بیشتر نداشت. بنابراین اگر بخواهیم ازدواج حضرت قاسم با یکی از دختران امام حسین را بپذیریم، باید یک دختر دیگر هم اباعبدالله علیه‌السلام داشته باشند که چیزی در این رابطه به دست ما نرسیده است.

توبه بزید

آیا بزید توبه کرد و آیا اصولاً توبه چنین شخصی پذیرفته می‌شود؟



قبل از پاسخ به این پرسش، مناسب است که یک روایت دروغین را مطرح کنم. بر سر زبان برخی مطرح می‌شود که: «یزید به امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد: من پسر رسول خدا (ص) را کشته‌ام. آیا راه نجاتی هست؟ امام سجاد فرمودند: بله! اگر نماز غفيله بخوانی ممکن است که نجات پیدا کنی. در این هنگام حضرت زینب (س) عرض کرد: آیا می‌خواهی قاتل پدرت را نجات دهی؟ ایشان در جواب فرمودند: من نماز غفيله را سفارش کردم اما یزید موفق نخواهد شد به دلیل دل درد...»

متأسفانه گاهی بین مردم، روایاتی باب می‌شود و به معصومان نسبت داده می‌شود که ریشه انحرافات عقیدتی می‌شود و اگر کسی اهل ریشه‌یابی جعل این احادیث باشد، می‌یابد که رواج‌دهندگان این احادیث، دشمنان اهل بیت می‌باشند تا بتوانند چهره‌ای غیر عقلانی و متناقض از اولیای دین بسازند. این حدیث در هیچ یک از کتب روایی ما موجود نیست. بلکه صرف نظر از این که در کتب روایی ذکر شده است یا نه، محتوای آن هم قابل مناقشه است از چند جهت:

مناقشه اول: بین معصیت و توبه آن اصلاً تناسب نیست. مثلاً اگر کسی مال کس دیگر را بردارد و غضب کند توبه‌اش این است که با مال را به صاحبش برگرداند یا به هر وسیله‌ای او را راضی کند. چگونه ممکن است شخصی ولی خدا را بکشد و خانواده او را به اسارت ببرد و با نماز غفيله توبه کند؟

مناقشه دوم: این که ما در روایات داریم که نیت مؤمن از عمل او بهتر است. پس اگر واقعاً نماز غفيله جبران کننده گناه یزید است، پس نیت‌اش هم اگر نتواند به جا بیاورد باید از او دستگیری کند و دیگر جایی برای این نمی‌ماند که امام زین العابدین علیه السلام عدم قبول توبه یزید را به دلیل عدم توفیق در خواندن نماز غفيله به دلیل دل درد مطرح کند.

مناقشه سوم: این که در این روایت جعلی، حضرت زینب سلام الله علیها اعتراض می‌کند به امام زین العابدین علیه السلام که چرا قاتل پدرت

را نجات می‌دهی؟ چگونه ممکن است زینب کبری سلام الله علیها با آن معرفت، به امام خود اعتراض کند؟

اما برگردیم به همان سؤال اصلی، که آیا یزید توبه کرد و پشیمان شد؟ شاید برای ما این سؤال مضحک باشد. اما در بین گروهی از مسلمین متأسفانه این اعتقاد وجود دارد. لذا به شدت با لعن‌های موجود در زیارت عاشورا علیه یزید مخالف هستند. یکی از بزرگان اهل سنت، غزالی است که در کتاب احیاء العلوم خود سخن از نهی لعنت یزید به علت امکان توبه او به میان آورده است یا مثلاً ابن قتیبیه دینوری، در کتاب الامامة والسیاسة چنین می‌گوید: «یزید بعد از فهمیدن واقعه کربلا چنان گریه کرد که روح از بدنش نزدیک بود پرواز کند». در جای دیگر دارد: یزید هنگامی که کاروان کربلا بیاورده به سمت مدینه رهسپار می‌کند خطاب به امام سجاد علیه السلام می‌کند و می‌گوید: «خدا این مرغانه را لعنت کند! به خدا سوگند اگر من در مقابل حسین بودم، او هر خواسته‌ای داشت اجابت می‌کردم و به هر طریق ممکن مرگ را از او می‌راندم حتی اگر منجر به مرگ فرزندانم می‌گشت!»

الان این گروه‌های تکفیری هم همین نظر را دارند. آنها پیروان تیمیه که بنیان‌گذار تکفیر در اسلام است اصلاً زیر بار گناه کار بودن یزید نمی‌روند و او را یکی از خلفای پیامبر می‌دانند که پیامبر فرمود جانشینان من دوازده نفر هستند به تعداد نقبای بنی اسرائیل. آنها یزید را جزو آن دوازده نفر می‌دانند و مسجد

اموی بسیار برایشان محترم است. زهران علوش (فرمانده سابق یکی از گروه‌های تکفیری در سوریه به نام جیش الاسلام که به هلاکت رسید) در یکی از سخنرانی‌هایش در کاخ‌های به جا مانده از بنی‌امیه در حومه دمشق ایستاده بود و از آرزوی خود در مورد بر پایی دوباره بنی‌امیه و سیره معاویه و یزید صحبت می‌کرد و شیعیان را

تهدید می‌کرد.

اما در مورد نقل‌هایی که از پشیمانی و خشمگین شدن یزید صحبت می‌کند باید بگوییم که شواهد تاریخی گویای آن است که یزید در آغاز از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام به شدت خوشحال شد و ابن‌یزید را مورد تشویق قرار داد و تاریخ هم نشان می‌دهد که یزید هیچ اقدامی مبنی بر عزل ابن‌یزید از عراق نکرد، بلکه پس از رخ دادن قیام ابن‌زبیر در سال ۶۳ هجری، از ابن‌یزید خواست که به جنگ او برود. بنابراین اگر هم جایی خشمگین شده عملی ظاهری بوده که تحت شرایط سخنرانی‌های حضرت زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه السلام بوده است تا از منفوریتی که نسبت به او به وجود آمده به گونه‌ای بزداید. وقتی سمرهای مطهر و اسرا را به مجلس او آوردند و ابراز شادمانی می‌کرد و با چوب خیزران به دندان‌های مبارک حضرت می‌زد.

همچنین اشعاری می‌خواند که نشان از شغف او از انتقام‌گیری بود رانشان می‌داد. در همین اشعار رسماً به تکذیب نبوت پرداخت و می‌خواند:

لعبت هاشم بالملک / فلا خبر جاء ولا وحی نزل
بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند / نه خبری از خدا آمده و نه قرآنی نازل شده است

اگر یزید توبه کرده بود باید آثارش در اعمال بعدی او مشاهده می‌شد. او در دو سال زندگی ننگین‌اش بعد از عاشورا دو جنایت هولناک انجام داد. یکی قتل عام مردم مدینه و مباح داشتن خون و مال و ناموس آنها بر سپاهیان در سه روز و کشته شدن بسیاری از صحابی

پیامبر صلوات الله علیه، که به واقعه حره معروف شد. و دیگری فرمان حمله به مکه که سپاهیان او با منجنیق به این شهر حمله کردند و حرمت خانه کعبه را شکستند و آن را با آتش گرفت شده از منجنیق هاسوزاندند.

بنابراین همچنان جواز لعن او نزد قاطبه مسلمانان با بر جاست.





بهداشت در محرم

نذری بهداشتی

۲۶

نباشد. دیوارهای آشپزخانه را بشوید، کف را شسته و ضدعفونی کنید و لوازم پخت و پز را هم به خوبی شستشو دهید.

مسئولان پخت و پز

سلامت بسیاری در گرو نظافت شماست، قبل از آشپزی و ورود به مطبخ، حتما دوش بگیرید. کلاه و پیشبند و دستکش برای خورد کردن و... داشته باشید. سیگار کشیدن هم ممنوع. اگر هم دچار بیماری واگیر هستید خواهشا وارد آشپزخانه نشوید. جور دیگری نوکری ارباب کنید.

ظرف و ظروف توزیع

قدیما نه از سفره یکبار مصرف خبری بود و نه ظرف یکبار مصرف. باور کنید، امام حسین(ع) هم راضی نیست که ما به محیط زیست آسیب برسانیم، قبول که اگر از ظروف یک بار مصرف استفاده نکنیم و باید بعدش کلی ظرف بشوید ولی ظرف کرایه کنید و خیلی شیک از مهمانان عزادار خود پذیرایی کنید.

می شود. برای طبخ غذای نذری باید از فرآورده های دامی با کشتار مجاز یا بسته بندی شده که مورد تأیید وزارت بهداشت و سازمان دامپزشکی است استفاده شود. نکته ای که تقریباً در بسیاری از هیات های مذهبی مورد نظر قرار نمی گیرد، این است که ذبح و قربانی احشام جلوی دسته های عزاداری یا در محل تکایا و مساجد، باید با هماهنگی سازمان دامپزشکی و در شرایط بهداشتی صورت گیرد؛ طوری که خونابه پخش نشود. بازرسان وزارت بهداشت قرار است محرم امسال از ذبح غیرمجاز دام بویژه در معابر و خیابان های شهر جلوگیری کنند. نمک هم از نمک یددار استفاده شود. از روغن کمتری استفاده کنید و دنبه گوسفند هم ممنوع است بیشتر از اینکه به فکر رنگ و لعاب غذا باشید به فکر سلامت مهمانان ابا عبدالله باشید. غذایی که با خلوص نیت پخته شده، حتما بدون روغن و نمک زیاد خوشمزه است.

سبزی ها را هم خوب شستشو دهید و ضدعفونی کنید.

مکان

آشپزخانه شما حتی الامکان نزدیک تکیه و حسینیه

ماه محرم، از ماه های بسیار محترمی است که مردم کشور ما به آن بسیار معتقد هستند و به دلیل اعتقاد به اهل بیت و متوسل شدن به آنها و حاجت روا شدن، نذورات خود را در این ماه ولو با دادن یک پارچ شربت ادا می کنند. از گذشتگان بسیار دور نیز دادن نذورات در این ماه مرسوم بوده است و بسیاری نیز به مناسبت عزای حسینی از عزاداران سالار شهیدان به طرق مختلف پذیرایی می کنند. حلیم، قیমে پلو، شربت و... در بین مردم توزیع می شود. از آنجایی که مردم معتقد هستند و برای این مراسم سنگ تمام می گذارند بدون شک مسائل بهداشتی را نیز رعایت می کنند اما اگر یک سهل انگاری کوچک شود ممکن است شاهد بیماری و مسمومیت در بین عزاداران باشیم. بنابراین لازم است یک سری الزامات بهداشت فردی و جمعی رعایت شود.

بهترین مواد اولیه

نیازی به گفتن نیست، کسی که می خواهد به دستگاه امام حسین(ع) خدمت کند، حتما بهترین مواد را تهیه می کند. موادی درجه یک و تازه. گوشت یکی از موادی است که بسیار سریع فاسد

چای دارچین، چای محرمی

یکی از چای‌های محبوب که در ماه محرم در بین عزاداران توزیع می‌شود، چای دارچین است که طرفداران بسیاری دارد. این چای علاوه بر طعم خوش خواصی دارد که به آن اشاره می‌کنیم:

۱. پیشگیری کننده از بیماری قند خون است.
۲. به کاهش قند خون در مبتلایان به دیابت کمک می‌کند.
۳. پیشگیری کننده از روماتیسم است.
۴. بدن را در مقابل فائزیت مقاوم می‌کند.
۵. ریسک ابتلا به فشار خون بالا را کاهش می‌دهد.
۶. خستگی را رفع می‌کند.
۷. تسکین دهنده و از بین برنده فشارهای عصبی است.
۸. یک آنتی باکتری طبیعی در برگیرنده طیف وسیعی از باکتری‌هاست.
۹. در روده‌ها مانع از تشکیل نیتروز آمین می‌شود و سیستم روده‌ای را تقویت می‌کند.
۱۰. دوست معده است.
۱۱. سر دردهای ناشی از مشغله کاری را از بین می‌برد و خستگی ذهن را از بین می‌برد.
۱۲. بدن را در مقابل سرطان مقاوم می‌کند.
۱۳. حاوی تعداد زیادی آنتی اکسیدان با فرمول‌های متفاوت از هم می‌باشد.
۱۴. استرس و فشارهای عصبی را از بین می‌برد و پیشگیری کننده از ابتلا به میگرن می‌باشد.

اگر در ماه محرم، به شما چای دارچین نرسید خودتان دست بکار شوید و دم کنید. ما به شما آموزش می‌دهیم.

طرز تهیه چای دارچین:

به یک لیوان آب بدون کلر در حال جوشیدن یک عدد چوب دارچین افزوده می‌شود. ۵ دقیقه در شعله ملایم و ظرف در بسته جوشانده میشود بعد از ولرم شدن نوشیده می‌شود.

محرم نعمتی مردانه

می‌گویند محرم نعمت مردانه‌ای است. مردها می‌توانند در این ماه بدون اینکه سرزنش شوند که: مرد گریه نمی‌کند، یک دل سیر گریه کنند و سبک شوند. حالا اگر این گریه برای امام حسین(ع) باشد دیگر نور علی نور است و همه از فضایل گریه بر اهل بیت بسیار شنیده‌ایم که: حسین بن علی (علیه السلام) فرمود: چشمان هر کس که در مصیبت‌های ما قطره‌ای اشک بریزد، خداوند او را در بهشت جای می‌دهد. (احقاق الحق، ج ۵، ص ۵۲۳)

ابی عماره منشد گفت:

هرگز نشد یادی از حسین بن علی علیه السلام نزد ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام صورت گیرد و آن جناب تا شب متبشم و خندان دیده شوند. (هرگاه نزد امام صادق(ع) یادی از امام حسین(ع) می‌شد دیگر کسی آن حضرت را تا شب خندان نمی‌دید.)

سایت بازل مقاله‌ای درباره گریه منتشر کرده است که ما خیلی خلاصه به آن اشاره می‌کنیم:

گریه، استرس را از بین می‌برد
خشکی چشم را از بین می‌برد
احساس آزادی می‌آورد
اندروفین منتشر می‌کند
چشم‌ها را می‌شوید
سموم را از بین می‌برد
فشار خون را کاهش می‌دهد



من تعجب می‌کنم از کسانی که بر طبل جنگ می‌کوبند و فکر می‌کنند در جنگ حلوا، خیرات می‌شود. شک ندارم پدر من که جانش را کف دست گذاشت و به جبهه رفت هم جنگ را دوست نداشت اما موظف بود برای دفاع از ناموس و ارزش‌ها از کشورش دفاع کند. مقوله دفاع با جنگ فرق دارد.



جنگ روح و روان را به چالش می‌کشد
لیلا نادعلیپور کارشناس ارشد روانشناسی، فرزند شهید جبار نادعلیپور که به دلیل سکونت روی نوار مرزی جنگ را از نزدیک تجربه کرده است می‌گوید: ما کاری به انگیزه‌های شروع جنگ نداریم، نظریه‌های جنگ هم سر جای خود. اما آنچه که مشخص است و کسی نمی‌تواند منکر آن شود، عوارض و خسارات ناشی از جنگ است. از نظر روان‌شناسی افزایش اختلالات خلقی عمده و اختلالات شخصیت، اختلال استرس پس از سانحه یا PTSD و اختلالات اضطرابی از مهمترین پیامدهای خشونت و جنگ است که تا سال‌ها پس از اتمام جنگ ادامه خواهد یافت. من چون خودم در کودکی هم جنگ را لمس کرده‌ام و هم به نوعی با از دست دادن پدرم قربانی جنگ هستم و همسالان و همشهریانم نیز با من این درد را مشترک هستند با صراحت می‌گویم که عوارض روحی و روانی ناشی از جنگ تا سالیان سال و حتی تا پایان زندگی با شخص آسیب دیده همراه است. جنگ بر روان زنان ما یک جور آسیب وارد می‌کند، کودکان را به نوعی دیگر و مردان هم از منطری دیگر. ترس، نگرانی، پایین آمدن اعتماد به نفس، سوگ ناشی از دست دادن افراد خانواده و... همه و همه عوارض ناشی از جنگ هستند که باید برای آن چاره کرد. من با مثال خدمت شما عرض می‌کنم کودکی که



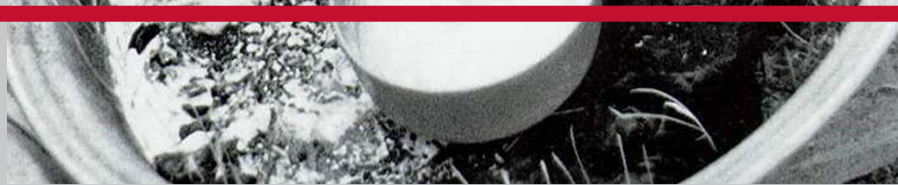
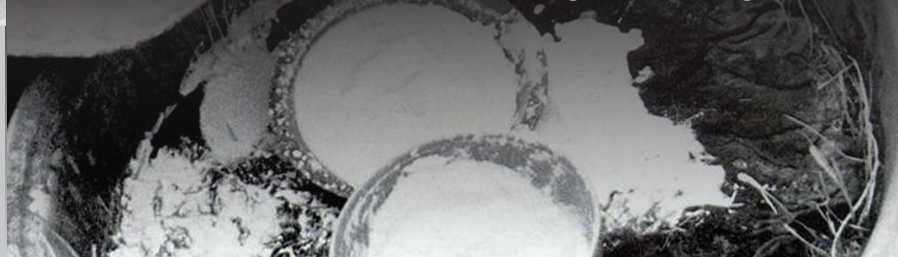
در معرض بمباران قرار گرفته است و از نزدیک شهادت افراد خانواده را دیده است، جسدهای متلاشی شده را دیده است و.. چگونه می‌تواند این مساله را هضم کند، این کودک که صاحب ایدئولوژی نیست که درک کند این مرگ

جنگ و بیماری‌های ناشی از آن

روی ناخوش جنگ

● شهین رضایی

در تمام دنیا جنگ پدیده زشت و منفوری است، کمتر کسی در دنیا پیدا می‌شود که نگاه مثبتی به جنگ داشته باشد. چرا که جنگ یعنی ویرانی، یعنی از دست رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی یک سرزمین. در کشور ما اما جنگ دو روی سکه داشت. یک رویی که انسجام و وحدت و روحیه ایثار و مقاومت مردم بود و روی دیگرش همان زشتی‌ها و پلشتی‌های جنگ است. در این شماره از مجله شاهد جوان به سراغ دو تن از کارشناسان کاردرمانی و روانشناسی رفته‌ایم تا از زشتی‌های جنگ بگویند.





این کارشناس ارشد روانشناسی می‌گوید: با گذشت سال‌ها از جنگ من با هر صدای بلندی از جا می‌پرسم و ذهنم به سمت و سوی بمباران می‌رود و دچار تپش قلب می‌شوم. یا مادر یکی از دوستانم همیشه می‌گوید زود شامتون را بخورید، شاید گفتند جنگ شده فرار کنید. می‌بینیم جنگ و کشتار تمام شده است ولی هنوز تبعات آن باقی است. شاید اگر در کنار ما یک روانشناس یا مشاور بود ما کمتر دچار آسیب می‌شدیم.

«جنگ، اندوه و دیگر هیچ»

لیلی دارای کارشناس کاردرمانی، فرزند شهید و ساکن شهر جنگ‌زده دهلران هم معتقد است که جنگ به جز خسارت چیزی به دنبال ندارد و می‌گوید:

من تعجب می‌کنم از کسانی که بر طبل جنگ می‌کوبند و فکر می‌کنند در جنگ حلوا، خیرات می‌شود. شک ندارم پدر من که جانش را کف دست گذاشت و به جبهه رفت هم جنگ را دوست نداشت اما موظف بود برای دفاع از ناموس و ارزش‌ها از کشورش دفاع کند. مقوله دفاع با جنگ فرق دارد.

دارایی می‌گوید: عوارض منفی جنگ در تمام حوزه‌ها قابل ملاحظه است. در حوزه اقتصاد، اجتماع، فرهنگ و سلامت جنگ مهمترین سرمایه ما، یعنی جوانان فعال و نیروی تولید کار و اندیشه را از ما گرفت، فرصت

بی‌بازگشت و خونین بی‌مرگی نیست و شهادت است، روح و روانش به چالش کشیده می‌شود. یا زنی که همسرش در جبهه حضور دارد و مدام در استرس و نگرانی به سر می‌برد که آیا مرد خانه‌اش این بار سالم بر می‌گردد یا نه؟ من متأسفم که عده‌ای برای جانبازان اعصاب و روان، واژه موجی را به کار می‌برند، اما این یک واقعیت است که موج ناشی از انفجار یک مرد قوی و با ایدئولوژی محکم را تا مرز جنون می‌برد. بنابراین جنگ اثر مستقیم بر سلامت روحی و روانی مردم دارد. اینکه هر لحظه منتظر باشی که خانه‌ات بر سرت آوار شود، هر آن منتظر شنیدن خبر شهادت عزیزت باشی ... همه و همه تو را به سمت بیماری می‌برد.

ناده‌علی‌پور در ادامه می‌گوید: جنگ با صلح تمام نمی‌شود، بعد از پایان جنگ عوارض تازه‌تری بروز پیدا می‌کنند، خرابی‌های جنگ، بیکاری‌های ناشی از جنگ، جای خالی عزیزانی که رفته‌اند و در بهیوه جنگ به دلیل درگیری با خود جنگ زیاد نمود پیدا نمی‌کرد، دیدن جوانانی که مجروح و زمین‌گیر شده‌اند خود منجر به مشکلات تازه‌تری می‌شود.

من از نزدیک دیده‌ام همسران شهیدی که به خاطر جنگ و به دلیل اینکه برای خود یک رسالت تعریف کرده‌اند و مجبور بودند یک سری خط قرمزهای بی‌دلیل برای خود تعریف کنند و مثل مرد زندگی کنند در میانسالی با بیماری‌های مختلفی دست به گریبان هستند. که این فشارها

وی اضافه می‌کند که: اصلاً نیازی به گفتن نیست که بگوییم جنگ سلامت مردم را به خطر می‌اندازد. چه کسانی که به عنوان رزمنده و مستقیم درگیر جنگ هستند چه شهروندانی که در پشت جبهه هستند.

رزمنده‌ای که در خط مقدم است به مراتب اوضاع بهتری نسبت به شهروندان دارد. رزمنده از خطرات آگاه است و برای خود آرمانی دارد که آن پذیرش آن خطرات را آسان می‌کند. اما شهروندانی که در پشت جبهه هستند در یک بلا تکلیفی هستند. نمی‌دانند در معرض بمباران قرار می‌گیرند یا نه؟ همیشه نگران هستند. نگران خودشان، خانه و کاشانه و بعضاً عزیزانی که در خط مقدم جبهه هستند.

اما از بحث مشکلات و آسیب‌های روانی که بگذریم، یک سری مشکلات دیگر هم هستند که به طور خلاصه به آن اشاره می‌کنم.



مشکلات ناشی از بمباران‌های شیمیایی، مشکلات ناشی از معلولیت و مجروحیت، از دست دادن بینایی، قطع عضو و... و البته یک سری مشکلات اجتماعی ناشی از مشکلات روانی که بحث دیگری را می‌طلبد.

ازدواج را از بسیاری دختران دم‌بخت آن روزگار ما گرفت و بعد ما با طیفی از دختران مجرد با سن و سال بالا روبرو هستیم که مردان احتمالی زندگیشان شهید شدند و امروز با مشکلات روحی خاص خودشان روبرو هستند.

منجر به سکنه وسیع قلبی در آن‌ها شده است. فرزندان شهید هم به نوعی دیگر. یا خانواده جانبازان اعصاب و روان که از لحاظ روحی و روانی واقعا در فشار هستند و باید در کنار این بزرگواران یک مشاور یا روانشناس حضور داشته باشد.



امامزاده باباگرگر



حمام تاریخی قصلان



تپه تاریخی قصلان

قروه نماد وحدت و انسجام کردستان

این شهر در دشت وسیعی در ۹۰ کیلومتری شرق سنندج و شمال غربی همدان در طول جاده سنندج همدان توسعه یافته است مرکز حکومت این شهر در گذشته روستائی به نام قصلان در ۸ کیلومتری محل قروه امروزی بوده است که توسط امان. خان بزرگ والی کردستان در محوطه آن بناهایی از قبیل: قلعه، عمارت، مسجد حمام و باغ و بیشه بزرگی احداث شده بود و اکنون آثار بعضی از آن‌ها باقی مانده است. در حال حاضر شهر قروه به علت قرار گیری در مسیر جاده همدان - تهران و موقعیت طبیعی آن از لحاظ دشت‌های بزرگ کشاورزی و کانسارهای معدنی به مهمترین شهر استان از لحاظ کشاورزی، صنعتی و معدنی تبدیل شده است به طوری که انواع سنگ‌های ساختمانی و تزئینی معادن این شهر به کشورهای اروپائی و عربی صادر می‌گردد همچنین ذوب آهن کردستان و برخی واحدهای صنعتی دیگر در این شهرستان احداث شده اند در حال حاضر قروه به دلیل وجود چشمه آب گرم معدنی مورد توجه مسافران و گردشگرانی است که به این شهر سفر می‌کنند.

مهمترین جاذبه‌های گردشگری شهرستان قروه:

دریاچه سراب کوثر، چشمه آب معدنی و امامزاده باباگرگر، حمام تاریخی قصلان، منطقه حفاظت شده پدر و پریشان، کوه و امامزاده شیدا، پل تاریخی فرهادآباد، آثار صخره‌ای کوه فرهاد تراش روستای وینسار، روستای شوند، تپه‌های تاریخی قصلان، غار و صخره‌های تاریخی فرهاد تاش (وینسار)، تپه محمود میمنت آباد، چشمه باباگرگر(دنگز)، آبشار سنگین آباد، مسجد جامع قروه با قدمت ۹۰۰ سال، کوه کولوا.



روستای شوند



مسجد جامع قروه



کوه کولوا نماد قروه



منطقه حفاظت شده بدر و پریشان



آبشار سنگین آباد



صخره‌های تاریخی فرهاد تاش



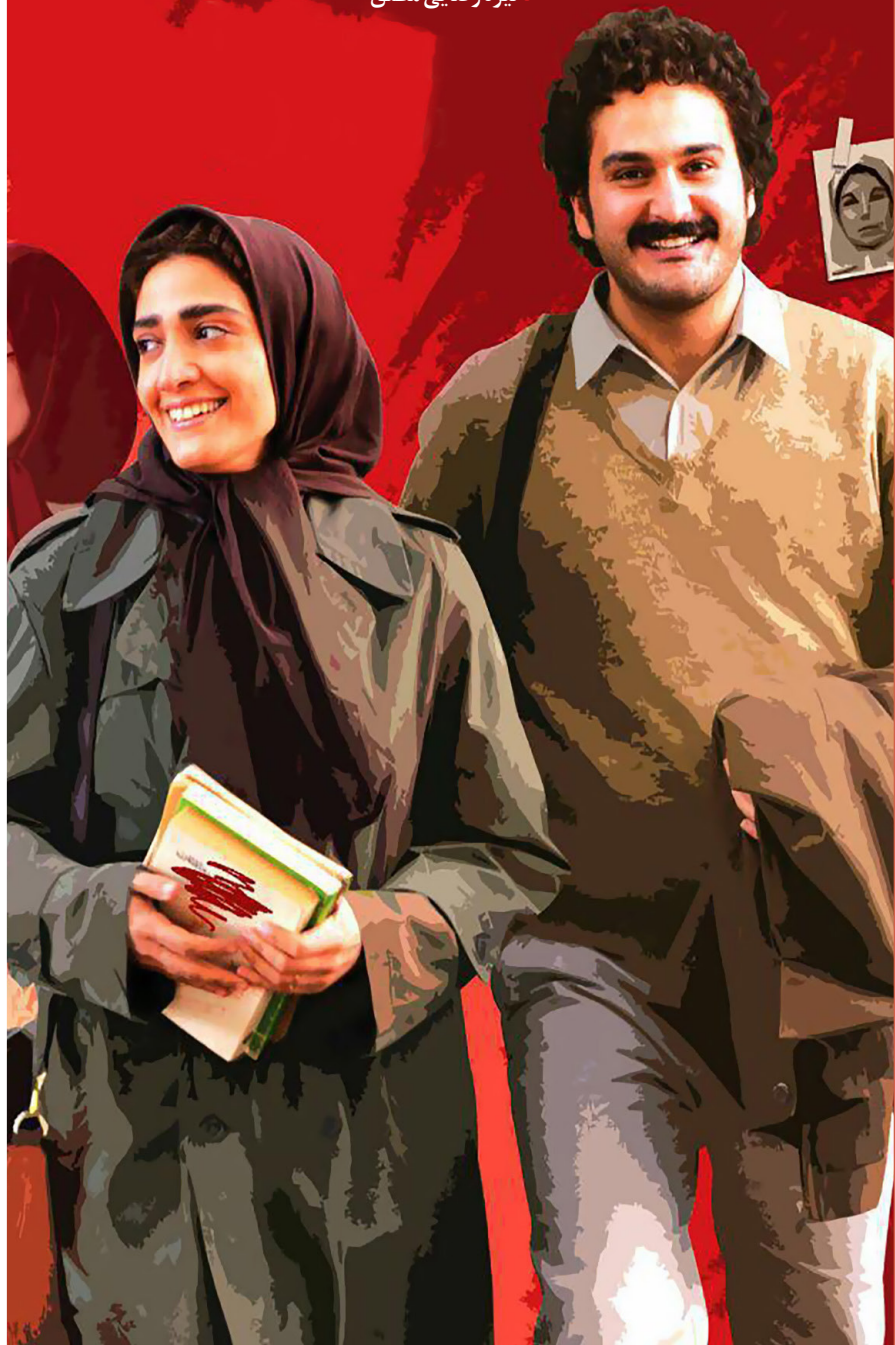
«امکان مینا» با رفتن به دهه شصت، و طرح موضوعی که ما امروز با آن دست به گریبانیم نشان می‌دهد که گروهی به وجود آمده که جوان‌ها را دارد جذب می‌کند و روشش تروریستی است. اگر جامعه ما در آن دوران دچار بحران شد حالا جهان با این موضوع درگیر است.

درباره فیلم «امکان مینا» و روزگار تروریست‌های دهه ۶۰

امکانی هراسناک، رنج‌آور وامکان یک فاجعه

○ نیره رضایی مطلق

فیلم «امکان مینا» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی که در ۹ رشته نامزد دریافت سیمرغ از جشنواره سی و چهارم فیلم فجر شد اثری است که با چالش‌ها و نقدهایی متفاوتی روبرو بوده‌است. میلاد کی‌مرام و مینا ساداتی بازیگران اصلی این اثر به شمار می‌روند و فیلم در کارنامه سازندگانش اثری خاص به شمار می‌آید. «امکان مینا» هجدهمین اثر کمال تبریزی یکی از با تجربه‌ترین فیلمسازانی است که متنوع‌ترین کارها را به لحاظ تنوع گونه‌های فیلمسازی در کارنامه‌اش دارد. در کارنامه تبریزی از فیلم کمیک (مارمولک، لیلی با من است، همیشه پای یک زن در میان است، طبقه حساس) گرفته تا فیلم‌های جدی (یک تکه نان، شیدا) و از فیلم‌های کودک و نوجوان گرفته (مهرمادری) تا فیلم‌های سوررئال (گاهی به آسمان نگاه کن) و هنری (فرش ایرانی) و حتی سیاسی (خیابان‌های آرام و از رئیس‌جمهور پاداش نگیرید) دیده می‌شود و این تنوع فیلمسازی نگاه فیلمساز را به موضوعات پیرامونش نشان می‌دهد. اما اینکه او به ساختن فیلم سیاسی آن هم از نوع اطلاعاتی‌اش در ایران روی می‌آورد نشانه جسارت و تجربه‌گرایی اوست که با توجه به زمانه‌ای که جهان با داعش دست به گریبان است، پرداختن به موضوعی مثل فعالیت گروهک‌ها در اوایل انقلاب می‌تواند موضوع روز جامعه ما محسوب شود. «امکان مینا» فیلمی سیاسی و معمایی است که برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران را به تصویر می‌کشد. دوره‌ای که بازماندگانش هنوز زنده‌اند و البته در سرخط خبرهای روز حضور دارند. نشست سالانه منافقین در فرانسه و دعوت عربستان از سرکرده گروهک تروریستی منافقین برای حج نشان از حساس بودن موضوع و اهمیت شناساندن این گروهک تروریستی به مخاطبان دارد. به همین دلیل است که بسیاری از شاهدان عینی وقایع دهه ۶۰ از عملکرد گروهک‌های مسلح با گرایش‌های فکری افراطی خاطره خوشی ندارند و آنها را در کنار گروه‌هایی همچون داعش، بوکوحرام و... که برای ترویج عقایدشان راهی جز کشتار ندارند می‌گذارند. «امکان مینا» با رفتن به دهه شصت، و طرح موضوعی که ما امروز با آن دست به گریبانیم نشان می‌دهد که گروهی به وجود آمده که جوان‌ها را دارد جذب می‌کند و روشش تروریستی است. اگر جامعه ما در آن دوران دچار بحران شد حالا جهان با این موضوع درگیر است. یعنی گروهی که با بمب‌گذاری در اماکن عمومی و مختل کردن زندگی مردم عادی می‌خواهند ابراز وجود کند. جهان با این طرز تفکر مشکل پیدا کرده چنانچه ما در دهه شصت با آن مسئله داشتیم. از این بابت فیلم گرچه اتفاقاتش در دهه شصت شکل گرفته ولی به روز است و به همین خاطر آدم‌ها نسبت به آن حساسیت پیدا می‌کنند. به همین دلیل می‌توان به این نتیجه رسید که «امکان مینا» در قامت یک فیلم عاشقانه - سیاسی به خوبی رخدادهای دهه‌ی ۶۰ را در ژانر مورد علاقه مخاطب، به تصویر کشیده‌است.



«فیلمی عاشقانه، نه سیاسی و امنیتی»

مهران و مینا، زوج جوانی هستند که در سال‌های جنگ تحمیلی، زندگی عاشقانه‌ای دارند. مهران یک خبرنگار متعهد است و مینا هم همسر باردار اوست و به نظر می‌رسد تولد این نوزاد، پیوند عاشقانه آنها را محکم‌تر خواهد کرد، اما کمی که داستان جلوتر می‌رود، می‌فهمیم که این زندگی روی تلخ و وحشتناکی هم دارد؛ مینا عضو و در واقع جاسوس گروهک تروریستی منافقین است که اخبار و اطلاعات مجرمانه همسرش را به بالا دستی‌ها منتقل می‌کند. از طرف دیگر به مینا گفته می‌شود که حق بچه‌دار شدن ندارد و باید جنینش را سقط کند. وقتی مهران پی به این واقعیت‌های تلخ می‌برد و شک و تردیدش نسبت به خیانت همسرش، به یقین تبدیل می‌شود، باید تصمیمی اساسی برای سرنوشت و ادامه زندگی مشترکشان بگیرد. در «امکان مینا» مخاطب با دو موضوع روبروست. یکی رابطه عاطفی بین این دو نفر و دیگر رابطه‌ای که میان کاراکترها وجود دارد. خبرنگاری که خیلی کله شق است و فکر می‌کند باید نقد کند و هر چه می‌خواهد بنویسد. آدمی که دلش می‌خواهد اصولش را همه بپذیرند. کاراکتر مینا در بخشی از فیلم به عنوان یک راز مطرح می‌شود و بعد از این که راز برملا می‌شود می‌بینیم که او تبدیل شده به آدم مبارزی که دچار شک شده است. چون از او می‌خواهند همسرش را که عاشقانه دوست دارد از بین ببرد. در این مورد مخاطب با خود می‌اندیشد که مینا چرا باید وارد همین سیستمی شود؟ دلش چه بوده؟ می‌بینیم که دوست نزدیک مینا از بین رفته و حالا مینا می‌خواهد مسیر او را ادامه دهد چون نسبت به او یک حس جانبدارانه دارد. این خیلی می‌توانست روی مینا تأثیر بگذارد و تأثیرش هم خیلی منفی است. مینا دچار احساسات می‌شود و نماینده آدم‌هایی است که فکر می‌کنند آدم مبارزی هستند و حالا که زندگی و عمرشان را برای مبارزه با رژیم شاه گذاشته‌اند باید آن را ادامه دهند. داستان مینا حکایت تمام هوادارانی است که دچار یک عاطفی شده و به راحتی جذب این گروه شده‌اند. اما در ادامه بر سر یک دو راهی قرار می‌گیرند. به همین دلیل مخاطب دائما کشمکش مینا را می‌بیند و به خصوص از وقتی که به او اسلحه و سیانور می‌دهند و می‌خواهند بچه‌اش را بنذارد مخاطب شرایط او را درک می‌کند. با این حال فیلم خیلی اسیر و درگیر روابط خارج از این دو نفر نمی‌شود و دنبال روایت قصه خودش و رابطه‌ای که بین مهران و مینا وجود دارد می‌رود. ضمن اینکه از ویژگی‌های بارز «امکان مینا» غیرقابل پیش‌بینی بودن فیلم تا انتها و غافلگیری مخاطب در تمام لحظات است. قصه و ساخت این فیلم اگر بر نمودار سینوسی مورد بررسی قرار گیرد همواره فراز دارد و فرودی در تمامی داستان مشاهده نمی‌شود. هسته اصلی، قصه عاشقانه این زن و مرد جوان است و فیلم به خوبی روایت این عشق و دلدادگی، شک و خیانت

را از گروهک «شرف» جدا دانسته است. او راوی شخصیت‌هایی است که هنوز روحیات انسانی در آنها وجود دارد، همه‌شان خانواده دارند و در عین حال درگیر مناسبات سیاسی می‌شوند. در این میان میلاد کی‌مرام نیز نقش اصلی مرد قصه، یعنی خبرنگاری به نام مهران را بازی می‌کند؛ جوانی متأهل و عاشق همسر و بچه در راهش، اما به یکباره همه چیز تغییر می‌کند و او باید آمادگی مواجهه با واقعیتی تلخ را داشته باشد. کی‌مرام تلاش می‌کند، تصویری باورپذیر از این موقعیت دردناک و غیرقابل هضم ارائه دهد.

نکته قابل توجه دیگر در این فیلم عدم ورود داستان فرهاد توحیدی نویسنده فیلمنامه به لایه‌های امنیتی است. داستان با آدم‌هایی شکل گرفته که هر دو دارای پیشینه‌های آشنا هستند و داستان خیلی خود را اسیر و درگیر روابط میان سیستم امنیتی و فعالیت نیروهای سپاه یا بسیج نمی‌کند بلکه دنبال روایت قصه خودش است و رابطه‌ای که بین مهران و مینا وجود دارد برایش مهمتر است. داستان از کنار خیلی چیزها رد می‌شود و روی انهدام این دو نفر و خانواده‌شان تأکید می‌کند و بقیه آدم‌ها در بک گراند ماجرا حضور پیدا می‌کنند. در واقع تیریزی بدون اینکه قصد ساخت فیلم سیاسی یا اطلاعاتی داشته باشد دست به ساخت یک فیلم عاشقانه زده است که به تدریج به سمت انهدام می‌رود. بنابراین هدف اصلی فیلمنامه این است که بگوید مسائل این گونه روی زندگی آدم‌ها می‌تواند تأثیر مخرب داشته باشد. این نقد را می‌توان با یادداشت کمال تبریزی، کارگردان فیلم به پایان برد: «باید مراقب بود... لحظه‌هایی در زندگی عاشقانه هست که می‌تواند خطرناک باشد! دروغ و خیانت، امکان تغییر مسیر سرنوشت را به دنبال دارند! چهره‌ها می‌توانند نقاب‌های متفاوت باشند! باید مراقب بود!... رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی امکانی جبران‌ناپذیر را فراهم می‌کنند! امکانی هراسناک!... امکانی رنج‌آور!... امکانی که در اختیار ناگزیر یک زن قرار گرفته است!... امکان یک فاجعه!... امکان مینا!»

را به مخاطب ارائه می‌دهد و شاید بازی خوب بازیگران و پرداختن به موضوعی که می‌تواند هر یک از ما در زندگی روزمره دچار سردرگمی کند، از دیگر نقاط قوت این فیلم باشد. درباره انتخاب نام فیلم هم هوشمندی‌ای دیده می‌شود. امکان یک اصطلاح تشکیلاتی است که مورد استفاده منافقین بوده است و ظاهراً جزء ادبیات آن دوره به معنی خانه تیمی است. در جایی از فیلم گفته می‌شود «این‌ها همه مثل مینا، یک امکان هستند». یعنی به آدم‌ها به عنوان ابزار نگاه می‌کنند. تا اینجا قابل استفاده هستند و اگر نشد دورشان می‌اندازیم. در تشکیلات فرقه‌ای این اتفاقات زیاد است که افراد از جایی به بعد به درد نمی‌خورند و ترور فیزیکی یا شخصیتی می‌شوند.

از سوی دیگر می‌توان شخصیت مینا را نمادی از تردید میان خانواده و سازمان دانست. مینا ساداتی که با بازی در «عیار ۱۴» پرویز شهبازی، تا اندازه‌ای دیده شد و با «زخم ششانه حوا» به کارگردانی حسین قناعت و «سعادت آباد» مازیار میری، نقش‌های غافلگیرکننده‌ای داشت توانست با «خانه پدری» کیانوش عیاری و «برف» مهدی رحمانی فارغ از اندازه و کمیت نقش، بازی خوبی را ارائه دهد. اما سوای درخشش او در نقش آمنه، مادر گرامی پیامبر اسلام در فیلم «محمد رسول الله» ساخته مجید مجیدی بسیاری از مخاطبان او را با بازی‌اش در سریال «تنهایی لیلا» به کارگردانی محمدحسین لطیفی به خاطر می‌آورند. او تلاش کرده در «امکان مینا» نقشی دشوار را برعهده بگیرد. دشوار از این جهت که او باید مدام و در لحظه، تغییر چهره دهد. او به خوبی تردید حفظ یک زندگی عاشقانه و اجرای بی‌چون و چرای اوامر منافقین را در بازی‌اش نشان داده، دوگانگی خیلی از این آدم‌ها را به نمایش بگذارد. اینکه او مجبور است با روی زنانگی‌شان بگذارد و دنبال عقایدش برود نکته مهم بازیگری اوست. هر چند کمال تبریزی کاملاً آگاهانه تلاش کرده با این فیلم درباره یک‌سری افراد در برهه‌ای از زمان در ایران صحبت می‌کند و مشخص است که آنها



گفت و گو با میلاد کی مرام، بازیگر فیلم‌های «ملکه» و «امکان مینا»

برای درآوردن بسیاری از صحنه‌ها نیازمند سکوت لحظه‌ای هستم

فاطمه امجدیان

است. اغلب بازیگران ما اهل ریسک کردن نیستند و من از ابتدای حضورم در این حرفه مصمم شدم که دچار تکرار و کلیشه نشوم و به دنبال حضور در نقش‌های متفاوت باشم.

درست همان موقع که شما در تلویزیون با سریال‌های مخاطب پسند داشتید معروف می‌شدید با انتخاب فیلم «ملکه» نشان دادید که دنبال موقعیت‌های متفاوت هستید؟

«ملکه» فیلمی قهرمان محور داشت که بار دراماتیک قصه‌اش بردوش شخصیت اصلی داستان یعنی سیاوش است. روایت و فرم این فیلم مخصوص همان سینمایی است که باشه آهنگر دنبال می‌کند و این فیلم برای من تجربه حضور در کنار کسانی بود که همگی در کار خود خبره و در عین حال بسیار ارزشمند و محترم هستند.

چطور شد که نقش اول فیلم را به شما سپردند؟

شاید بهتر است بگویم قسمتم شد. می‌دانم که قبل از من با دیگران هم صحبت شده بود اما یک روز قبل از سفر گروه به آبادان با من صحبت شد و قرارداد بسته شد. مسلماً اولش کمی می‌ترسیدم و مطمئن نبودم اما خوشبختانه نتیجه مثبتی گرفتم. شخصیت سیاوش را چگونه دیدید؟

سیاوش یک دیده‌بان است و از آن بالا همه را می‌بیند و می‌داند که کسی نمی‌تواند او را ببیند. یک جاهایی او در مورد کشتن یا نکشتن آدم‌ها هم تصمیم می‌گیرد. او خیلی وقت‌ها می‌تواند بکشد اما این کار را نمی‌کند و حتی جلوی آن افسر عراقی را که قصد خودکشی دارد، می‌گیرد.

شما بارها در این شخصیت فرو رفتید و با آن زندگی کردید. قهرمان فیلم «ملکه» چه باید می‌کرد تا این اثر همانی شود که کارگردان در ذهنش بود؟

سیاوش دیده بان جدیدی است که به پالایشگاه مرزی آمده است. او در عین جسارت و انگیزه‌ای که برای حضور درست در این نقطه حساس مرزی دارد، شخصیتی است که به شکلی درونی با وجدان و فطرت انسانی خودش هم درگیر است. آدمی که در میان حوادث خط مرزی و انفجار و گلوله هنوز ندای درونش را می‌شنود. من باید برای تبدیل شدن سیاوش به قهرمان باید این کشمکش درونی را نشان می‌دادم.

و به سیر و سلوکی عرفانی دست پیدا می‌کند و گویی مانند «سیاوش» اسطوره‌ای، از دل آتش عبور می‌کند تا به رستگاری برسد.

علاقه سیاوش به زنبور و تمثیلی که عنوان فیلم را می‌سازد برآیم فکر شده و جالب توجه بود. نامیرایی ملکه اصل داستان است. وقتی به کندو تهاجم می‌شود، تمام سربازهای کارگر برای دفاع از کندو آماده‌اند و اگر نیش بزنند نیش در بدن مهاجم گیر می‌کند و وقتی خودشان را عقب می‌کشند می‌میرند؛ آنها جانشان را می‌دهد و از خانه‌شان محافظت می‌کنند. اما ملکه وقتی نیش می‌زند نیشش گیر نمی‌کند. ملکه می‌ماند و نامیرایی ملکه در دفاع، مثل نامیرایی سیاوش است. او همیشه هست.

سیاوش بود که در موقعیت بغرنجی گرفتار می‌شد و باید بر تردیدهایش غلبه می‌کرد. کی مرام این روزها فیلم «امکان مینا» ساخته کمال تبریزی را روی پرده سینماها دارد. این بازیگر سینما این بار با حضور در نقش مهران توانسته در کارنامه خود یک تجربه تازه‌یی داشته باشد که قطعاً برای هر بازیگری خاطره‌انگیز است. او با ما از تجربه جدید سینمایی‌اش می‌گوید.

میلاد کی مرام را بازیگری می‌دانند که به عنوان یک بازیگر جوان در سینمای ایران در همان ابتدای کار پس از چند حضور توانسته جوایزی را از جشنواره فیلم فجر و جشن خانه سینما دریافت کند که شاید این اتفاق کمتر برای بازیگری در همان ابتدای ورودش می‌افتد. می‌دانم که رسیدن به چنین جایگاهی برای شما بسیار سخت بوده و البته تشویق‌های اینچنینی مسیر را برای شما سخت‌تر کرده‌است؟

در کارنامه کاری من آثار و نقش آفرین‌های متفاوتی دیده می‌شود چون معتقدم یک بازیگر نباید فقط نقش‌هایی را قبول کند که مردم دوستش داشته باشند چرا که تکرار یک نقش مثبت آدم را به ورطه تکرار می‌اندازد. همان‌طور که گفتید من مسیر سختی را طی کردم تا به این جا برسم اما مطلع بودم که افت سینما ماندن در یک نقش

میلاد کی مرام، بازیگر جوان سینمای ایران مسیر بازیگری‌اش را پله پله طی کرده و با کسب تجربه توانسته جایگاه خود را تثبیت کند. بازیگری که از بازی در مجموعه‌های تلویزیونی و نقش‌های کوتاه و مکمل کارش را شروع کرد و به تدریج استعداد خود را نشان داد. بازی در سریال‌هایی مانند «شب هزار و یکم»، «بچه‌های نسبتا بد» و «نابرده رنج» از او تصویری مناسب ترسیم کرد و راه را برای دیده شدنش در پرده عریض سینما فراهم کرد. انتخاب‌های درستی همچون حضور در «ملکه»، «خط ویژه» ساخته مصطفی کیایی و «مستانه» که به واسطه آنها جوایز ارزشمندی را هم از جشنواره فیلم فجر و جشن سینمای ایران دریافت کرد، مسیر دیگری برای او ترسیم کرد. او در فیلم پربازیگر «خط ویژه»، خودی نشان داد و در فیلم حادثه‌ای ۳۶۰ درجه ساخته سام قربیبیان هم جواب اعتماد کارگردان را داد و بازی خوبی به عنوان یک جوان زخم خورده به نمایش گذاشت. در «مستانه» حسین فرحبخش هم یک نقش منفور را خوب از آب درآورد و در نقش سمیر «بچه‌های نسبتا بد» سیروس مقدم هم بازی تحسین شده‌ای ارائه داد، اما یکی از بهترین نقش آفرینی‌های این بازیگر در فیلم تحسین شده و دفاع مقدسی «ملکه» ساخته محمدعلی باشه آهنگر ارائه شد؛ او در این اثر، دیده بانی به نام

سیاوش در فضای جنگ به فکر پرورش زنبور است، اشاره خوبی که به تعلق خاطر او به زندگی در دل یک فضای سخت جنگی اشاره می‌کند خود شما از این فضا چه نتیجه‌ای گرفتید؟

یادم است که در زمان اکران عده‌ای می‌پرسیدند که آیا واقعا جنوب محل زیست زنبور است. در واقع زنبور در مناطق مختلف جنگلی، جلگه‌ای و حتی کویری هم می‌تواند زندگی کند. در قسمتی از فیلم، از سیاوش می‌پرسند که فکر می‌کنی زنبورها از کجا آمده‌اند، و او می‌گوید: «فرض کن از عراق». برای من زنبور مرزی را نمی‌شناسد و درک این حرف ارزش خاص فیلم را نشان می‌دهد. به نظرم ملکه نشان داد که هنوز هم حرف‌های ناگفته زیادی از دفاع مقدس مانده و همچنان می‌توان در این مسیر فیلم ساخت. کندوهای عسل، نام‌های نمادین شخصیت‌ها، تأکید بر جلوه عارفانه دیدگاه و... اثری پرمعنی و دلنشین خلق کرد.

یادم هست که در همان زمان اکران نیز بسیاری بر متفاوت بودن داستان و فضای فیلم تأکید می‌کردند.

«ملکه» فیلمی نو در گونه سینمای دفاع مقدس است. تکرار همکاری این فیلمساز با محمدرضا گوه‌ری، فیلمنامه‌نویس مستقل که آثار قابل دفاعی به خصوص در حوزه سینمای جنگ خلق کرده از امتیازهای بالقوه فیلم بود. این دو از ورای گذر بیش از دو دهه به جنگ ایران و عراق نگاه کردند و درک درستی از آن در گذر زمان و رسیدن به زمان حال داشتند.

از بازی در نقش مهران بگوئید؟ چطور شد برای این نقش انتخاب شدید؟

مثل هر بازیگر دیگری برای من هم مهم بود که با چه کسی کار کنم. به هر حال نام کمال تبریزی و منوچهر محمدی، هر بازیگری را برای کار کردن با آنها تحریک می‌کند. وقتی فیلمنامه را خواندم نقش مهران را خیلی دوست داشتم. اتفاقاتی که برای شخصیت مهران رخ می‌داد، برای هر کسی جذاب بود و دلیل محکمی برای انتخابم بود.

چقدر شخصیت مهران را از میان آدم‌های واقعی و مستندات موجود درک کردید؟

من و خانم ساداتی با دوستانی که در آن دوره حضور داشتند خیلی صحبت کردیم؛ حتی کسانی که از سازمان بریده و به عراق و پاریس رفته بودند و احساس کردند همه چیز فریب بزرگی بوده است. آنها برگشته بودند و از تجربیات شخصی، عاطفی و حسی‌شان با ما صحبت کردند. بخشی از این صحبت‌ها مربوط به خانم ساداتی بود و اینکه نگاه سازمان به هوادارانش چگونه شکل گرفت و از این دست موضوعات. با این حال در حد نیاز شخصیت مهران خودم را درگیر این اتفاقات کردم.

بازیگران نقش مقابل شما چقدر در این درک مؤثر بودند؟

من فکر می‌کنم بخشی از توانایی یک بازیگر به درک درست نقش برمی‌گردد و اینکه نقش را

درست فهمیده باشد. یعنی با شخصیت ارتباط نزدیک برقرار کند. چگونگی و چرایی شخصیت را بفهمد. مشخص است که بخشی از این ارتباط به تعامل با کارگردان و هماهنگی به لحاظ رفتاری و نوع بیان و گفتار مربوط می‌شود. من و خانم ساداتی تا آنجا که در توان‌مان بود بسیار در صحنه انعطاف‌پذیر بودیم و از تکنیک و احساس که باید آن لحظه از خود بروز می‌دادیم، استفاده کردیم. من برای درآوردن بسیاری از صحنه‌ها نیازمند سکوت لحظه‌ای هستم و تمرکز روی نقش برایم مهم است. هم من و هم مینا ساداتی باید تداعی معانی در ذهن‌مان شکل می‌گرفت و وقتی حس می‌کردیم موقعش است، بازی را شروع می‌کردیم.

و کارگردانی چطور؟

اولین چیزی که در «امکان مینا» برایم مهم بود، اطمینان از محتوای آن فضا بود. در دورخوانی‌های معمول حواسم به بالا و پایین‌های حسی نقش بود و اینکه چگونه از یک موقعیت به موقعیت دیگر حرکت کنم.

همه سعی‌ام این بود که این رفت و آمد خیلی باورپذیر باشد. مطمئنا از آقای تبریزی بسیار کمک گرفتم. مدام با هم صحبت می‌کردیم. البته جاهایی هم با آقای محمدی صحبت می‌کردم. و ایشان هم راهنمای خوبی بود.

سخت‌ترین و تأثیرگذارترین پلانی که در این فیلم بازی کردید، چه بود؟

وقتی می‌دانی اگر حسی را به دروغ بازی کنی تماشاچی

می‌فهمد خودت را مجاب می‌کنی که نقشات را درست بازی کنی. سکاسی بود که من به شاهرخ فروتنیان می‌گویم تو بگو من چه کار کنم. مهران پس از این همه چالش‌ها با بچه‌های اطلاعات دچار جنون می‌شود. او می‌گوید می‌توانی آرام باشی؟! و مهران می‌گوید که خیلی مسخره است چطور باید آرام باشم. این سکاس را درعین حال که می‌خندیدم و همزمان اشک می‌ریختم بازی کردم. باید واقعا دچار جنون می‌شدم. می‌گفتم خیلی خب آرام هستم اما باید یک چیزی از درونم من را به هیجان وامی‌داشت چون متوجه خیانت همسرم شده بودم. من داشتم نقش همسری را بازی می‌کردم که با این بحران در دهه شصت روبرو است. زمانی که عشق و خیانت در خانواده‌ها مفهوم دیگری داشت. در دورانی که همه صداقت داشتند، خیانت واژه پرکاربرد نبود و من باید تمام این قضایا را نشان می‌دادم. یادم هست که بعد از آن سکاس واقعا یک روز غمگین بودم.

به عنوان سوال پایانی چقدر از وجودتان را سر صحنه می‌آوردید و خود کی مرام چه وجهی از نقش‌هایتان را در برمی‌گیرند؟

به نظرم همه بازیگران بخشی از خودشان را در نقش‌ها همراه دارند. من همواره می‌خواستم نقش‌های متفاوتی انتخاب کنم. مسلم است که شخصیت من و نقش‌هایی که در «مستانه» و «امکان مینا»، «ملکه» هستم هیچ ربطی به هم ندارند. اما در تک‌تک این کاراکترها از میلاد کی مرام بی‌شک وجود دارد.



جشنواره‌های برای سینمای جنگ

«تینوا» اشاره کرد.

دومین جشنواره / ۱۳۶۶ - تهران

در این دوره فیلم «سپاه، مردم و کربلا» به عنوان بهترین اثر مستند کوتاه و «زندگی در ارتفاعات» بهترین مستند بلند شدند و فیلم «پرواز در شب» رسول ملاقلی‌پور بهترین فیلم بلند داستانی شد و جایزه کارگردانی را جواد شمقدری برای «کربلای ۵» دریافت کرد.

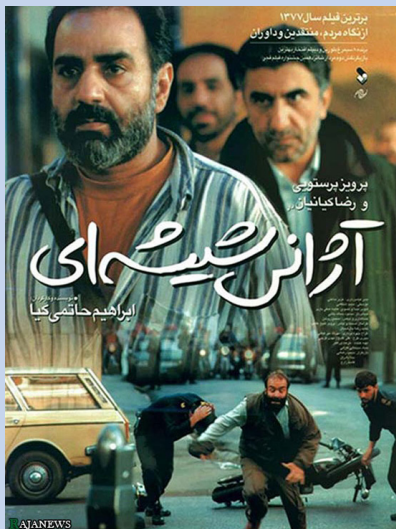
سومین جشنواره / ۱۳۶۹ - تهران و اهواز

در این دوره ابراهیم حاتمی‌کیا برای دو فیلم «دیده‌بان» و «مهاجر» بهترین کارگردان شد و «دیده‌بان» این کارگردان نیز جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. در بخش فیلم کوتاه هم «مرثیه حلبچه» به کارگردانی عزیزاله حمیدنژاد برگزیده شد.

چهارمین جشنواره / ۱۳۷۱ - کرمان

«هور در آتش» عزیزاله حمیدنژاد جوایز اصلی چهارمین جشنواره را دریافت کرد.

پنجمین جشنواره / ۱۳۷۳ - خوزستان



این دوره جشنواره به طور همزمان در استان‌های خوزستان و تهران برگزار شد و برای نخستین بار فیلم‌های ویدئویی در بخش مسابقه با یکدیگر به رقابت پرداختند.

«سجاده آتش» به کارگردانی احمد مرادپور بهترین فیلم جشنواره شد و کمال تبریزی برای فیلم «پایان کودکی» جایزه کارگردانی و علی اکبر قاضی نظام برای «پایان کودکی» جایزه فیلمنامه را دریافت کردند.

ششمین جشنواره / ۱۳۷۵ - فارس

نام گرفته است. در کشور ما نیز با وقوع جنگ تحمیلی، هنرمندان هنر هفتم وارد عرصه شدند و فیلم‌هایی با این مضمون ساختند، به دلیل اهمیت آن کم کم مسئولان و متولیان امر به این نتیجه رسیدند که باید جشنواره‌ای باشد و نگاه ویژه‌ای به این مقوله شود.

جشنواره فیلم دفاع مقدس، سابقه‌ای برابر با ۳۳ سال دارد که در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شکل گرفت و در ابتدا به صورت



هفته فیلم و در سال‌های بعد به صورت یادواره برگزار شد و در نهایت به «جشنواره» ای سینمایی تبدیل شد.

اولین جشنواره / ۱۳۶۲ - تهران

در بحبوحه جنگ تحمیلی و همزمان با گرامیداشت هفته دفاع مقدس، نخستین جشنواره در قالب هفته فیلم در محوطه پارک دانشجو و تئاتر شهر برگزار شد. از جمله فیلم‌های به نمایش در آمده در این دوره می‌توان به «آوای غریب»، «ما ایستاده‌ایم»، «سقای تشنه لب»، «دیوار عاشقان» و

یکی از ژانرهای سینمایی، ژانر جنگی است. به جرات می‌توان گفت که سینمای جنگی، با سینما به دنیا آمده و قدمتی به اندازه سینما دارد. قبل از آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ ژانر جنگی شاید به صورت مستقل مفهومی نداشت اما پس از درگیر شدن اروپایی‌ها در این جنگ؛ فیلم‌های خبری و مستندهای گزارشی که طی سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ ساخته شدند به نوعی پایه گذار این نوع سینما بودند.

ژانر جنگی به نوعی مربوط به فرهنگ ملت‌هاست.



پس از جنگ جهانی اول بسیاری از کشورهای اروپایی نسبت به ساخت و سازهای سینمایی اقدام کردند. سینمای داستانی جنگی؛ در واقع بیانگر رشادتها و ایثارگری‌های جوانان این کشورها بود. بدیهی است بسیاری از این فیلم‌ها براساس وقایع حقیقی تاریخ جنگ ساخته نمی‌شدند. اما هر چه بود این فیلم‌ها با ملیت و فرهنگ کشورهای اروپایی گره خورده بود.

با این همه در ابتدای جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از پایان آن و در طی سال‌های ۱۹۴۵ تاکنون ژانر جنگی یکی از مهم‌ترین گونه‌های سینمایی

در این دوره جشنواره عبدالحسن برزیده برای فیلم «دکل» جایزه کارگردانی گرفت و رسول ملاقلی‌پور هم برای فیلم «سفر به چزابه» به عنوان بهترین فیلمنامه‌نویس انتخاب شد. همچنین از تهیه‌کنندگان فیلم‌های «سفر به چزابه»، «دکل»، «آخرین مرحله»، «قله دنیا»، و «حمله به اچ ۳» تقدیر شد.

هفتمین جشنواره / ۱۳۷۷ - همدان

در این دوره «ژانس شیشه‌ای» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا بهترین فیلم و سعید سهیلی سازنده «مردی شبیه باران» بهترین کارگردان شدند. در این دور محمد حسین حقیقی برای فیلم «ماه و خورشید» جایزه بهترین فیلمنامه را دریافت کرد.

هشتمین جشنواره / ۱۳۷۹ - تهران

همزمان با گرامیداشت بیستمین سال حماسه دفاع مقدس از ۷ تا ۱۲ مهرماه برگزار شد و سه فیلم «دفتری از آسمان» (پرویز شیخ طادی)، «نیمه گمشده» (محمدعلی باشه آهنگر)، «هیوا» (رسول ملاقلی‌پور) به ترتیب الفبا به عنوان آثار

دهمین جشنواره / ۱۳۸۴ - تهران

در این دوره «ترکش‌های صلح» (علی شاه حاتمی) به عنوان بهترین اثر شناخته شد. رسول ملاقلی‌پور جایزه بهترین کارگردانی را برای «مزرعه پدری» گرفت و جایزه فیلمنامه هم به علی شاه‌حاتمی برای «ترکش‌های صلح» رسید.

این دوره شاید جنجالی‌ترین دوره جشنواره بود چرا که برای نخستین بار با ۳ سال فاصله (از سال ۶۹ به این سو) برگزار می‌شد؛ این دوره قرار بود طبق جدول در سال ۸۳ برگزار شود اما مشکلاتی که به وجود آمد باعث شد برگزاری آن از بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس به انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس محول شود. این انجمن نیز با همکاری معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن را در سینما فلسطین و سپیده و ۶ دانشگاه تهران برگزار کرد.

یازدهمین جشنواره / ۱۳۸۹ - تهران

یازدهمین دوره جشنواره هم پس از وقفه‌ای ۵ ساله از تاریخ ۲۹ شهریور تا ۲ مهرماه ۱۳۸۹ به دبیری محمد خزاعی برگزار شد که این بار با

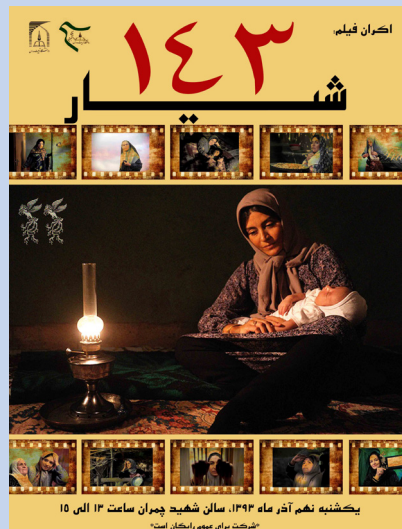
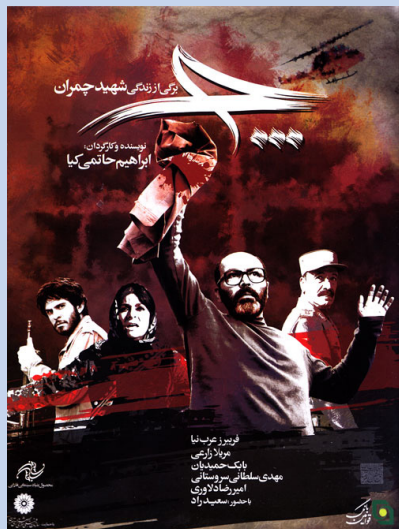
دوازدهمین جشنواره / ۱۳۹۱ - کرمان

براساس آرای هیات داوران در بخش فیلم‌های سینمایی بخش بین‌الملل، تندیس بهترین فیلم به فیلم «ملکه» به کارگردانی «محمدعلی باشه آهنگر» از ایران و تهیه‌کنندگی مرحوم «سیدابوالقاسم حسینی» اهدا شد.

جایزه ویژه هیات داوران در این بخش به فیلم «روزهای زندگی» به کارگردانی «پرویز شیخ طادی» تعلق گرفت.

دیپلم افتخار بهترین کارگردانی نیز به «همایون اسعدیان» برای ساخت فیلم «بوسیدن روی ماه» و «محمدعلی باشه آهنگر» برای ساخت فیلم «ملکه» رسید و جایزه نقدی، تندیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی به «پرویز شیخ طادی» برای فیلم «روزهای زندگی» اهدا شد.

همچنین جایزه نقدی، دیپلم افتخار و تندیس جشنواره برای بهترین فیلم به «روزهای زندگی» به «سعید سعدی» تهیه‌کننده این فیلم اختصاص یافت. فیلم سینمایی «بوسیدن روی ماه» به کارگردانی «همایون اسعدیان» و تهیه‌کنندگی «منوچهر محمدی» نیز بهترین فیلم برگزیده تماشاگران



معرفی و از عوامل آن تقدیر شد. سیزدهمین جشنواره / شهریور ۱۳۹۳ - تهران

بهترین فیلم: «چ» به تهیه‌کنندگی بنیاد سینمایی فارابی

بهترین کارگردانی: ابراهیم حاتمی‌کیا برای «چ» دیپلم افتخار: نرگس آبیاری برای «شیار ۱۴۳» و احسان عبدی‌پور برای «تنهای تنهای تنها»

بهترین فیلمنامه: نرگس آبیاری برای «شیار ۱۴۳» چهاردهمین جشنواره / ۱۳۹۵ - تهران منتظر برگزار این جشنواره هستیم.

عنوان مقاومت، دایره فیلم‌ها را از دفاع مقدس فراتر کرد و به آثار مرتبط با این موضوع در دیگر کشورها نیز پرداخت و در بخشی نیز آثار سی سال انقلاب اسلامی ایران مرور شد.

در این دوره تندیس کارگردانی به محمدعلی باشه آهنگر به خاطر کارگردانی فیلم‌های «بیداری رویاها» و «فرزندخاک» و بهترین فیلم به «فرزندخاک» به تهیه‌کنندگی سیداحمد میرعلایی اهدا شد.

دوره یازدهم جشنواره برای اولین بار با رویکرد بین‌المللی و بصورت همزمان در خارج از ایران نیز برگزار شد.

برتر معرفی شدند. فیلم‌های «مهاجر»، «هور در آتش»، «سفر به چزابه»، «لیلی با من است» و «کیمیا» هم به عنوان آثار برگزیده ۲۰ سال سینمای دفاع مقدس انتخاب شدند.

نهمین جشنواره / ۱۳۸۱ - مشهد

در این جشنواره «مزرعه پدری» رسول ملاقلی‌پور بهترین فیلم شد و احمد رضا درویش برای «دوئل» و عزیزاله حمیدنژاد برای «شک سرما» به ترتیب بهترین کارگردان و بهترین فیلمنامه‌نویس شدند.

دستاوردهای ایران زمین

نرم افزار تبدیل متن فارسی به گفتار با صدای انسان

با نهایه شدن پروژه آریانا ۳ توسط متخصصان شرکت عصر گویش پرداز، امکان تبدیل متن فارسی به گفتار با صدای انسان محقق شد. هادی ویسی، مدیرعامل شرکت عصر گویش پرداز، با اشاره به توانمندی این شرکت در تولید نرم افزارهای با موضوع متن و گفتار، افزود: آریانا ۳، عنوان نرم افزار تکامل یافته تبدیل متن فارسی به گفتار، با صدای طبیعی انسان توسط متخصصان این شرکت ایرانی است که به تازگی تهیه و تولید شده است. تبدیل متن فارسی به گفتار با صدایی طبیعی این فعال فناوری، ویرایشگر اختصاصی، توانایی خواندن علائم نگارشی و تاریخ را از ویژگی های آریانا ۳ برشمرد و افزود: این نرم افزار قادر است متن ورودی را به صورت فایل صوتی نیز تولید کند که این قابلیت برای ارائه دهندگان نرم افزارهای چندرسانه ای و تولیدکنندگان محتوا مانند کتاب های الکترونیکی بسیار کارآمد خواهد بود.

ویسی، با اشاره به کاربردهای گسترده تبدیل متن به گفتار (text-to-speech) به عنوان یکی از حوزه های هوش مصنوعی، اظهار کرد: اگرچه نرم افزارهای تبدیل نوشته به صدا در زبان هایی مانند انگلیسی دارای کیفیت بالایی است اما کارهای قبلی انجام شده در زبان فارسی برای خواندن متن توسط کامپیوتر که عمدتاً برای استفاده توسط نابینایان ساخته شده است، دارای صدای ماشینی بوده و چندان طبیعی نیستند.



ساخت اسکنر هوشمند کف مخزن



پژوهش های کاربردی در زمینه روش MFL و طراحی و ساخت نمونه های آزمایشی گوناگون، در نهایت موفق به طراحی و ساخت نمونه مهندسی اولیه از این تجهیزات گذارد. پس از ۲ سال از ساخت نمونه اولیه و تجربیات حاصل از اسکن بیش از ۲۵۰۰۰ مترمربع از مخازن کشور به وسیله این دستگاه، شرکت هوشمند سازان جهان در سال ۱۳۹۴ موفق به طراحی و ساخت نمونه جدید اسکنر MFL کف مخازن و قابل رقابت با بهترین نمونه های خارجی شده است. بیشترین کاربرد این روش در بازرسی فنی خوردگی در خطوط لوله و مخازن ذخیره روی زمین می باشد. اساس این روش در مغناطیس کردن ناحیه مورد بازرسی و اندازه گیری میدان نشستی در محل های کاهش ضخامت یافته در ساختار فلزی می باشد. این مقادیر معیاری از میزان خوردگی در سطح آسیب دیده ارائه می نماید.

نقطه قوت اصلی در این روش میزان سطح بازرسی شده در واحد زمان یا به عبارتی سرعت اسکن سطحی می باشد. این قابلیت به همراه امکان تشخیص و تفکیک عیوب در سطح داخلی و خارجی اسکن و همچنین قابلیت اطمینان در نمایش قطعی نقاط خوردگی، روش MFL را یک روش مطمئن و کاربردی در زمینه بازرسی فنی سطوح فلزی نموده است.

تازه های علمی...

۳۸

ساخت بازی رایانه ای بارویکرد ترویج

سبک زندگی اسلامی

بازی رایانه ای ماجراجویانه سفر جنجالی، نخستین بازی رایانه ای تخصصی در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی به زودی در دسترس عموم قرا خواهد گرفت. حجت الاسلام و المسلمین حبیب داستانی بنیسی مدیرعامل شرکت دانش بنیان رسانه گستر بنیسی، در مورد این بازی چنین گفت: سفر جنجالی عنوان رسمی ترین بازی رایانه ای تولید شده به منظور معرفی و نهادینه سازی شیوه و سبک اسلامی ایرانی و فرهنگ - سازی و ترویج اقتصاد دانش بنیان است که داستان آن در یک تمدن فرضی و بسیار زیبا روی می دهد، تمدنی که از روستا و شهرهایی تشکیل شده و هر یک از آنها دارای اماکن متعددی هستند. مدیر عامل این شرکت فناوری در خصوص انگیزه ورودی به ساخت بازی های رایانه ای با محتوای ارزشی گفت: هم اکنون در کشور نزدیک به ۱۸ میلیون بازی باز (Gamer) داریم که قریب به ۲ ساعت از شبانه روز را برای بازی وقت می گذارند و قاعدتاً زمان این افراد در طول ماه با بازی هایی پر می شود که دشمنان اسلام و انقلاب آنها را به وجود آورده اند و با توجه به جذابیت های فوق العاده و تأثیرگذاری مخربی که این بازی ها دارند، نیاز به حضور مجموعه ای در این بخش بود که بتواند هم صاحب نوآوری باشد و هم بتواند کارهای با کیفیتی ارائه دهد. وی ادامه داد: شرکت ما توانسته بر پایه علم مبتنی بر دانش، یک شرکت کارآفرین باشد و بازی هایی با ارزش های اسلامی و ایرانی، همچون مجموعه بازی های رایانه ای عملیات انهدام را تولید و روانه بازار کند و در حقیقت، از دانش درآمدزایی ایجاد کرده و فرهنگ خودی را نیز ترویج کند. این شرکت بازی ساز رسمی ترین مجموعه سازنده بازی های رایانه ای فاخر ارزشی در کشور است و تاکنون موفق به تولید و تهیه ۳ محصول با نام های عملیات انهدام ۱: نبرد فو، عملیات انهدام ۲: نبرد خرمشهر و سفر جنجالی و دریافت جوایز و مقام های استانی، ملی و بین المللی شده است.





کشف گونه نادر از جلبک‌های آهکی

گونه جدیدی از جلبک‌های آهکی توسط عضو استعدادهای درخشان باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد شناسایی و کشف شد. دکتر مرتضی طاهرپور خلیل‌آباد، عضو هیات علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با همکاری دکتر Barattolo از کشور ایتالیا و مهدی اشرفی، فارغ‌التحصیل رشته زمین‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد موفق به کشف گونه‌ای جدید و نادر از جلبک‌های آهکی که متعلق به ۶۶ میلیون سال قبل است، شد. وی نام Parthica را برای این گونه از جلبک‌های آهکی انتخاب کرد. این دستاورد پژوهشی ارزشمند، در قالب یک مقاله علمی در جدیدترین شماره مجله Acta Paleontologica Romaniae که دارای درجه علمی ISI است، به چاپ رسیده است.

دستگاه وجین کن برنج عرضه شد

دستگاه وجین کن برنج به منظور مبارزه با علف‌های هرز، در دو نوبت پس از نشاکاری در مزارع شالیزاری که به صورت مکانیزه کشت شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. حبیب ربیعیان مدیرعامل شرکت دانش بنیان طبرستان با اشاره به تأثیر استفاده از این دستگاه در بهبود اثرگذاری در کود اضافه شده به زمین بیان کرد: طرح تولید وجین کن برنج یک طرح تقاضا محور بر اساس نیاز بخش کشاورزی کشور است و در راستای دستیابی به دانش فنی و تولید آن اجرا شد. در این راستا ابتدا تکنولوژی‌های وارداتی بومی سازی شده و بر اساس شرایط زراعی موجود بهینه سازی شده است.

ربیعیان افزود: به کارگیری دستگاه وجین کن پس از انجام عملیات نشاکاری باعث حذف علف‌های هرز موجود در اطراف بوته‌های نشا شده، هوادهی به خاک، خروج گازهای سمی از اطراف ریشه گیاه و اختلاط بهتر کود با خاک و در نهایت سبب اثرگذاری بهتر کود اضافه شده به زمین شود. گفتنی است این شرکت با تولید دستگاه وجین کن برنج در سومین مراسم رونمایی از دستاوردهای دانش بنیان صندوق نوآوری و شکوفایی حضور داشت.



تولید صنعتی ماشین کارتینگ در ایران



تولید ماشین کارتینگ برای اولین بار در ایران به صورت انبوه و با بالاترین استاندارد و کیفیت ممکن در منطقه پس از مطالعات فراوان و بررسی امکانات موجود به مرحله تولید و فروش رسیده است. احمد صالحی دربکی فراهانی مدیرعامل شرکت مینکران ورزش صنعت رضوان چنین گفت: محصول تولید ایران با کیفیت نمونه‌های اروپایی که پرچمدار تولید این محصول در جهان هستند و پیشینه‌ای چندین ساله در تولید این محصول دارند برابری می‌کند. کیفیت این محصول بنا به گفته کارشناسان و خبرگان این رشته نه تنها قابل رقابت با برندهای خارجی هست بلکه در طراحی بعضی قطعات حتی جلوتر از بهترین تولید کنندگان می‌باشد. این خودرو در حقیقت

مهندسی معکوس شده نمونه‌های خارجی و موجود در بازار آن است که مورد بازسازی و بهینه‌سازی قرار گرفته است. به طوری که می‌توان گفت براساس شرایط اقلیمی ایران نیز مطابقت قابل قبولی دارد. در تولید این محصول تماماً از مواد اولیه با کیفیت استفاده شده است و تمام مراحل تولید با نظارت دقیق صورت می‌گیرد.

ماشین کارتینگ تولید داخل از دو جهت کیفیت و قیمت با نمونه‌های خارجی کاملاً رقابتی است به طوری که نمونه داخلی آن تقریباً یک سوم قیمت نمونه خارجی را دارد. در حال حاضر خط تولید کارتینگ برای ۳۰ نفر به طور مستقیم و برای ۵۰ نفر به طور غیر مستقیم اشتغال زایی کرده است.

منبع: ایران توانا

حاکم قلب‌ها که باشی، خدم و حشم نمی‌خواهی!

ساعت و نیم بود. شهید کاظمی بدون تامل گفت: فردا به نوسود می‌روم. خواستم از این تصمیم منصرفش کنم، اما فایده نداشت. فردای آن روز خودش تک و تنها به نوسود رفت. شهید کاظمی به بچه‌های نوسود گفته بود: «جاده پاوه برای مردم نوسود باز است، هر کسی به شهر ما بیاید قدمش بر روی چشم، ما آماده پذیرایی هستیم؛ هر کسی نمی‌آید گله‌مند نباشد، او هوادار ما نیست.» این حرکت شهید کاظمی موجب شد تعداد زیادی از مردم نوسود به پاوه بیایند.

وقتی شهید کاظمی به نوسود رفت من دلهره داشتم. سعی می‌کردم نروم؛ چون کسی از نوسود جان سالم به در نمی‌برد. شهید کاظمی با شهامت رفت و برگشت.

نوسود سقوط کرده بود و شهر به کلی دست گروهک‌های ضد انقلاب بود. حمله‌ای به فرماندهی شهید ناصر کاظمی برای تصرف گروهک‌ها در نوسود شروع شد. تعداد زیادی از پیشمرگان کرد و پاسداران در منطقه‌ای به اسم «بیلد» هلی‌برد کردند؛ شهید کاظمی نیروهای زیادی را پیاده کرد و مقداری در منطقه پیشروی کردند. در همین زمان هواپیماهای عراقی وارد عمل شده، منطقه را بمباران و در جنگ دخالت کردند. شهید کاظمی همان‌جا زخمی شد.

منطقه نوسود خالی از نیروهای پاسدار بود. مردمی که

شروع به هدف قرار دادن شهر پاوه کرده بودند. هر روز عصرها از بالای کوه آتشکده شهر را خمپاره‌باران می‌کردند. شهید کاظمی به همراه تیمی از بچه‌های پاوه به کوه رفت و اکیپ خمپاره‌انداز را منهدم کرد.

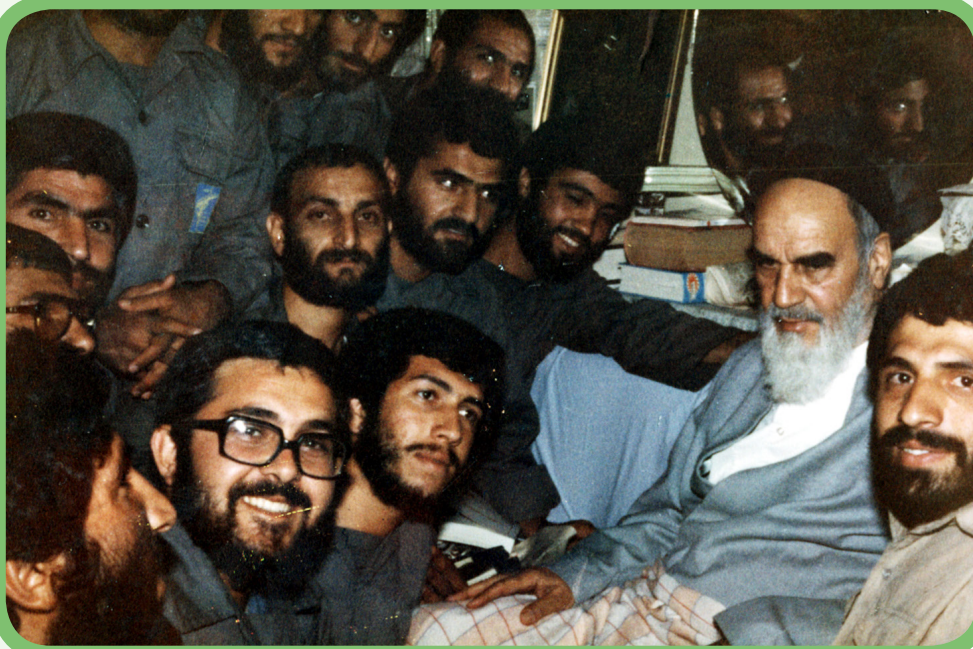
گروهک‌ها همه شهرهای کردستان را گرفته بودند؛ تنها جای در امان مانده از دست آن‌ها شهر پاوه بود. من با حکم شهید کاظمی شهردار پاوه بودم. شب هنگام نزد شهید کاظمی رفتم و از وضعیت نوسود خبر دادم که مردم وضعیت بدی دارند. شهر در محاصره است و مردم گرسنگی می‌کشند و خیلی ناراحتند، فکری به حالشان کنید. شاید آذوقه و غذا و نانی به دستشان برسد.

فاصله پاوه تا نوسود به دلیل نامساعد بودن جاده یک

«جمیل صافی‌پور» یکی از پیشمرگان کرد و مدافعان شهر پاوه در غائله ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ است که با ورود «شهید ناصر کاظمی» به شهر پاوه از سوی ایشان به مسئولیت‌های متعددی منصوب شده است. صافی‌پور از سوی شهید کاظمی به سمت‌هایی از جمله معاون فرمانداری شهر پاوه، شهردار پاوه، بخشدار مرکزی، بخشدار باینگان، بخشدار نودشه و چندین مسئولیت مختلف دیگر منصوب شد. متن زیر حاصل گفت‌وگوی «جمیل صافی‌پور» دوست و هم‌رزم شهید کاظمی در شهر پاوه با خبرگزاری دفاع پرس است؛ که در ادامه می‌خوانید.

درگیری‌های پاوه به غائله ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ ختم نشد. «شهید ناصر کاظمی» سال ۵۹ به پاوه آمد؛ او هم‌زمان فرماندار و فرمانده سپاه شد. تازه گروهک‌ها





خواهان انقلاب بودند به پناه و سایر مناطق آمده بودند و کسانی هم که در آنجا بودند یا با گروهک‌ها بودند و یا راهی جز همراهی با آن‌ها نداشتند. شهید کاظمی همراه با شهید «عزت کریمی» یکی از بچه‌های پناه که در همان حمله به شهادت رسید، زخمی شد. وقتی هواپیماها آمدند و تعداد زیادی از بچه‌ها به شهادت رسیدند شهید کاظمی مجبور شد تعدادی از شهدا را در روستایی از همان منطقه خاکسپاری کند.

معجزه‌ای که باعث زنده ماندن شهید کاظمی شد
شهید کاظمی آن شب با یکی از بچه‌ها در منطقه مانده بود. شب از روخانه سیروان که یکی از رودخانه‌های خروشان منطقه است بدون راهنما عبور کرده بودند. خدا معجزه کرده بود؛ علی‌رغم زخم عمیقی که داشت از رودخانه سلامت گذشته بودند. شهید کاظمی تعریف می‌کرد: «شب در کوه بودیم و تصمیم گرفتیم به پناه بیایم. راه افتادیم و نزدیک‌های صبح که هوا داشت روشن می‌شد، دیدیم ما تازه به بالای سر مقر گروهک‌ها رسیده‌ایم. نای راه رفتن نداشتیم، به رزمندگانی که همراهم بود، گفتم برو شاید بتوانی نیروی کمکی بیآوری.» توکلی برگشته بود و بچه‌های ما که در روستای نجار مستقر بودند همراه او آمده بودند. در همین حین شهید کاظمی پس از کمی استراحت راه افتاده بود و در همان جایی که نشسته بود یک یادداشت گذاشته بود که من به طرف پناه حرکت کردم.

شهید کاظمی خودش را به پناه رساند و او را به بیمارستان بردیم و مورد عمل جراحی قرار گرفت. بعد از عمل به تهران رفت و یک هفته بعد برگشت. روزی که شهید کاظمی عمل شد همان روز از تخت بلند شد و اجازه نداد یک نفر زیر بغلش را بگیرد!

آخرین حرف‌های «کاک ناصر» در فراق شهدا
یک روز در جاده نودسه مشغول جاده‌سازی بودیم. بولدوزر کار می‌کرد و آتش ضد انقلاب هم روی جاده ساکت نمی‌شد. کاک ناصر در آن موقعیت به من گفت: «من هوس بهشت زهرا کرده‌ام؛ باید به تهران بروم. امشب به کرمانشاه می‌روم و فردا می‌خواهم بهشت زهرا را بزنم. تو هر روز به جاده سر بز و مواظب کار باش». جاده خیلی خطرناک بود. توپخانه ضد انقلاب هر لحظه کار می‌کرد. شهید کاظمی رفت و ۲ روز بعد برگشت. وقتی همدیگر را دیدیم، گفت: «دلم تنگ شده، همه بچه‌ها بهشت زهرا هستند؛ غیر از من. آنجا فقط جای من خالی است.»

بعد از این ماجرا مدتی گذشت و شهید رجایی در سفری به پناه آمد. سال ۱۳۶۰ بود که شهید

دستگیر کنید، مرد هستید. شهید کاظمی رفت و او را آزاد کرد و چند روز بعد به او اسلحه داد. وقتی حمله به نودسه شروع شد، در اولین قله منطقه نودسه اولین شهید همان شخص آزاد شده از سوی شهید کاظمی بود.

شهید کاظمی در قلب مردم جا داشت. او هیچ وقت محافظ نداشت و بدون هیچ خدم و حشم در پناه رفت و آمد می‌کرد. از گروهک‌ها هیچ باکی نداشت. ساده با مردم صحبت می‌کرد؛ هر هفته در نماز جمعه با مردم بود. عادت داشت همیشه دست به محاسنش می‌کشید و فکر می‌کرد. رفتار و برخورد شهید کاظمی و شهید حدادعادل همیشه در دل و قلب بچه‌های پناه ماند.

شهید کاظمی علاوه بر روحیه هدایتگری، جاذبه و دافعه داشت. معتقدم بچه‌هایی که سال ۵۸ همراه انقلاب بودند هیچ ناخالصی نداشتند. همه برای انقلاب و امام (ره) آماده فداکاری بودند. شهید کاظمی در بحرانی‌ترین موقعیت به پناه آمد. وقتی از پناه رفت، هسته‌های سپاه و بسیج مستقر شده بود.

وقتی ناصر کاظمی به شهادت رسید، به تهران رفتیم. من در مراسم تشییع او صحبت کردم. به همسر ایشان گفتم: شما شهید کاظمی را نشناختید و همسر ایشان هم گفتند: «نه!

من فقط ۲ ماه با ایشان زندگی کردم. همه آن ۲ ماه هم ایشان در جبهه بود و من فرصت مناسبی برای شناخت ایشان نداشتم. شما دوست و هم‌رزم او بودید و او را خوب می‌شناسید.»

کاظمی به سبندج رفت. همان‌جا عملیات محمد رسول‌الله (ص) را رهبری کرد و تعداد زیادی عراقی اسیر و مقداری زیادی از خاک کشورمان را آزاد کردند.

ضدانقلاب‌هایی که جذب شهید کاظمی شدند
کاش شهید کاظمی به خاطر هنر و خدمتی که داشت هنوز در میان ما بود. او به بچه‌های بومی احترام می‌گذاشت. همین مسئله باعث پیشرفت کارش می‌شد. کارهایی انجام می‌داد که کسی نمی‌توانست، انجام دهد. یکی از نودسه‌ای‌ها عضو گروهک‌های ضد انقلاب بود. به ما پیغام داده بود که پشیمان هستم و می‌خواهم برگردم. شهید کاظمی در جواب گفت: بیا. وقتی برگشته بود بچه‌های پناه در غیاب شهید کاظمی او را بازداشت کرده بودند.

معاون بخشداری نوسود به من زنگ زد و گفت به ما قول داده بودید کاری به کسانی که پشیمان هستند نداشته باشید، اما شما شخصی که آمده را بازداشت کرده‌اید. شهید کاظمی در منطقه بود. با او تماس گرفتم و موضوع را مطرح کردم. شهید کاظمی به سپاه زنگ زد و گفت این شخص را آزاد کنید. فرمانده سپاه نوسود گفت این شخص گروهکی بوده است. شهید کاظمی گفت این شخص با پای خودش تسلیم شده او را آزاد کنید. آن‌ها قبول نکردند.

شهید کاظمی گفت: من همین الان به زندان می‌آیم و دست این آقا را می‌گیرم و همان‌جایی می‌برم که بوده؛ شما اگر به همراه ۲۰۰ نیرو توانستید او را



بازنگری در ريو؛

۸ مدال به نیت امام هشتم

کاروان ورزشی ایران با نام امام رضا (ع) در المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو در ۱۴ رشته کشتی آزاد و فرنگی، وزنه‌برداری، تکواندو، بوکس، تیراندازی، تیر و کمان، قایقرانی، تنیس روی میز، دوچرخه‌سواری، دوومیدانی، شمشیربازی، والیبال، جودو و شنا شرکت کرد. رویدادی که هر چهار سال چند هزار ورزشکار و مربی و دست‌اندرکار را گرد هم می‌آورد تا در بزرگترین آوردگاه ورزشی بشر، ورزشکارانی از بیش از دویست کشور دنیا به رقابت بپردازند و شاید ۱۰ درصد آنها دستشان به مدال برسد.

وزنه‌برداری، تکواندو، کشتی آزاد و فرنگی، تنها رشته‌هایی بودند که موفق شدند هشت مدال (۳ طلا، یک نقره و ۴ برنز) را برای ایران به دست بیاورند تا کاروان ایران در جدول رده‌بندی کشورهای مدال‌آور بیست و پنجم شود. ایران در دوره پیشین و در المپیک لندن در رده هفدهم قرار گرفته بود. هر چند المپیک ۲۰۱۶ از نظر مرغوبیت مدال دومین المپیک موفق کشورمان در ۱۶ دوره حضورمان محسوب می‌شود، اما از نظر جایگاه ما افت محسوسی داشتیم که اگر ورزشکاران ما کمی خوش شانس‌تر بودند امکان تکرار جایگاه قبلی یا حتی کسب جایگاه بهتر هم متصور بود.

«» مدال آوران

کیانوش رستمی و سهراب مرادی در وزنه‌برداری و حسن یزدانی در کشتی آزاد سه طلایی کاروان ایران در ريو بودند. مدال‌هایی که هر کدام رنگ و بوی خاصی داشتند.

کیانوش رستمی رکورد مجموع دنیا و المپیک را شکست و در شبی تاریخی و در رقابتی میلیمتری حریف چینی خود را پشت سر گذاشت تا نقره دوره پیشین خود را تبدیل به طلا کند. سهراب مرادی با زحمت و در لحظات آخر المپیکی شد و پس از نزدیک به چهار سال محرومیت برای اثبات خود به طلا رسید و حسن یزدانی هم پس از ۱۶ سال کشتی آزاد را صاحب مدال طلای المپیک کرد تا نوید کشتی‌گیری جوان و جسور را بدهد.

کمیل قاسمی تنها مدال‌آور نقره ایران در المپیک ريو بود. شاید کمیل اگر کم نمی‌آورد او هم در رده دارندگان مدال طلا قرار می‌گرفت و در جدول چهار پله ما را بالاتر می‌برد. با این وجود کمیل قاسمی در المپیک دو مداله شد تا پر افتخارترین سنگین وزن کشتی باشد.

سعید عبدولی و قاسم رضایی در کشتی فرنگی، حسن رحیمی در کشتی آزاد و کیمیا علیزاده در تکواندو توانستند ایران را صاحب ۴ مدال برنز کنند.

ایران در المپیک لندن صاحب ۴ مدال طلا، ۶ نقره و ۲ برنز شد (با احتساب تغییر رنگ مدال کیانوش رستمی) اما در این دوره نتوانست حتی تعداد مدال طلای خود را به عدد چهار برساند.

«» در یک قدمی مدال

در شمشیربازی سایر، مجتبی عابدینی تا پای کسب مدال پیش رفت که در نهایت موفق نشد اما مقام چهارمی او پیشرفتی برای این رشته ورزشی محسوب می‌شود. عابدینی اسیر داورها در مسابقه ماقبل فینال شد و اگر امتیازها درست داده می‌شد حالا او اولین مدال‌آور شمشیربازی ایران در المپیک می‌شد. با این وجود این برای نخستین بار بود که شمشیربازی از ایران موفق شده بود به چنین سطحی از المپیک برسد.

اما تیراندازی نیز در حالی که در المپیک لندن یک فینالیست داشت (ششمی الهه احمدی)، در بازی‌های ريو دو فینالیست داشت که در نهایت الهه





تکواندو

هم در بخش مردان

برخلاف دوره‌های قبلی المپیک نتوانست مدال آور باشد و از المپیک سیدنی (اولین دوره برگزاری تکواندو در المپیک) تاکنون این نخستین دوره‌ای است که ایران در بخش مردان مدالی کسب نکرده است. هر سه تکواندوکار مرد کشورمان در دسته برترین‌های تکواندو جهان بودند ولی هر کدام پس از دیگری از دور رقابت‌ها حذف شدند.

در مقابل، کیمیا علیزاده توانست اولین مدال المپیک را در تاریخ ورزش بانوان ایران به دست آورد و همچنین تکواندوی بانوان را صاحب مدال کند. برنزی که کیمیا علیزاده به دست آورد چیزی کم از مدال طلا نداشت و او با ۱۸ سال سن هنوز راه دور و درازی در پیش دارد و در صورت مداومت می‌تواند در تاریخ ورزش ایران به چهره‌ای ماندگار تبدیل شود. هر چند تا همین جای کار هم موفقیت او در تاریخ ورزش ایران ثبت و ماندگار شده است. در دوومیدانی نیز از نظر مدالی شرایط ایران خوب نبود. احسان حدادی تنها شانس ایران در المپیک نتوانست مدال آوری خود را در المپیک تکرار کند و حتی به فینال هم نرسید.

اما حسن تفتیان دست به کار بزرگی زد و موفق شد برای نخستین بار راهی نیمه نهایی دوی ۱۰۰ متر شود تا از این نظر نتیجه خوبی برای کاروان دوومیدانی ایران ثبت شود. هرچند دیگر نفرات تیم ملی دوومیدانی در المپیک دور از انتظار ظاهر شدند.

والیبال هم که برای اولین بار سهمیه المپیک گرفته بود، در مرحله یک چهارم نهایی از دور رقابت‌ها کنار رفت. تیمی متوسط که نتوانست خود را به جمع ۸ تیم برتر برساند و در این مرحله توسط ایتالیای همیشه مدعی حذف شد.

سایر رشته‌ها نیز نتایج چشمگیری نداشتند و ورزشکارانشان در همان مراحل اول و یا رتبه‌هایی نه چندان خوب از دور خارج شده، چمدان‌هایشان را بسته و به کشور برگشتند تا در نهایت کاروان

ورزشی کشورمان با هشت مدال به کشور بازگردد.

چشم انتظار توکیو

مشعل المپیک در ریو خاموش شد تا از یکی دو سال دیگر اولین مسابقات کسب سهمیه در رشته‌های مختلف آغاز شود و ورزشکاران در تکاپوی چهار سال دیگر و المپیک ۲۰۲۰ در توکیو شوند. سرزمین آفتاب تابان چهار سال دیگر مرکز ورزشی دنیا برای چند هزار ورزشکار با تابعیت ۲۰۰ کشور دنیا خواهد بود که تنها یک چهارم کشورهای شرکت کننده در آن به مدال دست خواهند یافت و هیجان از زمان حرکت مشعل المپیک در حوالی کوه المپ یونان تا روشن شدن آن در کشور میزبان آغاز خواهد شد و با خاموش شدن این شعله‌ها در مراسم اختتامیه فروکش خواهد کرد.

ورزش ایران در کنار حرکت پر افت و خیز خود و ظهور و سقوط ستارگان مختلف، همچنان چشم انتظار درخشش گاه و بیگاه این ستاره‌ها در چند رشته ورزشی محدود و غفلت از رشته‌های پر مدالی چون دوومیدانی، تیراندازی، ژیمناستیک، قایقرانی و ... است. رشته‌هایی که باعث تثبیت جایگاه ۱۰ کشور اول جدول شده‌اند و در مقابل ما و کشورهای تک رشته‌ای چون جامائیکا و کنیا را در کار هم قرار داده است. شاید هم ورزش پیش از هر چیز تابع استعداد ذاتی است. شاید به همین خاطر است که یک میلیارد و دویست میلیون هندی تنها یک نقره و یک برنز کسب کردند و در جایگاه ۶۶ قرار گرفتند و کشورهای صاحب مکنی مانند سوئد و دانمارک و بلژیک و دیگرانی مانند آنها چند پله پایین‌تر از ما.

به هر حال قصه‌ی ریو به پایان رسید و اندوخته ۶۰ مدالی ما از ۱۵ دوره قبلی که در آن شرکت داشته‌ایم به ۶۸ مدال از جنس‌های مختلف ارتقا یافت. رفتیم تا چهار سال دیگر و المپیک دیگری.

احمدی

و نجمه

خدمتی به

ترتیب ششم و

هشتم شدند. عناوینی که با

وجود رقابت سنگین و شانه به شانه در

این رشته چیزی کم از مدال نداشتند.

ناکامی و ناداوری

در این دوره اتفاقات قابل توجهی هم برای کاروان ایران رخ داد از جمله ناکامی بسیاری از چهره‌های شاخص ورزش ایران از جمله احسان حدادی در پرتاب دیسک، حمید سوریان و امید نوروزی در کشتی فرنگی و بهداد سلیمی در وزنه‌برداری بود. بهداد سلیمی در حالی که رکورد یک ضرب دنیا و المپیک را شکسته بود در دو ضرب اسیر بی عدالتی هیئت ژوری شد و از مسابقات اوت شد تا چهره‌ی گریان و اعتراض‌های شدید او و مربیان در تاریخ المپیک ثبت شود.

تیم‌های ملی کشتی آزاد و وزنه برداری از نظر کیفیت مدال و همچنین نتیجه گرفتن عملکرد بهتری نسبت به دوره پیش داشتند اما تکواندو، کشتی فرنگی و دوومیدانی ناکام‌های کاروان ایران بودند. کشتی فرنگی در ۲۰۱۲ لندن سه طلا را به دست آورد اما در این دوره تنها دو برنز را کسب کرد تا افت شدیدی داشته باشد. پس از این ناکامی بود که گریه‌های حسن بنا و شکست حمید سوریان، پر مدال‌ترین کشتی‌گیر ایران باعث شد تا بسیاری اندوهگین شوند.



ورزشکاران عاشورایی

قهرمانانی ابدی با مدالی از جنس خون

دیگر با مدالی از جنس دیگر قهرمانان ابدی این آب و خاک بمانند.

سردار آذرنوش مسئول بسیج ورزش کشور می‌گوید: تاکنون مشخصات، محل شهادت و مشخصات اولیه ۵ هزار و ۵۰۰ نفر از شهدای ورزشی شناسایی شده است؛ شهدای شناسایی شده کسانی هستند که هدفمند و حرفه‌ای ورزش می‌کردند، نه اینکه در سطح محله شان ورزش کنند والا در دوران دفاع مقدس قبل از آغاز هر عملیات رزمندگان ورزش می‌کردند و به نوعی می‌توان تمام آن‌ها را ورزشکار نامید اما هدف ما از شناسایی این افراد، شهدایی بودند که بطور حرفه‌ای ورزش می‌کردند.

وی در ادامه افزود: شهید ورزشکار به کسی می‌گوییم که مدال، حکم قهرمانی، کارت مربیگری، کارت داوری داشته و یا در تیم باشگاهی عضو بوده باشد و بر اساس این تعریف ۵ هزار و ۵۰۰ شهید ورزشکار شناسایی شده‌اند. سردار آذرنوش تأکید کرد: از ۵۲ فدراسیون ورزشی، ۲۸ فدراسیون دارای شهید هستند و هر فدراسیون جداگانه یادواره شهدا برگزار می‌کند.

کتاب‌هایی برای شهدای ورزشکار

در بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

سازندگی بوده‌اند.

وضعیت شغلی شهدا در زمان شهادت به این گونه بوده است:

۳/۴۵ درصد شهدای دارای شغل نظامی و انتظامی

۲/۹ درصد مشاغل کشوری

۵/۱۸ درصد دانش آموز

۳/۱ درصد روحانی

۱/۱۸ درصد مشاغل آزاد

۱/۲ درصد دانشجوی

اما تعدادی از این عزیزان شهدای ورزشکار هستند، ورزشکارانی حرفه‌ای که میدان قهرمانی و ورزش را رها کردند تا در میدانی

تقریباً آمار شهدای جنگ تحمیلی نزدیک به ۱۹۰ هزار نفر است که از میان ۱۹۰ هزار شهید جنگ تحمیلی، به گفته سرهنگ جعفری، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند.

میانگین سن شهدا در زمان شهادت در حدود ۲۳ سال بوده است و شهدای ۲۰ ساله نسبت به سایر سنین بیشترین نسبت را داشته‌اند.

از شهدای دفاع مقدس ۶۴ درصد بسیجی و نیروهای سپاه (وظیفه و کادر) ۲۳ درصد نیروهای کادر و وظیفه ارتش ۲/۸ درصد از نیروهای انتظامی و ۱/۳ درصد از نیروهای جهاد



مقام شامخ شهادت نائل آمده‌اند. و اولین یادواره سرداران و ۶۰ شهید ورزشکار مدافع حرم اهل بیت (ع) خرداد ماه سال جاری با حضور سردار فضلی جانشین سازمان بسیج مستضعفین در تالار شیخ صدوق حرم عبدالعظیم (ع) در شهر ری برگزار شد.



پنجعلی و احمد رضا احمدی اشاره کرد.

ورزشکاران شهیدی که زن بودند

سردار داوود آذرنوش در حاشیه برگزاری افتتاحیه جشنواره فرهنگی ورزشی «جاده ولایت» در شلمچه گفت: امسال به همت سازمان بسیج ورزشکاران و به مناسبت هفته دفاع مقدس و در فاصله زمانی ۳۱ شهریورماه تا هفتم مهرماه نخستین یادواره شهدای ورزشکار زن را برای ۱۷ خواهری که در رشته‌های ورزشی و یا در کسوت مربیگری فعال بوده و در دوران جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند، برگزار خواهیم کرد.

در باز باغ شهادت برای ورزشکاران

این روزها، خیلی از شهرهای کشورمان ایران، میزبان شهدای حرم هستند، جوانانی که به عشق اهل بیت اغلب با شعار «کلنا عباسک یا زینب» راهی سوریه شده تا از حریم اهل بیت دفاع کنند و البته که هر کس در این راه قدم می‌گذارد بدون شک پهلوان و قهرمان حماسه است، اما در بینشان هستند قهرمانانی که مدال‌های رنگارنگ میادین ورزشی آن‌ها را راضی نمی‌کنند تا مدال شهادت، گردن آویز گردن برافراشته‌شان شود. تا کنون (مرداد ماه) ۶۰ ورزشکار در دفاع از حریم اهل بیت به

تهران از ۴۶ اثر با موضوع شهدای ورزشکار کشور با حضور معاون فرهنگی، آموزش و پژوهش وزارت ورزش و جوانان، مسئولان و قهرمانان ورزشی کشور رونمایی شد.

سی و دو عنوان از این آثار در قالب دایره‌المعارف شهدای ورزشکار استان‌های مختلف کشور و ۱۴ عنوان رمان که به معرفی شهدای شاخص ورزشکار می‌پردازند، کتاب‌هایی بودند که رونمایی شدند.

از جمله رمان‌های آماده رونمایی می‌توان به «پسر دریا» در معرفی شهید حسن نوفلاح از قهرمانان رشته شنا، «نقاش پاوه» درباره شهید ناصر کاظمی از شهدای فوتبالیست، «یادهای موافق از سرزمین آشنایم و زد» درباره اسماعیل اعلمی، شهید وزنه‌بردار، «صف فولادی» درباره شهید حسین شکوری، «سید حسن دست بالا» در معرفی شهید سیدحسن رزاز از شهدای رشته کشتی، «ملاقات سیزدهم» درباره سیدسعید طوقانی، از شهدای رشته ورزشکاری باستانی، «مهمان باد و باران» درباره شهید صمد اقدمی، «کالبد مقوایی» در معرفی شهید مهدی رضایی مجد از شهدای فوتبالیست، «کلید قفل‌های بسته» در معرفی شهید محمد قورچانی، «باشگاه خانگی» درباره برادران شهید پورمند و «دیوار سربی» شامل خاطرات سه پیشکسوت ورزش، مهدی اربابی، محمد

بعد از آنکه در هفته های گذشته مردم و احزاب سیاسی یمن با مشاهده عملکرد قدرت های جهانی و سازمان های بین المللی در ۱۶ ماه گذشته، به این نتیجه رسیدند که چاره ای جز راه کارهای داخلی برای بحران یمن باقی نمانده است و در نتیجه شورای عالی سیاسی با توافق و اجماع احزاب مردمی همچون انصارالله و حزب کنگره سراسری مردمی شکل گرفت، معادلات سیاسی در یمن و منطقه تا حد زیادی تغییر یافت. تشکیل این شورا در یمن در واقع به منظور زمینه سازی جهت تشکیل دولت وحدت ملی، صورت پذیرفت و با رأی اعتماد پارلمان یمن، صورت قانونی و رسمی به خود گرفت. از سوی دیگر، با دعوت کمیته عالی مسئول فعالیت های مردمی شورا، مردم استان های مختلف یمن هم با برگزاری تظاهراتی میلیونی، حمایت خود از شورای عالی سیاسی اعلام را کرده و آن را از مشروعیت مردمی برخوردار ساختند.

به این ترتیب پس از مدت ها خلاء سیاسی، ساختار قدرت در یمن شکل تازه ای به خود گرفت و اختیارات نخست وزیر به شورای عالی انتقال داده شد.

با وجود تحولات فوق که مورد تأیید نهادهای قانونی و عامه مردم یمن نیز قرار دارد، عربستان سعودی که حدود یک سال نیم پیش به بهانه درخواست "منصور هادی" رئیس جمهوری به زعم آنها مشروع یمن به این کشور حمله کرد، همچنان حاضر نیست حملات خود به این کشور فقیر عربی- اسلامی را خاتمه دهد و به رأی و نظر مردم آن احترام بگذارد. علاوه بر بمب افکنی در نزدیکی تجمعات مردمی حامی

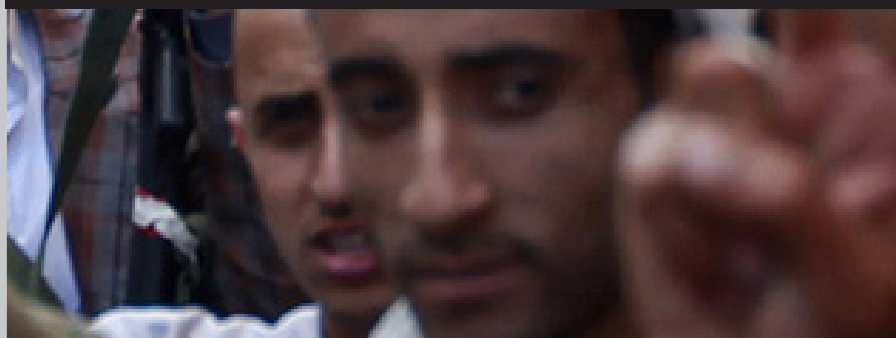
شورای عالی سیاسی در روزهای گذشته، این کشور در صدد ارائه طرح های موازی در مقابل شورای عالی سیاسی برآمده و برای عملیاتی کردن این پروژه نیز دست به دامان ایالات متحده آمریکا شده است. در این راستا حضور جان کری، وزیر امور خارجه دولت اوباما در جده (۲۵ اوت - چهارم شهریور) می تواند حاوی پیام های مختلفی باشد. به نظر می رسد محور مذاکرات طرف های آمریکایی و سعودی پایان بخشیدن به جنگ یمن است که برای هر دوی آنها برد به حساب می آید. در صورت خاتمه جنگ یمن، دولت اوباما می تواند این امر را به عنوان موفقیتی در کارنامه سیاست خارجی خود ثبت کرده و به تقویت موضع دموکرات ها در انتخاب پیش روی آمریکا کمک



حق تعیین سرنوشت بازبچه طرح های آمریکا شده است

تقلای عربستان برای نجات از باتلاق یمن

دکتر محمد مهدی مظاهری





کند. دولت عربستان نیز ماه‌هاست که به بی نتیجه بودن جنگ یمن واقف شده؛ اما به دلیل مشخص شدن بی لیاقتی و اشتباه سیاستمداران جوان این کشور در صورت عقب نشینی یک جانبه، حال به دنبال راه حل‌هایی است که بتواند آبرومندانه خود را از باتلاق یمن نجات دهد. در این راستا کشاندن ایالات متحده به منطقه و اعلام طرح جدید این کشور برای بحران یمن، اوج نبوغ و ابتکار مقامات سعودی بوده است.

واقعیت آن است که تغییرات اخیر سیاسی در یمن، از دو جهت کاملاً به ضرر عربستان سعودی تمام شده است. از یک سو این تحولات، موازنه قدرت منطقه‌ای در یک جبهه دیگر را نیز به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر داد و همسو با موضع مقامات ایرانی، خلاء سیاسی شکل گرفته در یمن توسط نیروهای مردمی این کشور برطرف شد. از سوی دیگر، پس از اعلام موضع گروه‌های داخلی یمن در مورد پیگیری مذاکرات صلح در داخل و ادامه نداشتن مذاکرات در هیچ کشور دیگری پس از تشکیل شورای عالی سیاسی و حمایت ایران و روسیه از این امر، عربستان سعودی به این نکته

ایرانی به یمن "کوشید ابعاد جدیدی به بحران یمن داده و با جلب نظر ایالات متحده، خود را از قرار گرفتن در حالت بازنده صرف نجات دهد.

جالب تر این که وزیر امور خارجه آمریکا به دلیل منافع داخلی و خاورمیانه‌ای کشورش، با بی توجهی کامل به تحولات صورت گرفته در یمن، سخن از "طرح جدید" به میان می‌آورد؛ طرحی که شامل دولت وحدت ملی و خلع سلاح نیروهای حوثی است. این در حالی است که طرح تشکیل دولت وحدت ملی نه پیشنهاد جدید دولت آمریکا، بلکه ابتکار عملی مردم و احزاب یمنی در هفته‌های گذشته بوده که البته در رابطه با ترکیب این دولت وحدت ملی و نقش حوثی‌ها در آن، نظر مردم یمن با عربستان و آمریکا یکسان نیست. اینجاست که ماهیت سیاست‌های مداخله جویانه آمریکا و عربستان آشکار می‌شود و مشخص می‌شود نظر ملت‌های منطقه هیچ اهمیتی برای عربستان و آمریکا ندارد و این دو کشور می‌کوشند، مجدانه از قدرت گرفتن نیروهای مخالف خود در یمن و منطقه جلوگیری کنند. از سوی دیگر تلاش‌های آمریکا و عربستان برای جلوگیری از پیشرفت طرح‌های بومی در یمن، به نوعی رویکرد آنها به بحران سوریه را نیز نشان می‌دهد و این مسأله را ثابت می‌کند که هدف دولت‌های عرب منطقه و آمریکا، تضعیف ایران و محور مقاومت و نیز به حاشیه راندن روسیه در مناسبات خاورمیانه است و نابودی داعش، بازگشت امنیت و ثبات به منطقه و پایان جنگ‌های داخلی، تنها شعارهایی برای فریب افکار عمومی داخلی و جهانی است. حضور وزیر امور خارجه آمریکا به جده تلاشی برای مداخله آشکار در امور داخلی یمن است که مردم آن تصمیم خود را برای چگونگی اداره سیاسی کشورشان گرفته‌اند.

منبع: دیپلماسی ایرانی

واقف شد که دیگر کنترل اوضاع را در دست ندارد. حمایت پارلمان و مردم از شورای عالی سیاسی، ادامه حمایت عربستان از منصور هادی و حملات به یمن را کاملاً از مشروعیت ساقط کرد و امکان هر گونه اعمال نفوذ در مذاکرات طرف‌های یمنی را از بین برد. در نتیجه عربستان با دست گذاشتن روی بحث "قدرت‌گیری ایران و روسیه" و طرح مجدد ادعاهایی همچون "ارسال سلاح‌های



آموزش مراحل پاکسازی رایانه

خانه تکنانی الکترونیکی

مراحل پاکسازی رایانه

فایل های تکراری و بیهوده، برنامه هایی که ماه ها استفاده نشده است، انبوهی از اطلاعات موقت و ردپاهای اینترنتی، پوشه های دارای نام های نامشخص و اطلاعات نامرتب با گستردگی پخش در بخش های مختلف هارد دیسک بدون کوچک ترین نظم یا ساختار مناسب جزو مواردی به شمار می رود که رایانه شما را به یک سمساری تبدیل می کند.

اگر فکر می کنید هر یک از این موارد در رایانه شما نیز وجود دارد، همین حالا دست به کار شوید و پاکسازی رایانه خود را در کمتر از یک ساعت انجام دهید و آن را زیر و رو کنید تا همچون روز اول در بهترین شرایط پردازش های درخواستی شما را انجام دهد.

توجه داشته باشید برخی راهکارهای ارائه شده در این مقاله ظرفیت خالی هارد دیسک رایانه شما را افزایش می دهد، برخی دیگر باعث افزایش ظرفیت خالی نمی شود، اما سرعت دسترسی به اطلاعات را افزایش داده و در تمام راهکارها، افزایش سرعت دسترسی، افزایش سرعت اجرای برنامه ها، افزایش فضای خالی هارد دیسک و در نهایت نیز افزایش پاکسازی رایانه فعلی نصیب شما می شود.

مرحله اول پاکسازی رایانه: حذف فایل های تکراری

فایل های تکراری اولین گزینه پاکسازی رایانه به شمار می رود. گاهی ممکن است یک عکس، فایل متنی،

فیلم، موزیک یا حتی فایل نصبی برنامه در چند مکان مختلف روی هارد دیسک رایانه کپی شده باشد که این کپی شدن های تکراری نه تنها مزیتی ندارد، بلکه فضای خالی هارد دیسک رایانه را نیز اشغال می کند.

هم چنین کاهش سرعت دسترسی به فایل مورد نظر به دلیل شلوغ شدن بیهوده پوشه های موجود در هارد دیسک نیز از دیگر مشکلاتی است که این تکراری های مزاحم به همراه دارند.

متأسفانه مشغله کاری بسیاری از کاربران امکان جستجو و حذف فایل های تکراری موجود روی هارد دیسک را از آنها گرفته، اما خبر خوشحال کننده این که می توانید با استفاده از نرم افزارهای متعددی که استفاده از آنها نیز رایگان است، علاوه بر پاکسازی رایانه و جستجوی فایل های تکراری گزینه های مورد نظر را حفظ و موارد تکراری را حذف می کند.

پاکسازی مرورگر

یکی از مزایا و امکانات مرورگرهای اینترنتی، حافظه بسیار خوب آنها در به خاطر سپاری ردپاهای اینترنتی شماست. نشانی سایت های مختلف، رمزهای عبور وارد شده، زمان ورود به هر یک از سایت ها و بسیاری از اطلاعات دیگر از جمله مواردی است که مرورگر رایانه شما در حافظه خود ذخیره می کند تا در صورت نیاز با به خاطر آوری آنها به شما کمک کند.

البته گاهی همین حافظه به ظاهر کاربردی از شما جاسوسی کرده و گزارش های خود را برای هرکرا یا

سازمان های جاسوسی ارسال می کند. چنانچه مدت زمان زیادی از نصب ویندوز می گذرد و به وبگردی نیز علاقه دارید، پیشنهاد می کنیم همین حالا برای پاکسازی حافظه مرورگر اقدام کنید، زیرا در مواردی مشاهده شده مرورگر چند گیگابایت از فضای خالی هارد دیسک را به خود اختصاص داده و موجب کاهش سرعت عملکرد مرورگر نیز شده است...

پاکسازی حافظه مرورگر و تاریخچه اطلاعات ذخیره شده در هر یک از مرورگرها روش متفاوتی دارد. در کنار روش های دستی انجام این کار نرم افزارهایی نیز به طور خودکار پاکسازی اطلاعات مرورگر را به عهده می گیرند.

همچنین می توانید با مراجعه به بخش تنظیمات مرورگر، آن را روی حالتی قرار دهید که با هر بار بستن مرورگر، همه اطلاعات ذخیره شده در حافظه نیز پاکسازی شود تا به این ترتیب هیچگاه حافظه مرورگر شما مثل سابق پر نشود.

حذف برنامه ها

هنگام پاکسازی رایانه ممکن است به دلایل متعددی به نرم افزار خاصی نیاز داشته باشید و با اینترنت پرسرعت که در اختیار دارید با یک جستجوی ساده نرم افزار مورد نظر را دانلود و روی رایانه نصب کنید. پس از استفاده از نرم افزار ممکن است تا چند ماه سراغ آن نروید و حتی ممکن است در صورتی که نام نرم افزار را روی رایانه خود مشاهده کنید به خاطر نداشته باشید چرا چنین نرم افزاری روی رایانه شما نصب شده یا عملکرد آن چه بوده است.

در هر حال هنگامی که به خاطر نداشته باشید یک نرم افزار چه کاری انجام می دهد یا هنگامی که با نرم افزاری مواجه شوید که چند ماه از آن استفاده نکرده اید می توان نتیجه گرفت این نرم افزار برای شما کارایی ندارد و بیهوده روی رایانه شما جا خوش کرده است.

در این شرایط پیشنهاد می کنیم نگاهی به فهرست نرم افزارهای نصب شده در رایانه بیندازید و هر کدام را که نمی شناسید، حذف کنید (البته دقت داشته باشید هر گزینه ناشناسی را نیز نباید حذف کنید، زیرا ممکن است پیش نیاز اجرای نرم افزارهای مورد نیاز شما باشند).

برای پاکسازی رایانه در سیستم عامل ویندوز کافی است پس از مراجعه به کنترل پانل روی Programs and Features کلیک کرده و از فهرست برنامه های نصب شده گزینه مورد نظر را انتخاب و روی Uninstall فشار دهید.

نرم افزار Absolute Uninstaller نیز گزینه کمکی بسیار خوبی برای مدیریت حذف برنامه ها از روی سیستم عامل به شمار می رود.

همچنین نرم افزاری با عنوان Should I Remove It نیز طراحی شده که به شما کمک می کند با توجه به نظرات و انتخاب دیگر کاربران در سراسر جهان متوجه شوید چه نرم افزارهایی بهتر است روی رایانه شما بمانند و کدام نرم افزارها بهتر است از روی آن پاکسازی شوند.





صفحه اصلی دوستان آرشیو تماس با ما عناوین مطالب

شهیدی از بنی هاشم

سیدهاشم آراسسته - فرزند سیدعباس - در تاریخ هشتم بهمن ماه سال ۱۳۴۱ در شهرستان مشهد چشم به جهان گشود.

پدرش اسم او را به علت اصل و نسب ما به قبیله بنی هاشم، هاشم گذاشت. از همان ابتدا با گفتار و رفتار دینی بزرگ شد و از همان کودکی نماز می خواند. او دیگران را هم به خواندن نماز اول وقت تشویق می کرد. اذان گفتن را یاد گرفته بود و علاقه ی زیادی به گفتن اذان داشت.

در کودکی مریض شد، به طوری که پزشکان او را جواب کردند. مادرش نذر کرد که اگر خوب شود، تا هفت سالگی شله زرد درست کند و به مردم بدهد.

تا کلاس دوم راهنمایی بیشتر درس نخواند و بعد از آن ترک تحصیل نمود و به نقاشی مشغول شد. مسئول هیأت نوجوانان قمر بنی هاشم (ع) بود. متآح اهل بیت (ع) بود و اشعاری در مدح ائمه (ع) می گفت و بعد به نوحه خوانی می پرداخت.

قبل از انقلاب در تظاهرات شرکت می کرد. با مأموران شاه درگیری شد و هر روز با وضع خون آلود به منزل می رفت.

در تمام راهپیمایی ها بود. در تظاهرات «یکشنبه خونین» و حمله ای که به بیمارستان امام رضا (ع) شد، حضور داشت.

برادر شهید می گوید: «من در تظاهرات سیدهاشم و سیدجواد را دیدم. نزدیک آن ها رفتم. به محض دیدن من آن ها جا خوردند و عکس ها و اعلامیه های امام را که شهید در زیر لباس پنهان کرده بود، ریخت. دستپاچه شدیم و سریع آن ها را جمع کردیم. چون آن ها از من کوچک تر بودند، فکر می کردند من آن ها را دعوا می کنم. در گشت های شبانه شرکت می کردیم. عکس های امام را از منزل علما تهیه می نمودیم و شب ها به دیوارها و ستون ها می چسباندیم».

ایشان نوارهای امام را گوش می داد و حتی در اختیار دیگران می گذاشت تا آن ها هم گوش کنند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با تشکیل بسیج به فرمان حضرت امام خمینی، جزو اولین نیروهایی بود که عضو این نهاد شد.

در سال ۱۳۵۸ که حادثه ی طبس رخ داد، با بسیجیان پایگاه مسجد کرامت خود را به آن جا رساند. او با منافقین - که به ترور افراد حزب الله می پرداختند - درگیر می شد. با عده ای موتور سوار داخل شهر به گشت می پرداخت.

در سال ۱۳۶۰ هیأتی به نام هیأت فدائیان روح الله متوسلین به چهارده معصوم (ع) راه اندازی کرد. او به خاطر علاقه ای که به امام داشت، نام هیأت را فدائیان روح الله گذاشت. این هیأت در ماه محرم و صفر مراسم سینه زنی و نوحه خوانی برگزار می کرد».

او دو بار به دیدار امام رفت و عکس هم گرفت. در همه جا از گفتارهای امام دفاع می کرد. با شروع جنگ تحمیلی، در ۱۸ سالگی و در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۰ از طریق بسیج به جبهه های حق علیه باطل و ایلام و سرپل ذهاب اعزام شد.

شهید در دفترچه ی خاطرات خود نوشته است: «در سال ۱۳۵۹ - در حالی که ۱۸ سال از عمرم می گذشت - توانستم با زحمات زیاد به آموزش نظامی اعزام شوم. پس از گذراندن سه روز آموزش کوهپیمایی شرکت در چند جلسه ی آموزش اسلحه، آماده برای اعزام به جبهه شدم. من با برادرم سیدجواد و ۱۲۰ نفر از برادران بسیجی به جبهه های حق علیه باطل شتافتیم. به هر کدام از ما دو عدد پتوی سیاه، یک عدد کوله پشتی، قمقمه، جیب خساب، پوتین، لباس رزم، کلاه آهنی و کلاه گرم داده بودند. قبل از اعزام هم به عیادت آیت الله مرعشی رفتیم. ساعت ۴ بعد از ظهر - که مصادف با شب اربعین حسینی بود - سه عدد اتوبوس آماده حرکت بودند و امت حزب الله، پدر و مادران بسیجی به بدرقه ی رزمندگان آمده بودند. حدود ۴/۵ ماه از شروع جنگ می گذشت. حال عجیبی داشتم. اذان صبح به تهران رسیدیم و بعد به سوی غرب حرکت کردیم. چون تا به حال به منطقه ی جنگی نرفته بودیم. با دیدن تانک های خودی در بین شهرهای همدان و باختران ذکر خدا و بسم الله بر لب ما جاری می شد».



مدیریت پوشه ها

هرگاه صحبت از مدیریت پوشه ها و روش نامگذاری آنها می شود، یکی از دوستانم را به یاد می آورم که هنگام نامگذاری پوشه های جدید دستش را روی یک کلید قرار داده و برای چند ثانیه هر کارا کتری را که زیر انگشتش قرار می گرفت فشار می داد و به این ترتیب نامی برای پوشه جدید خود ایجاد می کرد.

هنگامی که از او می پرسیدم پوشه های دیگر را چطور نامگذاری می کنی و چطور متوجه می شوی کدام پوشه حاوی اطلاعات جدیدتری است، این پاسخ را دریافت می کردم: «طول رشته کاراکترهای نام پوشه را طولانی تر می کنم».

شاید برای فایل ها و پوشه هایی که قرار است بعد از یک روز از روی دسکتاپ یا هر بخشی از هارد دیسک رایانه پاک سازی شود، این روش چندان غیر منطقی نباشد، اما مطمئناً در صورتی که یک هفته به همین منوال پوشه های خود را نامگذاری کنید، نه فقط خودتان بلکه هیچ فرد دیگری نیز قادر به یافتن برنامه ها و اطلاعات مورد نظر نخواهد بود. پس به قول معروف چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟

نگاهی به هارد دیسک رایانه و پوشه های ایجاد شده در آن بیندازید، آیا شما ساختار مناسبی برای نامگذاری و دسته بندی پوشه های خود رعایت کرده اید؟ اگر این گونه است به شما تبریک می گوئیم؛ در غیر این صورت همین حالا دست به کار شده و با گشت و گذار در پوشه های موجود در هارد دیسک، نام آنها را اصلاح کرده و در صورت نیاز فایل های متفرقه یا پوشه هایی را که در مکان مناسبی قرار ندارند نیز جابه جا کنید.

اگر روش نامگذاری اطلاعات و پوشه های ذخیره شده به سبک افزایش طول و بدون هیچ قاعده و قانون است، پیشنهاد می کنیم از نرم افزار DropIt کمک بگیرید. این نرم افزار بدون توجه به نام فایل های شما و با توجه به نوع آنها پوشه هایی را به طور خودکار ایجاد کرده و فایل های مرتبط با هر پوشه را در آن قرار می دهد.

به عنوان مثال، پوشه ای برای موزیک های شما ایجاد شده و همه موزیک ها در آن قرار می گیرند. تعیین شرایط جستجو، اجرای عملیات مختلف روی نتایج جستجو و در نهایت نیز واگذاری انجام خودکار کارها به این نرم افزار، سه مرحله ساده برای استفاده از این نرم افزار است.

مدیریت دانلود شده ها

فایل های دانلود شده در پوشه Downloads نیز از دیگر مواردی است که فضای خالی هارد دیسک را به خود اختصاص داده و در بسیاری از موارد نیز فایل های موجود در آن کاربرد مجددی ندارد. پس برای آن که کمی بیشتر رایانه خود را منظم کنید، به پوشه فایل های دانلودی مراجعه کرده و گزینه هایی را که خیلی وقت پیش دانلود کرده اید، حذف کنید.

همچنین می توانید گزینه هایی را که بتازگی دانلود شده اما قصد ندارید آنها را دوباره استفاده کنید حذف کنید. به این ترتیب علاوه بر افزایش فضای خالی هارد دیسک، این پوشه نیز خالی تر شده و دسترسی به فایل های دانلودی جدید راحت تر خواهد شد.

چنانچه تمایل دارید این کار را نیز به طور خودکار انجام داده و در بازه های زمانی مختلف، عملیات پاک سازی اطلاعات ذخیره شده در هریک از پوشه های مورد نظر شما به طور خودکار مدیریت شود، می توانید از نرم افزار Belvedere کمک بگیرید.

جشن ناتمام

● بهناز حسینی

و گفت: این هم سهم عروسک عمو
مامان گفت: تو این روزا کلی خرج و برج داری.
مراقب جیبیت باش
عمو گفت: کاری نکردم. شما و داداش حسابی منو
شرمونده خودتون کردید. کمک های شما که قابل
جبران نیست.

همه چیز آماده جشن عروسی بود، مامان لباس
های عمه و خاله و زن عمو منیر را هم دوخته بود.
لباس عروس زن عمو عباس را که تحویل داد با
خنده رو کرد به بابا که: کوزه گر از کوزه شکسته
آب می خوره. پاشو عصر بریم یک لباس برا خودم
بخریم. من چیزی برا عروسی ندارم.

بابا خندید و گفت: برای خانوم هنرمند من افت
داره. زشته. باید یک لباسی برا خودت بدوزی که
تک باشه.

مامان کش و قوسی به بدنش داد و گفت: نه. واقعا
خسته ام. تو این مدت همش پشت چرخ بودم.
حتی نرسیدم به خاله کمک کنم. خودش تنهایی
اون همه برنج را پاک کرد

بابا گفت: پس این همه دختر، اینجا چکار می
کردند؟ همه جای تو کار می کردند که لباسشون
را خوب بدوزی.

مامان گفت: علی خسیس شدی؟ نمی خوای پول
لباس بدی بگو.

بابا خندید و گفت: خیلی.

وقتی برگشتیم خونه. مامان از خوشحالی اشکش
دراومد و گفت: وای پاک یادم رفته بود که چند روز
دیگه باید این بچه بره مدرسه.

عمو عباس ابرو در هم کشید و گفت: زن داداش
، نکنه روپوش مدرسه برایش ندوختی؟ مریم با دو
رفت سمت کمد و گفت: نه عمو جون. خیلی وقته
مامان برام روپوش دوخته. مریم روپوش خاکستری
رنگشو نشون عمو داد. عمو دست کرد تو جیب و
یک دو تومنی درآورد و گفت: این دو تومنی را
بزار جیب روپوش تا اولین روزی که رفتی مدرسه
جیبات پر پول باشه باش خوراکی بخری. فقط
یادت باشه برا عمو هم بیاری.

من به عمو نگاه کردم و گفتم: منم می رم
کودکستان.

مامان زیر چشمی نگاهم کرد و با غیض گفت:
راحله؟؟؟

عمو خندید و گفت: بیا بغل عمو. وروجک من.
دویدم سمت عمو. عمو بغلم کرد، موهامو از پشت
گوش کنار زد و پس کله و پشت گوشمو بوسید. بعد
دماغمو کشید و یک پنج ریالی گذاشت کف دستم

خونه مادر بزرگ حسابی شلوغ بود، همه در رفت
و آمد و تدارک عروسی عمو عباس بودند. مامانم
پشت چرخ سینگرش نشسته بود و پدال می زد. پا
می زد و پاعمه عفت، می آمد و می رفت که: زن
داداش چی شد لباس من حاضر نشد؟
خاله پری از یک طرف سراغ لباسش را می گرفت
، زن عمو منیر از یک طرف. مامان کلافه بود اما
مثل همیشه می خندید: بابا من یک نفرم. لباس
عروس مهمتره.

عمو عباس هر چند ساعت می آمد که: زن داداش
بیخس باعث زحمت شدیم. چیزی احتیاج نداری؟
عمو عباس تعارف نمی کرد، عمو عباس مهربان
بود درست مثل ... مثل خودش مهربان بود.

مامان میگفت: نه پسر خاله. ممنون. مگر خودت
فقط به فکر من باشی

عمو عباس همه را می فهمید، همه را درک می
کرد. برای همین توی آن شلوغی دست من و آبی
مریم را گرفت و برد کتابفروشی آقا جلالی و برامون
دفتر و مداد و مدادرنگی خرید. مریم می خواست
بره کلاس اول. اما عمو برای هردو تامون خرید کرد.



مامان اما مثل همیشه آخر از همه شروع کرد برای خودش لباس دوختن. پارچه حریر فیروزه ای مثل دریا زیر دست مادر موج می زد. مامان حتما تو اون لباس خوشگل می شد. مامان بزرگ همیشه می گفت: پوری، گونی هم تنش کنه بش میاد. عروسم خوشگله و بابا هم همیشه می گفت: بچه خواهر ته که اینجوری ازش تعریف می کنی. مامان بزرگ هم می گفت آره چون کپی خودمه. همه می خندیدند. حتی بابا بزرگ که کم می خندید.

مامان یک جورهایی نگران بود. رفت طبقه پایین پیش مامان بزرگ. منم پشت سرش رفتم. مامان بزرگ با دیدن مامان گفت: لباست تموم شد؟ مامان گفت: خاله دستم به کار نمی ره. نمی دونم چی شد. یک هو انگار بند دلم پاره شد. مامان بزرگ: سر تکان داد و گفت: خدا به خیر کنه. نمی دونم از صبح منم ته دلم آشوبه. بعد رفت از کشو کابینت کنار گاز یک پول کاغذی بر داشت و گفت: راحله جان این صدقه است ببر تو قوطی صدقات بزار.

پول را گرفتم و رفتم اتاق مادر بزرگ. قوطی صدقات مادر بزرگ توی طاقچه بود. دستم نرسید. یک بالش گذاشتم زیر پام باز قدم نرسید. بالش دوم را که گذاشتم قدم رسید. پول کاغذی را انداختم

تو قوطی که یک هو صدایی آمد گرومپ. گرومپ. بعد صدای جیغ مادر. مادر بزرگ جیغ همسایه ها

همه دویدیم توی حیاط. یک پرنده های بزرگی تو آسمون بودند که دود از دمشان می زد بیرون دوباره گرومپ

مامان من و مریم راسفت بغل کرده بود. زیر لب می گفت: یا حسین مامان بزرگ داد می زد: بچه هام. بچه هام ترسیده بودم. ترسیده بودیم.

صداها که قطع شد. صدای آمبولانس ها بلند شد. دود سیاهی به آسمان می رفت. رفتیم تو کوچه. همه هم بودم. نمی فهمیدم چه شده. یک هو بابا بزرگ از سر کوچه پیداش شد. حاج مهدی همسایه روبرو پرسید: سید چی شده؟ چه خبره بابا بزرگ گفت: جنگ شده. اینا هواپیماهای عراق بودن. بمباران کردن. نامردا

ظهر دوباره عراقیا آمدند. زیر پله قایم شدیم. غروب همه بودند، بابا گفت جنگ شده، عراقی ها تا نزدیک شهر آمدند. باید شهر تخلیه بشه. مامان بزرگ گفت: ما عروسی داریم. کارت دعوت دادیم. عمو عباس گفت: مادر من. جنگه. همین الان هم برا تخلیه شهر دیره. عروسی یک وقت دیگه بابا گفت: لوازم ضروری را بردارید. بابا بزرگ به بابا گفت وانتو رو براه کن این جنگ تازه شروع شده.

وانت بابا بزرگ توی حیاط پشتی خونه پارک بود. فقط وقتی سیزده بدر می شد با وانت می رفتیم کوه. همیشه با پیکان بابا بزرگ بیرون می رفتیم. مامان گفت: آقا جان. بر می گردیم زود

بابا بزرگ با اخم گفت: با این بمبایی که امروز ریختن شما فکر می کنید جنگ تمام شد. صدام اومد زهر چشم بگیره و بره. مردک گفته خوزستان را می خواهم.

عمو عباس گفت: بابا کجا می رید؟

بابا بزرگ گفت: همه با هم می ریم روستا.

عمو عباس گفت: ولی ما می مونیم. یعنی من می مونم. بالاخره باید جلوشون وایسیم

بابا گفت: من می مونم. شما برید

بابا بزرگ گفت: فعلا وسیله ها را بریزید تو وانت. بعد رو کرد به بابا و گفت: تو هم اهل بیت زنتو با پیکان بیار.

بابا گفت: اما..

بابا بزرگ گفت: زن و بچه را جاگیر کردیم بر می گردیم

شب که شد راه افتادیم. جاده شلوغ بود. خواب بودم که رسیدیم روستای بابا بزرگ. خونه قدیمی بابا بزرگ مثل یک خرابه بود. مامان بزرگ با گریه گفت: آقا سید می گفت اینجا را روبراه کنیم همه گریه می کردند. همه غصه دار بودند.

جنگ شروع شد. بابا رفت. عمو عباس هم رفت. بابا بزرگ می رفت و می آمد.

جنگ تمام شد. همه آمدند اما عمو عباس برنگشت. هنوز مامان بعد از سالها آن لباس حریر آبی ناتمام را دارد شاید عروسی عمو عباس تن کند. آن دو تومنی هم توی جیب روپوش آجی مریم به یادگار ماند.



ظهر عاشورا

بخوان بلال به تکبیر ظهر عاشورا
چه بود داغ نفسگیر ظهر عاشورا

مگر به حنجره زخمی تو زنده شود
برای شهر تصاویر ظهر عاشورا

... هزار خیمه‌ی آتش گرفته و عطش
و خون و نیزه و شمشیر و ظهر عاشورا

لباس تیره به تن کرد در عزا خورشید
و شد شبیه شب تیره ظهر عاشورا
زبان الکن غم مویه‌های من هرگز
نمی‌رسند به تفسیر ظهر عاشورا

زنده یاد نجمه زارع

هفتاد و دومین غزال

فکری به حال ماهی در التهاب کن
بابا برای تشنگی من شتاب کن
دردی عمیق در رگ من تیر می‌کشد
من را برای ذبح عظیم انتخاب کن
هل من معین توست که لبیک می‌دهم
امن یجیب‌های مرا مستجاب کن
من روی دست‌های تو قد می‌کشم، پدر
از این به بعد روی نبردم حساب کن
داغ جوان چه زود تو را پیر کرده است!
با خون من محاسن خود را خضاب کن
گهواره هم که تاب ندارد بدون من
فکری به حال خاطره‌های رباب کن
وقتش رسیده نیزه‌ی خود را علم کنند
هفتاد و دومین غزلت را کتاب کن

وحیده گرجی

دست عشق

چو از جان پیش پای عشق سر داد
سرش بر نی نوای عشق سر داد
به روی نیزه و شیرین‌زبانی!
عجب نبود ز نی شکر فشانی
اگر نی پرده‌ای دیگر بخواند
نیستان را به آتش می‌کشاند
سزد گر چشم‌ها در خون نشینند
چو دریا را به روی نیزه بینند
شگفتا بی‌سر و سامانی عشق!
به روی نیزه سرگردانی عشق!
ز دست عشق در عالم هیاهوست
تمام فتنه‌ها زیر سر اوست

قیصر امین پور

قافله عشق

نتوان گفتم که این قافله وا می‌ماند
خسته و خفته از این خیل جدا می‌ماند
این رهی نیست که از خاطره‌اش یاد کنی
این سفر همراه تاریخ به جا می‌ماند
دانه و دام در این راه فراوان اما
مرغ دل سیر ز هر دام رها می‌ماند
می‌رسیم آخر و افسانه وا ماندن ما
همچو داغی به دل حادثه‌ها می‌ماند
بی صداتر ز سکوتیم، ولی گاه خروش
نعره ماست که در گوش شما می‌ماند
بروید ای دلتان نیمه که در شیوه ما
مرد در هر چه ستم هرچه بلا می‌ماند

محمدعلی بهمنی

مرگ سقا

الهی آسمان - بی‌ماه گردد
زمین - در حسرت و در آه گردد
الهی آنکه زد بر سر - عمودت
اسیر محنت جانگاہ گردد

تنت چون آسمان - زخمت ستاره
تو عطشان - مشک آبت پاره پاره
بنفسی انت یا عباس - عباس
برادر جان امیرم شو دوباره
من و بی تو در این دنیا چه سخت است
به خاک این قامت رعنا چه سخت است
الهی هیچکس چون من نبیند
که مرگ تشنه لب سقا چه سخت است

سید حبیب حبیب پور

سیدحسن حسینی



سید آسایشگاه ۱۵ (خاطرات میر جمال ستاره‌دار)

مؤلف: ساسان ناطق
انتشارات: سوره مهر

«سید آسایشگاه ۱۵» مجموعه‌ای از خاطرات میر جمال ستاره‌دار یکی از آزادگان اردبیلی است که جزو اسرای ایرانی اردوگاه تکریت بودند. این کتاب به قلم ساسان ناطق نگاشته شده است.

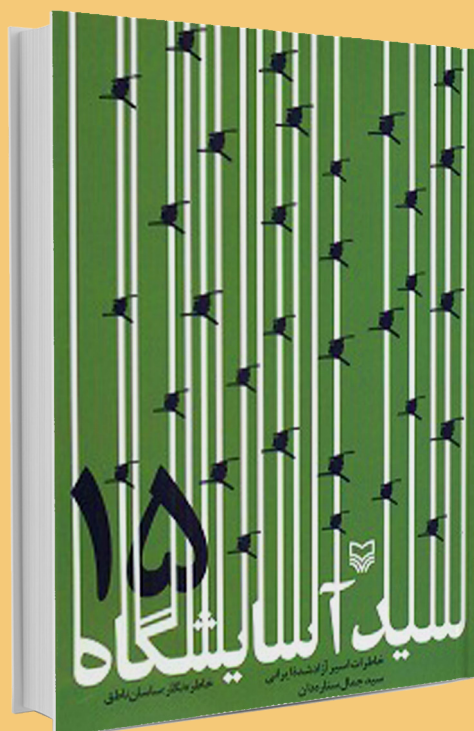
ساسان ناطق درباره این کتاب گفت: در این کتاب برای تکمیل اطلاعات این آزاده مجبور شدم با قریب به ۸ تن از دوستان این آزاده مصاحبه‌هایی انجام دهم. این مصاحبه‌ها موجب شد تا کار نگارش کتاب مدتی طولانی شد. این کتاب تا حدودی شبیه به کتاب «پایی که جا ماند» سید ناصر حسینی‌پور است اما به لحاظ حجم، به آن نمی‌رسد. در این کتاب دیدگاه چند آزاده دیگر از زبان این سید روایت می‌شوند.

میرجمال ستاره‌دار به همراه رزمندگان دیگری از خطه اردبیل، شش روز پس از پذیرفتن قطعنامه به اسارت نیروهای بعثی درآمدند. وی در طول دوران اسارت آزادگان را در آسایشگاه‌ها هدایت و رهبری می‌کردند. با پافشاری‌های وی بود که در اردوگاه تکریت به اسرای ایرانی مهر و قرآن داده می‌شود.

ناطق در مورد آشنایی با سیدجمال گفت: با سیدجمال ستاره‌دار از طریق دیگر آزادگان اردبیلی آشنا شدم و بعد از صحبت‌های مقدماتی با او، خاطراتش را به نگارش درآوردم.

وی ویژگی کتاب "سید آسایشگاه ۱۵" را برخورداری بودن از استنادات محکم و دقیق عنوان کرد و گفت: در این کتاب سعی شده تا تاریخ و اطلاعات وقایع رخ داده شده در دوران اسارت این آزاده به صورت دقیق بیان شود و مخاطب با خواندن کتاب می‌تواند اطلاعات دیگری از اردوگاه‌های دیگر عراق بدست آورد.

گفتنی است کتاب "سید آسایشگاه ۱۵" در ۷ فصل و در ۱۷۶ صفحه توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید.



دختران آپی.دی

مصاحبه و تدوین: لایلا محمدی
انتشارات: سوره مهر

کتاب «دختران آپی.دی» شامل خاطرات مینا کمایی، زنی آبادانی از روزهای پر تلاطم دوران دفاع مقدس (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴) است. در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مینا کمایی با جمعی از دوستانش امدادگری را در بیمارستان امام خمینی (ره) شرکت نفت آموزش می‌دادند. وی در همان سال با تأسیس بسیج خواهران آبادان، همراه با دوستانش که به دختران O. P. D معروف بودند، به فعالیت در بسیج می‌پرداخت و برای امدادگری و واکسیناسیون به روستاهای اطراف آبادان می‌رفت.

خاطراتی از دوران کودکی، زمان تحصیل در مدرسه و پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت طرفداران گروه خلق عرب برای تصاحب خرمشهر، عضویت در جبهه حزب الله در مدرسه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رویارویی با گروه‌های مجاهدین خلق (منافقین)، خلق عرب و کمونیست‌ها، شرکت در کلاس‌های مختلف عقیدتی و سخنرانی‌های مذهبی، به شهادت رسیدن خواهر نوجوان راوی توسط منافقین در اصفهان، دیدار با امام خمینی (ره)، پذیرایی از خانواده شهدا در هتل بهبهان، انفجار انبار دارویی بیمارستان نفت توسط عراقی‌ها و وضعیت شهر خرمشهر پس از آزادی، عمده موارد مطرح شده در این خاطرات است.

مینا کمایی از دختران شجاع آبادان بود که پس از شروع جنگ تحمیلی به رغم ناامنی شهر، در آبادانی که زیر آتش توپ و خمپاره بود ماند و به همراه تعدادی از دوستانش کار امدادرسانی به مجروحان را انجام داد؛ او و همراهانش خطر را به جان خریدند تا به دیگران کمک کنند و مایه دلگرمی باشند.

مینا کمایی در این کتاب خاطرات خود را بازگو کرده است و خواننده را به روزهای آغاز تجاوز رژیم بعث عراق به ایران اسلامی می‌برد. در مقدمه کتاب اشاره شده است که اثر حاضر حاصل ۱۱ ساعت مصاحبه با راوی (مینا کمایی) است. مصاحبه‌گر (لایلا محمدی) نوشته است: «پس از پیاده شدن نوارها بر روی کاغذ با ۷۰۰ صفحه خاطره رو برو بودم و تقاضای خانم کمایی که مایل نبودند بخشی از خاطرات چاپ شود. حال می‌بایست بدون هیچ دخل و تصرفی با رعایت ترتیب نقل راوی مابقی خاطرات طوری بازنویسی می‌شد که در سندیت اثر خدشه‌ای وارد نشده و در تاریخ شفاهی جنگ اثری قابل استناد به شمار آید ...»

باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

مهشید یاری - اصفهان

- سلام، از مجله شاهد جوان با شما تماس می‌گیریم.
سلام. بفرمایید.

- نظرتان را در مورد مجله‌ی شاهد جوان بفرمایید.

مجله شاهد جوان، مجله نسبتاً خوبی است، دلیل اینکه می‌گویم نسبتاً به خاطر این است که هنوز خیلی جای پیشرفت دارد.

- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
همه صفحات را می‌خوانم و می‌پسندم.

مهدیار احمدی - سمیرم

- مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله

- نظرتان در مورد مجله؟

خانواده من از این مجله راضی هستند. خانواده معمولاً مطالعه می‌کند و برای من تعریف می‌کند.

- کدام صفحات را می‌پسندید؟

صفحه مورد علاقه من، خانه دوست و صفحات شهدا است.

- پیشنهادی برای مجله خودتان ندارید؟

به دلیل فرارسیدن ایام عرفه و بعد محرم و اربعین حسینی، سعی کنید یک صفحه اختصاصی به این موضوعات داشته باشید.

- معمولاً این مناسبت‌ها را در

سرچشمه کار می‌شود و شبهات نیز

توسط حجت الاسلام سهیلی پاسخ

داده می‌شود.

متشکرم.

علی حسین نیا - خراسان

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله.

- مجله شاهد جوان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شاهد جوان مدت زیادی روال رو به زوالی را در پیش گرفته بود ولی از اواخر سال گذشته خدا را شکر یک تغییراتی در مطالب مجله دادید که جذابیت مجله را بیشتر کرده بود مخصوصاً معرفی مناطق جنگی و البته معرفی شخصیت‌های قهرمان و مصاحبه با آنان.

مریم ناصر امینی - ری

- نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟
در زمانی که جزو مشترکین بودم راضی بودم. اما با ازدواج و مستقل شدنم دسترسی‌ام به مجله کم شد.

محسن مشایخی - کرج

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
مجله‌ای که راه شهدا را ادامه می‌دهد.

- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟

تمام مطالب را دوست دارم.

- نظرتان جهت بهتر شدن مجله شاهد جوان چیست؟

به مناسبت اتفاقات ملی مطالبی را در مجله چاپ کنید.

علی شعبان زاده - کرمان

- سلام وقتتون بخیر از مجله

شاهد جوان با شما تماس

می‌گیریم.

بله. بفرمایید.

- نظرتان در مورد مجله‌ی

شاهد جوان چیست؟

مدت زیادی است که این مجله

را می‌خوانم و راضی هستم.

کدام صفحه را بیشتر

دوست دارید؟

بیشتر صفحات را دوست

دارم اما صفحه مورد علاقه‌ام

موج سازان و حماسه آفرین



میلاذکیانفر بابل

- شاهد در جوان را چگونه ارزیابی کردید؟
مجله شاهد جوان با اینکه روند رو به رشدی دارد.
- پیشنهادی خاصی برای شاهد جوان دارید؟
موضوعات آزاد را حذف کنید و تمام صفحات را
با موضوع دفاع مقدس کار کنید. موضوعات آزاد،
مجله را به سوی کلیشه‌ای شدن سوق می‌دهد و
ارزش کار را پایین می‌آورد.
- ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

با این عزیزان تماس گرفتیم ولی متأسفانه
امکان صحبت با این بزرگواران نبود.

- آمنه آقاگلی - محلات
- منصور اسماعیلی - تیران
- رضا ایران نژاد - سیرجان
- سیامک رضایی - سمیرم
- مقدم کاظم نژاد - نوشهر
- فریده صفری - سقز
- مهدی عسگری - بشرویه
- شعیب سجادی - اصفهان
- سید محمد هاشمی - جویبار
- فاطمه فاتحی - دهقان
- محمدعلی انصاری - کرمان
- مهلا انصاری - کرمان
- مرتضی آهنگر - محلات
- محسن صفری - محلات
- حسین مظاهری - جاجرمد
- ولی الله صلاحی - زنجان
- بابا روانی - زنجان
- دلبر محمدی - زنجان

علی باقری-تهران

- نظرتان در مورد مجله چیست؟
در آن زمان که جز مخاطبین مجله شما بودم
مطالب خوب و ارزنده‌ای داشت.
- پیشنهاد خاصی برای بهتر شدن مجله
دارید؟
طی یک سال گذشته از تغییرات مجله مطلع
نیستم و نظر خاصی ندارم.

محمدرضا سبزه مرادمرکزی

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان؟
در عین سادگی مجله خوبی است.
- کدام صفحات را می‌پسندید؟
صفحات گفتگو با ایثارگران و خانواده شهدا را
خیلی دوست دارم.

مینا صابری-کرمانشاه

- پیشنهاد شما برای مجله؟
یک نظرسنجی قرار دهید بین مخاطبان با
موضوعات متفاوت و طبق آن تغییراتی در مجله
اعمال کنید.

زینب معدنی-اصفهان

- شما مجله‌ی شاهد جوان را
دریافت می‌کنید؟
بله. سال‌های زیادی است که
مجله را دریافت می‌کنیم.
- کجا با مجله‌ی شاهد
جوان آشنا شدید؟
پدرم جزو ایثارگران بود به
همین خاطر از طریق بنیاد
شهید با مجله آشنا
شدیم

علی حسن نژاد-زنجان

- نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟
مجله خوبی است.
- به کدام صفحه علاقمندید؟
معمولاً همه صفحات مجله را دوست دارم.
- چه پیشنهادی دارید؟
پیشنهاد خاصی ندارم و بخاطر زحماتتون ممنون
هستم.

کریم ایمانی-اهواز

- مجله شاهد را دریافت می‌کنید؟
بله. من چند سال است که مخاطب مجله شاهد
جوان هستم.
- نظرتان در مورد مجله را بفرمایید؟
خیلی خوب است. اینکه این مجله دارد به خانواده
ایثارگران ثابت می‌کند هنوز به یادشان است. و یاد
شهدا را زنده نگه می‌دارد.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
من بیشتر سعی می‌کنم مطالب با موضوع شهدا را
بخونم. برخی صفحات که مختص خانم‌هاست که
تمایلی به خواندن آن‌ها را ندارم.

کاوه بسطامی-سقز

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان؟
مجله‌ای خوبی است که نظر ما را جلب کرده که
جز مشترکین چندساله آن شده‌ایم.
- و پیشنهاد شما به عنوان مخاطب قدیمی
برای پیشرفت مجله؟
یک صفحه به مشترکین مجله اختصاص دهید که
پیام‌های خود را در آن برای مخاطب خاصی درج
کنند.

زهرامیر حسینی-تهران

- شما مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله
- نظرتان در مورد مجله را بفرمایید؟
سعی می‌کنم همه مطالب رو مطالعه کنم معمولاً
مطالب حوزه ایثار رو دوست دارم.

نامه‌های رسیده

یاسر شعبان‌اده، بندرانزلی- رقیه حسینقلی،
تهران- رویا رضایی، خمین- مهدی محمدپور،
بیرجند- سام محمدی، اهواز- ثمین شفیعی،
اهواز- مهدی پور سمیع، کاشان- سحر جزایری،
شهرکرد- افشین زندی، تهران- مینا محمدی،
اندیمشک- سلمان جنوبی- دزفول- فاطمه
ابراهیمی، خراسان جنوبی- مسلم شلالوند،
کرمانشاه- عباس مدیری، سمیرم- علی راغب
- بابل.



در این شماره هم به نیت شما «متولدین هر ماه» تفرّلی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینه‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

تقال

فروردین

« به شما خواهران و برادرانم توصیه می‌کنم تقوی را پیشه خود کنید. نعمت‌اله مهدی‌زاده قه‌دریجا

اردیبهشت

« ان ینصرکم الله فلا غالب لکم و ان یخذ لکم فمّن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المومنون آل عمران ۱۶۰
آید و اگر به خواری واگذارد آن کیست که بتواند از آن پس شما را یاری کند و اهل ایمان تنها به خدا و عظمت و قدرت او باید اعتماد کنند. بصیر علی پور

خرداد

« از کلیه مردم می‌خواهم با مطالعه تاریخ و بررسی وقایع گذشتگان عبرت بگیرند و به وظیفه فعلی خویش در مقابل اسلام عمل کنند. ما باید به جنگ با کفار بر خیزیم و دین خویش را اداء نماییم. اما پیام من به ملت شهیدپرور ایران این است که راه امام کبیرمان خمینی بت شکن آن اسطوره مقاومت و فضیلت را ادامه دهند ای ملت اسلام ای ملت ایران هرگز فریب منافقین و روشنفکران غرب و شرق زده را نخورید و حامی روحانیت مبارز باشید. رسول قاسمی

تیر

« هیچگاه مغرور به خود نشوید که این جزو اعمالی است که به واسطه آن شیطان از درگاه خدا رانده شد. یکی از بهترین عبادت‌ها جهاد در راه خدا است شما و تمام کسانی که مایل به داشتن آخرتی جاوید هستید باید در جبهه‌ها شرکت کنید و خود را برای تحمل رنج‌ها آماده بسازید و دل قوی دارید که خداوند پشتیبان و نگهبان شماست و تنها اوست که شما را پیروز خواهد کرد. اسماعیل نبی خرزوقی

مرداد

« خواهران عزیزم: شما هم حجاب خود را رعایت کنید و درستان را اگر چه مشکل است بخوانید تا انشاءالله پیش خدا مسئول نباشید. محمد صادق خوشنویس

شهریور

« بسیجیان قهرمان شما باید در همه کارهایتان نمونه باشید پس مواظب خودتان باشید. محمود کفیری

مهر

« شهادت مرگ نیست رسالت است، رفتن نیست، جاودانه ماندن است، جان دادن نیست بلکه جان یافتن است و به اجبار رفتن نیست به اختیار رفتن است، مردن نیست تولد است، سکوت نیست فریاد است، تنفر نیست عشق است. محمود کمالی زررند

آبان

«می‌خواهم به امت اسلام توصیه کنم بگویم نیازاید قلب امام را نیازاید این قلب الهی پاک زلال را، خدا بر ما منت نهاده چنین رهبری از میان برگزیده است پس پیامها و سخنان او را نصب العین خود قرار دهید و نهج البلاغه را بخوانید. مهدی موحدی دهنوی

آذر

«وصیتی که به شما همه جوانان عزیز حزب الله دارم این است که همیشه در کارهایتان اخلاص داشته باشید و هیچگاه کبر و غرور پیدا نکنید و مانند آن درخت پر ثمری باشید که هرچه پرثمرتر می‌شود شاخه‌هایش خم‌تر می‌شوند و شما هرچه که بیشتر برای خدا کاری کردید تواضعتان بیشتر شود. محمد تقی بقایان گرمسیر

دی

«شما ای دوستان و آشنایان مقداری فکر کنید علی (ع) در محراب شهید شد حسین (ع) در میدان شهید شد و در این زمان هم یاری اسلام در میدان جنگ است پس بیایید با هم راهی را برویم که شهدا رفته‌اند همانطور باشیم که امامانمان بوده‌اند با خون پر جوش شهدا عهد ببندیم که در میدان نبرد با دشمنان به فرمان رهبر گوش دهیم و مبارزه کنیم خدا را فراموش نکنیم. سیف اله عمو شاهی خوزانی

بهمن

«۱- پست و مقام را رها کنید و مردم را دریابید
۲- همیشه بنا به رضای خدا حکم کنید.
۳- هر مسلمان و قتیکه بحق رفتار نمی‌شود و جلو باطل گرفته نمی‌شود وظیفه‌اش این است که قیام کند و آماده شهادت گردد. معلم شهیدم: عهد می‌بندم که درس جاودانه عشقی را که به ما آموختی فراموش نکنم. فرج اله حاتمی

اسفند

«به راستی وقتی انسان درباره دنیا فکر می‌کند آن را متاعی ناچیز می‌داند یک ذکر خدا گفتن سبوح القدوس ربنا و رب الملائکه و الروح را بر تمامی دنیا و مظاهر شیطانی و افعال فریبنده‌اش می‌توان ترجیح داد شما ای ملت عزیز دائما در ذکر خدا و یاد پروردگار کریم باشید. مرتضی زارعان دولت آبادی



Do not talk on his word

Martyr Kabiry's mother said: "My son had written in his will when you carry my corpse to Imam Reza's shrine, read Ashura's prayers for me. When we carried the body there, shrine's crew did not allow us to read Ashura's prayers. We were talking with them that we noticed blood is streaming of Martyr's coffin. When the crew saw this happening, they did not discuss us anymore and went to bring water and detergents to wash and clear blood. We seized the opportunity and before their returning read Ashura's prayers and finished reading. The crew brought washing appliances. Surprisingly there was not any blood trail as if it never existed. That was when we recognized that we should never talk on Martyr's word.

ترجمه‌ی شماره قبل

گرچه صدام حسین در ساعات میانی ۳۱ شهریور و پیش از صدور فرمان حمله به ایران، موضوع اختلافات مرزی را دلیل وقوع جنگ عنوان کرد، اما حتی خود او نیز می‌دانست این جنگ مرحله اجرایی نقشه برنامه‌ریزی شده، هدفمند و فرامنطقه‌ای است و دولت بغداد به دلیل اختلافات زمینی و دریایی خود با ایران، تنها داوطلب اجرای این نقشه شده است.

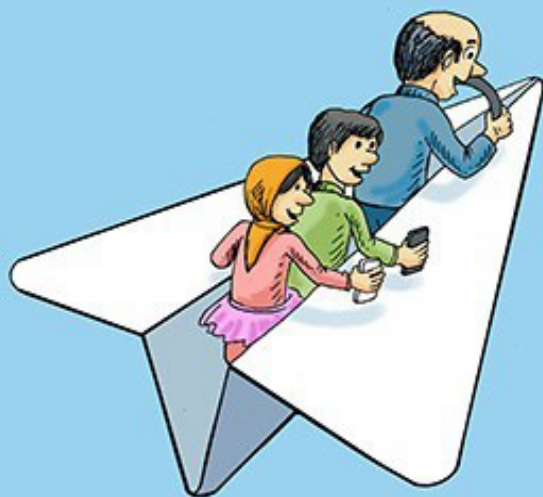
واقعیت این است که انقلاب اسلامی تنها سبب از بین بردن «جزیره ثبات غرب» در منطقه نشده بود، بلکه تمامی الگوها و هنجارهای مورد نظر غرب در خاورمیانه و خلیج فارس را بر هم زده بود. انقلاب اسلامی در برابر نظامهای لائیکیتی مورد نظر غرب در منطقه، با صراحت، احیای مذهب را ندا می‌داد. علاوه بر آن قدرتهای بزرگ از این نگران بودند که ثبات مورد نظر آنان در خاورمیانه و همچنین جریان آرام و مطلوب نفت از خلیج فارس، با تثبیت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران به خطر افتد.



از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید. به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:

ندا ماندگار- مشهد



Saeed

کاریکاتوریست: سعید صادقی

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.



برنده شماره گذشته:
مونا فراحانی

کودکان و غیر نظامیان بیشترین قربانیان رژیم
صهیونیستی هستند

پِراکِمْ!

خاطراتی از سردار شهید حسین مجد
(فرمانده گردان تخریب تیپ نبی اکرم صلی الله علیه وآله)



محمد مهدی عبدالله زاده

نشر شاهد منتشر کرد

